نشریه مجاهدین ★ خلق ایران

سال اول ـ شماره ۱۱ ـ دوشنبه ۲۸ آبان ماه ۱۳۵۸ ـ تکشماره ۱۵ ریال

پیام تهنیت مجاهدین خلق ایران (شاخه آبادان) به نفتگران انقلابی

بمناسبت ملی کردن دو شرکت امپریالیستی ـ آمریکائی

بنام خداوبنام خلق قهرمان ایران

مجاهدین خلق ایران درنهایت افتخار پیشنهاد واقدام ضدامپریالیستی کارکنان شرکت ملی حفاری نفت ایران را درملی کردن سهام آمریکائی شرکتهای حفاری "سدکو" و "سدایران" به پیروی ازخطوط ضداستعماری امام خمینی به‌تمام مردم قهرمان ایران و بویژه طبقه پیشرو کارگر تهنیت می‌گویند.

بدیهی است که شورای انقلاب بایستی دراسرع وقت به ندای ضدامپریالیستی امام، و اقدام قاطع برادران کارگر پاسخ داده، وبه‌تأسیس شرکت ملی حفاری ایران با تمام تجهیزات لازم رسمیت‌بخشد.

مرگ برامپریالیسم آمریکا ـ درود برنفتگران انقلابی

مجاهدین خلق ایران (شاخه آبادان) ۵۸/۸/۲۳

تسلیت به خلق قهرمان

مجاهدین خلق ایران فاجعهٔ دردناک زلزله منطقهٔ قائنات را به‌عموم مردم ستمزدهٔ ایران و بویژه خواهران وبرادران عزیزخراسانی تسلیت میگویند تردیدی نیست که بلایای طبیعی تنها در زمینه‌ای ازبلایا ومناسبات ضد مردمی اجتماعی میتوانند مؤثر واقع شوند. والا پیشرفت علم و صنعت بحدی رسیده‌است که‌میتواند با پیشگیری‌های لازم‌تلفات طبیعی را به حداقل تنزل دهد.

و امروز بلای اصلی اجتماعی ما،که همان علت ریشه‌ای فجایع اجتماعی و طبیعی است امپریالیسم ستمگار امریکاست که با چپاولگری‌خود همه خلق را در فقر و محرومیت فرو برده است.....

مجاهدین خلق ایران

تلگراف فوری به مجلس خبرگان

نسل مشتاق وبخون نشسته ما، حتی باصرفنظرکردن ازنحوهٔ انتخاب وترکیب گروهی خبرگان و پایان یافتن مدت وکالت قانونی آنها درراس یکماه، بازهم ازدادن رای مثبت به مصوبات کنونی آنها معذوراست. مگراینکه...

در آستانهٔ پانزدهمین قرن هجرت و دراوجگیری مجدد شور ضدامپریالیستی تمام مردم ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران مجدداً" توجه فرد فرد آقایان را به مسئولیت خطیر تاریخی شان، راجع به تدوین یک قانون اساسی طراز اسلام و طراز مردم جلب نموده، وآرزو میکند تا با یک تجدید نظر انقلابی وقاطع در آخرین نشست خود، به‌حداقل انتظارات مرحله‌ای نسل انقلابی این میهن از یک قانون اساسی رهائی بخش ضدامپریالیستی واسلامی، لبیک گویند. باشد که به این ترتیب‌هیچ موردی برای تفرقه وجدائی اقشار مختلف ازیکدیگر، آن هم دراین موقع حساس، باقی نماند.

نیازی به تکرار نیست که‌دراین‌میهن، نسل مشتاق وبخون نشسته‌ای چشم انتظار است، وحتی با صرفنظر کردن از نحوه انتخابات وترکیب گروهی آقایان وطول مدت قانونی وکالتشان (یکماه)، چنانچه موارد زیر در فصل قانون مراعات نگردد، ازدادن رای مثبت به‌آن معذوراست:

۱ ـ محدود نمودن حقوق مالکیت و تصرف، درچارچوب‌قرآنی‌وبکشی "کار"

۲ ـ منوط نمودن بهره‌وری از زمین و محصول، به کسی که بر روی آن "کار" کرده است.

۳ ـ تصریح حاکمیت مردم که جدائی خلیفه و جانشین خدا در زمینه و اراده خودرا تنها ازطریق یک‌مجلس ویک قانون واحد انقلابی واسلامی بیان میکنند.

۴ ـ اداره وتمدی کلیهٔ امور کشور از طریق شوراهای واقعی.

۵ ـ اعادهٔ حقوق همه ملیت‌ها واقدام مبنی بر تعیین سرنوشت و اداره کلیهٔ امور داخلی شان در چارچوب تمامیت ارضی خدشه ناپذیر کشور.

۶ ـ تضمین آزادی همهٔ احزاب و گروهها تا مرزقیام مسلحانه که تنها معنی واقعی کلمهٔ چند پهلوی "توطئه" است.

۷ ـ الغاء تمام قراردادهای تنگین استعماری وقطع همهٔ وابستگیهای امپریالیستی و ملی گرایانه (سرمایه‌گذاریها) و سیاستهای مربوط، بویژه در رابطه با امپریالیسم امریکا (دشمن اصلی ما).

> کاش بالبیک گفتن به‌حداقل انتظارات مرحله‌ای ازیک قانون اساسی رهایی بخش ضدامپریالیستی واسلامی، هیچ موردی برای تفرقه وجدایی اقشارمختلف ازیکدیگر... باقی نمیماند

ایضاحاً" ضمن آرزوی عمر هرچه طولانی تر برای امام خمینی، تصدیع میدهد که مبادا فراموش شود دراین میهن همیشه رهبری همچون ایشان نیز برسر کار نخواهد بود، و این نکته است که عنایت به‌آن آیندهٔ این کشور را تا آنجا که به قوانین اساسی اش مربوط میشود از بسیاری مخاطرات برحذر خواهد داشت.

با احترام ـ مجاهدین خلق ایران

۵۸/۸/۲۳

هشداری پیرامون چپ روی وچپ نمائی

(قسمت آخر)

ماامروز شاهد روحیات آنارشیستی وه رج ومرج طلبانه‌ای هستیم که‌چپ نمایان درصحنهٔ سیاست ازخود بروز میدهند

...

این همان "کیفر معاصی ابورتونیستی" قدیم است که‌اکنون بدینصورت خود را به آنها تحمیل کرده است.

چنانکه در سراسر اسناد فوق الذکر ملاحظه‌شد:

اولاً" ـ مادرهمه‌جا ودرهمه‌وقت بدون هیچ تزلزل و تناقض، از حقوق ملیت ها و بویژه مردم کردستان مبنی بر رفع ستم مضاعف از آنها دفاع کرده، و در چار چوب تمامیت ارضی کشور، حق تعیین سرنوشت را برای آنها خواستار شده‌ایم.

ثانیاً" ـ اکیداً" از هرگونه قهر تهاجمی وجنگ‌افروزی ارتجاعی‌وامپریالیستی که از فردای قیام نیز آنرا پیش بینی میکردیم پرهیز داده، و حل مسالمت آمیز قضایا را درنظر داشته‌ایم. اکنون بگذارتا با این‌همه بازهم مدعی بنویسد:

" بعضی ازنیروهای خلقی نیز هستند که بنا بر ماهیت طبقاتی خود، و از آنجا که به دلیل فقدان قدرت سیاسی لازم پرولتاریا و حزب وی در شرایط کنونی، چشم به قدرت حاکم دوخته‌اند، نتوانسته‌اند درمورد کردستان سیاست درستی در پیش گیرند. ازجمله این نیروها سازمان مجاهدین خلق است که‌اساساً" طوری به مسائل جاری کشور برخورد میکند که گوئی مبارزهٔ طبقاتی حاد وپیچیده‌ای که‌امروز درجامعه ما جریان دارد، ناشی ازیک "سوء تفاهم است!" ۱

البته نیازی به پاسخ‌ندارد که اگر تنها برای یک فرد یایک‌گروه "سوء تفاهم" شده باشد، همانا نوبسنده وامثال او هستند. والا تا آنجا که به مجاهدین مربوط میشود، به سادگی می‌توان با

بقیه‌درصفحه ۲

محرم ماه "خون" و "پیام رهایی بخش توحید"

مردم ما خود را در جهت این مکتب "رهایی بخش" و "تاریخ ساز" بسیج می‌کنند

با فرارسیدن ماه محرم، تاریخ انقلابی و سراسر "خون وپیام" مکتب توحید مجدداً "درخاطره ها زنده میگردد. و ماهی که نشانهٔ مبارزهٔ قهرآمیزتوحیدونودهها (اللیوستضعفین) با شرک و طبقات استثمارگر (شیطان و مستکبرین) است رخ مینماید.

این ماه مبارزهای سرسخت و آشتی ناپذیری را نشان میدهد، که در طول تاریخ راهی جز قیام و خون وپیام توحیدی نمی شناخته است. و ازهمین طریق نیز مسیر تکامل جامعه را بسمت یگانگی و توحید گشوده.

این مبارزه در مسیر پر پیچ وخم خود، از مرحلهٔ خودسازی‌وکسب تقوا در رمضان "ماه خدا" میگذرد، ودر حرکت رشد یابندهٔ خود در دوران "هجرت وحج" به عید قربان ومنی این بین‌الملل قربانی وفدا را قربانگاه تاریخ ـ میرسد. در مسیر همین مبارزه خستگی ناپذیر است‌که اسماعیل فرزند ابراهیم در راه‌خدا و راه توده‌ها برای قربانی آماده میشود،تا درجهت توحید (و یگانگی فدا گردد.

بقیه‌درصفحه ۱۰

آقای آذری قمی چه‌کسی میتواند امین بیت المال باشد؟

ازنظر ما مهم این بوده وهست که‌برچسب‌های آنچنانی نثار ائمهٔ انقلابی تشیع نگردد

به شمارهٔ ۲۲ آبان نامه‌ای بتاریخ ۱۶ آبان از آقای آذری قمی در جواب اعلام جرم مجاهدین شاخهٔ مشهد دریافت‌نمودیم. قرار گذاشتیم در اولین شمارهٔ مجاهد (که اکنون در اختیار شماست) به‌چاپ آن مبادرت ورزیم. تا اینکه درشمارهٔ چهارشنبه۲۳ آبان کیهان، نظیر همان نامه (با کمی تعدیل) درصفحه۱۰به چاپ رسید. چنانکه در صفحه ۱۰ مزبور ملاحظه میشود، آقای آذری ادعا کرده است که نشریهٔ‌مجاهد پاسخ ایشان را تا این تاریخ‌بچاپ نرسانده است... و علیهذا به‌همین جهت به نشریات دیگر مراجعه کرده‌اند. ما بدون اینکه بخواهیم به فشارهای فرقه‌گرایانه‌ای اشاره کنیم که‌تحت آنها عموم مطبوعات و شعبه برادرانمان در کیهان نتوانستند اعلام جرم ما بر علیه آذری قمی را منتشر کنند، وبدون اینکه این نکته را مرح بکشیم که چگونه و با چه فشارهائی به مطبوعات اتهامات آقایان نظیر هادوی و آذری قمی تماماً چاپ میشود، ولی حواشهای مجاهدین یا چاپ نمیشود ویا ناقص منتشر میگردد، واگر چه ما را هیچ فرصت‌آن نیست که همچون‌آقای آذری قمی رادیو وتلویزیون و بعضاً" مجلات اول را بخود اختصاص دهیم، متن کامل حواشه ایشان را دیلاً" درج، و پیرامون چند نکته جواب مشروح وسنند آن را

بقیه‌درصفحه ۲

دربارهٔ خلع سلاح

ازدیدگاه مکتب توحید، تضادهای اساسی ناپذیرطبقاتی تاامحای استثمار انسان ازانسان، بدون بازوان مسلح مجاهدین قابل حل نیست

مقدمه

مدتی است مسألهٔ سلاح و وجود آن در دست مردم، وخصوصاً "نیروهای انقلابی: درسطح جامعه مطرح شده‌است. مسألهای که بیگمان دردهن هیچکس در روزهای قیام و قبل از آن وجود نداشت. ضرورت وجود سلاح در دست مردم، وبویژه نیروهای انقلابی آنقدر بدیهی مینمود که هرکس به‌خود حق میداد برای سرنگونی رژیم منفور پهلوی، تدارک تهیهٔ آن را ببیند.

هیچکس جز نیروهای "سلطنت ـ طلب و آنها که خیال خام بازگشت به گذشته را در سرمی‌پروراندند از وجود افراد مسلح مردمی‌نمی‌ترسیدند.

روزهای قیام نیز دیدیم که جز افراد وابسته به رژیم شاه وسرسپردگان امپریالیسم هیچکس‌رابن‌امپراتوری‌آنسی نکرد. پدر طالقانی درجواب خبرنگاری که درمورد "وجودسلاح‌دردست گروههائی که از زمان اختناق در کنار مردم مسلح بوده‌اند" سؤال میکرده، میگوید:

" خلع سلاح به‌نظر من‌بدان معنی نیست که سلاح ازدسترس آنها دورباشد، ولی دراین شرایط نباید طوری باشد که در دسترس افراد غیر مسئول بیفتد. البته دراینجا باید یک مسأله رامعروض کنم وآنهم اینکه این سلاحهای قوی که در دسترس مردم قرار گرفته اند، این مردم چقدر باشرافت‌و صدیق هستند که از آنها بعنوان حربه های شخصی و راهزنی استفاده نمی‌کنند. آنهم در شرایط‌فعلی و اوضاع تحول و تحرک. این قابل قدردانی است."

(اطلاعات ۲۰ بهمن)

ولی اکنون پس‌از چندماه جزئی موجود آورده‌اند که ممکن است برای ضرورت وجود اسلحه در دست مردم برای مدعای در زیر علامت سؤال قرار گرفته باشد. مجاهدین خلق ایران از آنجا که خود سالیاست مبنی بر مکتب توحید سلاح برگ دارند، و مسیر زندگی خویشان خویش را درپرتوایدئولوژی اسلامی شان روشن‌کرده‌اند، وظیفهٔ‌خود میدانند تا توضیحاتی در رابطه با نگهداری و استفاده ازسلاح عرضه کنند. باشد تا با عرضهٔ دیدگاه‌اسلامی‌نسبت به‌این‌امر راه هرگونه مصلحت گرائی‌که منشع آن‌بسته‌به اوضاع و احوال و شرایط‌و منافع نظرات متفاوتی ارائه میشود، بسته گردد. چرا که‌اگرنظرگاه اساسی اسلام نسبت‌به‌مسألهٔ اسلحه روشن نباشد، چه بسا نظراتی بعنوان اسلام اعمال شود که غیر اسلامی‌وحتی ضد اسلامی باشد.

شرط‌کافی وصول به جامعهٔ قسط حضور بازوان‌مسلح مردمی ومکتبی است

دیدگاه واقع‌گرایانهٔ توحیدی، آنجا که در پهنهٔ اجتماع چشم‌اندازبر شور جامعهٔ بی‌طبقه توحیدی (قسط) را مراسوی انسان میکشاند، بسا سنگی‌آمانتی را که کوهها از پذیرش آن امتناع کرده‌اند، نیز بردوش اوقرار میدهد.

إنا عَرَضنَا الأمانةَ علی السَّمٰوٰتِ والأرضِ والجبالِ فأبینَ أن یحملنها و أشفقنَ منها وحملها الإنسان...

"امانت خود را (ومسئولیت تکامل بخش اجتماع را) برآسمانها و زمین و کوهها عرضه کردیم، هراسیدند وازپذیرفت آن امتناع کردند. پس‌انسان پذیرفت وریسالت بردن‌آن را بسر دوش کشید..."

ازطرف دیگر سلاح را نیز در

بقیه‌درصفحه ۲

مبرم ترین وظایف دانش آموزان درجریان مبارزهٔ ضد امپریالیستی ـ آمریکایی

باردیگرفریادهای‌گویندهٔ خلقمان بصدا درآمد. و همانطور که بارها وبارها نشان داده‌بود، این بار نیز ثابت کرد که مصمم است تا به هرگونه سلطهٔ امپریالیستهای جنایتکار و در رأس آن‌امریکای جنایتکار خاتمه‌دهد.

ثابت کرد که فریب نیرنگهای به ظاهر انسان دوستانهٔ آمریکا این دشمن اصلی خلقها را نمیخورد. و دیدیم که چگونه با اشغال لانهٔ جاسوسی آمریکا چه اقتدار وسیعی از مردم بسیج شدند، تا حمایت، تأیید و همکاری خود را در مورد این جریان ضد امپریالیستی ـ آمریکائی نشان دهند. وبکبار دیگر نیز به تجربه ثابت شد که چگونه فقط و فقط حول محور مبارزهٔ ضد امپریالیستی (در واقع حول مبارزه با دشمن اصلی همهٔ اقشار خلق) است که توده‌های مردم و خلقها بسیج میشوند، به وحدت میرسند و بسیاری از تضادهای فرعی و درونی تحت الشعاع قرار میگیرند. کما اینکه در دوران شاه این وحدت حول محور مبارزهٔ ضد دیکتاتوری شکل‌گرفته بود، و توانسته بود تحت رهبری امام خمینی تمام نیروهای خلق را بسیج نماید، و تضادهای فرعی را تحت الشعاع مبارزهٔ اصلی قرارداده.

و میدانیم که ضامن پیروزی خلق ما در مبارزهٔ ضد امپریالیستی، در درجهٔ اول شرکت فعال "همه اقشار و طبقات مردم دراین پیکار است. البته طلیعهٔ شرکت فعال اقشار مختلف مردم ووحدت ضدامپریالیستی آنان در طول یکی دو هفتهٔ اخیر بسی چشمگیر و رو به افزایش بوده است. با توجه به این مسأله و در نظر گرفتن اینکه قشر وسیعی از این نیروها را برادران و خواهران دانش آموز تشکیل میدهند. سخنی چند داریم با این عزیزان. کساینکه دراین چند روز نیز به واقع نشان دادند که در ایفای‌نقش خود در سنگر مبارزه همچنان پابرجا و استوارند

اشغال لانهٔ جاسوسی، بزرگداشت واقعی ۱۳ آبان

خلق ما عزیزان با گرامیداشت یکی از روزهای‌افتخارآمیز میهن خونبار مان ـ روز دانش آموز ـ روزی که شاهد بخون غلتیدن دهها خواهر وبرادر رزمندهٔ این آب وخاک بود، الگو و نمونهٔ دیگری از شکوه و مظمت و افتخار و غرور را نیز خلق‌کرد. و بحق دانشجویان‌قهرمان‌دراین روزپاسخگوی ندای شهدای خلقمان شدند. شهدائی که، چشم انتظار بودند تا انقلاب خمینی ما از زیر بوغ حاکمیت مشتی انحصارطلب و از خدا بیخبر درآید، و به راه راستین و حقیقتاً انقلابی خود ادامه دهد.

بهرحال لانهٔ‌جاسوسی آمریکا درنیمروز ۱۳آبان‌اشغال‌شد. شاید درست در همان لحظاتی که سال پیش خون عزیزان ما در محیط دانشگاه توسط ارتش مزدور آمریکائی شاه خائن بزمین می ریخت ـ گروهی از دانش‌آموزان

بقیه‌درصفحه ۲

مباحث ایدئولوژیک

استثمار (۲)

استثمار از دیدگاه ایدئولوژی اسلامی ما

یادداشت از: فرهادصفا

تقریر از: سعیدمحسن

قبل از ورود به این بحث مقدمتاً باید خاطرنشان کنیم که: اهمیت ویژه ای برای انسان قائل بوده و او را در نظام آفرینش در مرتبهٔ بالائی قرارداده است. براین‌اساس‌انسان‌از منزلتی عالی برخوردار میباشد، همینقدر کافی است اشاره کنیم که در مقام خلیفةاللهی قرار گرفته، و تمام ملائک (مبادی قوا و نیروهای طبیعی) و پدیده های گوناگون در راه تکامل و ی سر سجده فرود آورده، و در خدمتش قرارگرفته اند. (واذ قلنا للملائکة اسجدوا لآدم .... سور، بقره آیه ۳۴)

انسان موجودی است‌که‌مالاً صفات خدائی کسب میکند، آیات واحادیث فراوانی دراین زمینه موجود است‌که اشاره به یکی دو تا از آنها منظور ما را برآورده میکند.

دیگری از احادیث قدسی "منتسب به حضرت محمد (ص)" خدا به پیامبر چنین میگوید: "خلقتُ الأشیاءَ لأجلِکَ، وَ خلقتُکَ لأجلی (تمام اشیاء و پدیده‌های متنوع و گوناگون‌و نعمات و امکانات و... را برای‌خدمت‌واستفاده تو آفریدم و درنهایت تو را برای خودم خلق کردم.

ـ همه چیز برای انسان و برای تکامل انسان، و خود انسان درنهایت برای‌خدا وسوی خدا ـ

آسمانها وزمین وهرچه‌درآنهاست باتمام عظمت واهمیتش کمدر نوع خود از نظر خلقت وآفرینش عظیم ترومهمتر از آفرینش انسان است، تحت‌اراده و اختیار انسان است در چهنو بکاملی‌ـ اش قرارگرفته‌اند. "لخلق السّمٰوات و الأرض أکبرُ مِنْ خلق النّاس ولکنّ اکثرَ النّاسِ لایَعلَمُون" (آیه ۵۷ سوره‌غافر) "البته خلقت آسمانها وزمین بسیار بزرگتر و عظیم تر از خلقت مردم است لکن اکثر مردم نمیدانند" "ماانسان به خاطر مقامش تسخیر کنندهٔ آسمانها و زمین است "وسَخّرَلَکُم ما فی السّمٰوات والأرض جمیعاً" (آیه ۱۳ سوره جاثیه) "همهٔ آنچه که در آسمانها وزمین است به تسخیر شما درآوردیم" و بالاخره اینکه انسان برتری کم‌نظیری درجهان داراست "وفضّلنا هُمْ علی کثیر مِمّن خلقنا تفضیلا" (انسان‌را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت بزرگی بخشیدیم)...

دراینجا نمیخواهیم وارد چون و چرای مسأله بشویم زیرا منظورمان تنها نشان دادن اهمیت خاص انسان است که بطور کلی دراین دو عبارت خلاصه میشود:

اولاً" ـ انسان موجود بسیار با ارزش بوده وبرگزیده و خلیفهٔ خداست.

ثانیاً ـ همه چیز برای او و از آن اوست.

با توجه به مطالب فوق روشن می شود که هرگاه صحبت از قدر و ارزش حیات انسان‌میشود، منظور بیان یک جملهٔ ادبی نیست. بلکه این بیان "با "آفرینش" و "نوامیس خلقت" در نهاد انسان قرار داده است

بقیه‌درصفحه ۹

انقلاب چیست و انقلابی کیست؟ (۳)

شیوهٔ برخورد با جریانهای انحرافی درون جبههٔ خلق

نقض اصول حاکم بر مشی انقلابی انحراف محسوب شده و بایستی علیه آن افشاگری کرد

نکته‌ای که در اینجا باید متذکر شد این است که نیروهای مترقی و انقلابی (جبههٔ خلق) موظفند در چهارچوب اصول و ضوابط حاکم بر سیاست و استراتژی انقلابی (مشی صحیح) همراه با تاکتیک های متناسب حرکت کنند. زیرا تنها با انتخاب سیاست و برنامه و تاکتیکهای درست است که میارزهٔ انقلاب به نتیجه میرسد. درغیراینصورت نیروها هدر رفته و ضربه و شکست حتمی است.

علیرغم این ضرورت درمسیر پر پیچ و خم مبارزه، عناصر وجریانهای مترقی گاه دچار انحراف و اشتباه شده، و به چپ روی یا راست روی می‌افتند. بدیهی است که این انحرافات یا اشتباهات نمیتواند مورد تأیید هیچ عنصر مسئول وانقلابی باشد. بلکه همواره با مواضع غیر اصولی مبارزه می شود. اما نکته‌ای که نباید فراموش شود اینستکه بهرحال صف انقلاب از ضد انقلاب متمایز است. وبرهمین اساس شیوهٔ برخورد با جریانهای انحرافی درون جبههٔ خلق با شکل مبارزه برعلیه ضدانقلاب یعنی دشمن (وتضاد) اصلی فرق میکند.

هدف از مبارزه با دشمن اصلی درهم شکستن نظامی و غالباً نابودی فیزیکی قوای اوست. درحالیکه منظور از مبارزه برعلیه جریانهای انحرافی درون جبههٔ خلق اساساً تصحیح مواضع غلط و حد اکثر رسوا ومنزوی کردن منحرفین است.

هریک ازاین هدفها شیوه وشکل برخورد خاصی را نیز طلب میکند. مثلاً درحالی که بایستی درمقابل جنگ ـ افروزی و سلطهٔ طلبی امپریالیزم ومزدوران اش به شکل نظامی وقهرآمیز برخورد کرد، درقبال اشتباهات و انحرافات نیروهای خلقی باید انتقاد کرد وآشاگری نمود. عدول از این اصول فقط بسود دشمن تمام خواهد شد.

دموکراسی انقلابی مبنای وحدت ضدامپریالیستی

جبههٔ خلق، مرکب از نیروهایی است با مرامها وروبه‌های مختلف که هر کدام میخواهند آرمانها واهداف خود را تبلیغ نموده، ومردم را به حقانیت و ترقیخواهی خود متقاعد سازند. بنا براین تضادعقیده واختلاف نظر در مسائل سیاسی یک مسالهٔ عینی واجتناب ناپذیر است.

اما مساله عینی‌تر و مهمتر اینست که همه درمقابل دشمن واحد (تضاد اصلی) قرار دارند، که غفلت از آن و بطریق اولی تقویتش (دراثر بجان هم افتادن نیروهای خلقی) به نفع هیچکدام نیست.

بنابراین اختلاف نظرهای درونی، درعین حال که واقعی و دراین مرحله اجتناب ناپذیرند، نباید تضاد اصلی را تحت الشعاع قرار دهند.

"وحدت نیروهای خلقی درمقابل امپریالیزم" یکی از اصول انقلابی در این مرحله است، که خود بقیدنا" مستلزم پذیرش موجودیت (آزادی عقیده و مرام) نیروهای ضدامپریا ـ لیستی است، زیرا بدون قبول حق حیات و به رسمیت شناختن آنها چگونه میتوان از وحدت درمقابل دشمن مشترک دم زد؟

از اینروست که نیروهای انقلابی و مترقی در عین حال که هر کدام به اعتقادات و آرمانهای خود وفادار میمانند ـ بویژه این حق را برای دیگر مبارزان هم قائل اند ـ مشترکاً" بر علیه دشمن واحد (امپریالیزم) می جنگند.

باید تأکید کرد که منظوراز وحدت درمقابل دشمن مشترک بهیچوجه دست برداشتن از اعتقادات، ویا تحمیل عقاید، یا جلوگیری از تبلیغ ارزشها و نقطه نظرات نیست. همچنین اختلاف عقیده مجوزی برای متهم کردن دیگران به انحراف یا ضدانقلاب نیست وبه طریق اولی سرکوب نظامی دیگر نیروها دراین رابطه توجیه نمیشود (بدیهی است که نقض اصول حاکم برمشی انقلابی توسط یک نیرو انحراف محسوب شده، و بایستی علیه‌آن افشاگری شود. من‌باب مثال درنبرد ضدامپریالیستی، اصل وحدت نیروها واصل مشی مسلحانه بایستی توسط کلیهٔ نیروهای انقلابی مراعات شود (اگر چه بلحاظ اهداف و آرمانها متفاوت باشند) حال اگر یک جریان، این اصول را زیر پا گذاشت نمیتوان درمقابل آن‌بی تفاوت ماند.) درنتیجه منظور از وحدت بطور خلاصه اینست گمناپید به اختلافات درونی دامن زد، وآنها را تضاد اصلی خلقی کرد. زیرا این انحراف باعث میشودکه بجای مبارزه برضد دشمن واحد، علیه نیروهای خلقی جنگ وستیز راه بیفتد.

شرط پیروزی مکتب توحیدی ها

درهمین حا باید خاطرنشان کردکه وقتی بر لزوم برخورد دموکراتیک با مخالفین فکری و عقیدتی خود تأکید میکنیم، بهیچوجه‌منظورمان عقب ـ نشینی از ایدئولوژی و مبارزه مکتبی ـ مان نیست. بلکه برعکس تعنتها بر حتمیت پیروزی ایدئولوژی توحیدی ـ مان عمیقاً" ایمان داریم، بلکه این شیوهٔ برخورد را لازمهٔ پیشرفت وتبلیغ پیروزی مکتبمان میدانیم. چرا که بخوبی درک کرده‌ایم که پیروزی یک ایدئولوژی درمحدودهٔ تاریخ با تکفیر و جوسه وچماق و یا با دیکتاتوری و انحصارطلبی و یا با تحجروکوراندیشی و ..... تحقق نمی یابد. بلکه این پیروزی دقیقاً" درمتن عمل انقلابی و پیشتازی درامر انقلاب، وحل تضاد ـ

بقیه در صفحه ۱۲

بعلت زیادی مطالب، دوایینجا شماره جدید «مجاهد» را انقلابیون، راه‌پیمایان و مبارزان بر علیه رژیم تقدیم میکنیم. ضمن پوزش توجه شما را بمقدمهٔ ابتدای همین شماره آینده جلب می‌نمائیم.

مبرم‌ترین وظایف دانش آموزان در جریان مبارزه ضد امپریالیستی ـ آمریکایی

بقیه از صفحه اول

سؤالات ابهامات و تضادهای بیشتری روبرو هستند. و بایستی با اتخاذ شیوه‌های اصولی تلاش مقدس خود را هرچه بیشتر عمق بخشیده و گسترده‌تر کنند.

ما دراین مختصر کوشش خواهیم کرد با بررسی کوتاه یکی دو نمونه از عمومی ترین مشکلات دانش آموزان، و طرح چند رهنمود تا اندازه‌ای مشکلات و ابهامات موجود را حل کنیم.

شرکت همهٔ نیروهای خلقی ضرورت مبارزهٔ علیه امپریالیسم

بسیاری از برادران وخواهران دانش آموز سؤال میکنند که چطور و چگونه میتوانیم در جریان این حرکت با بسیاری از نیروها، که نه لحاظ طبقاتی ونه بلحاظ سیاسی مواضع اصولی و درستی ندارند، همگام وهم‌صدا شویم.

آیا همراهی با نیروهائی که اصولاً" مدافع مستضعفین (کارگران و دهقانان) نیستند، و نمایندهٔ اقشار مختلف خرده بورژوازی، وشاید حتی بورژوازی ملی‌می باشند، با اصول ما منافات ندارد؟

در اینجا توجه به این نکته لازم است که برای مبارزه با دشمن اصلی، بسیج تمام نیروهای خلقی لازم است. و باید حد اکثر تلاش را نمود تا هرچه بیشتر اقشار مختلف خلق را در جریان مبارزهٔ ضد امپریالیستی فعال نمود.

همانطوری که در مرحله قبلی ـ مبارزهٔ ضد دیکتاتوری ـ هرگاه تمام نیروها و عناصری که به عقلی با دیکتاتوری تضاد داشتند، ضروری بود در شرایط فعلی نیز تمام نیروها وجریاناتی که به شکلی با امپریالیسم در تضاد هستند، و در درون جناح خلق می‌گنجند، بایستی بسیج شده و از نیروی آنها دراین جهاد مقدس استفاده شود.

البته روشن است کهاین مرحله از مبارزه پیچیدگیهای خاص خودرا دارد وچه بسا کسانی که درمبارزهٔ ضد دیکتاتوری شرکت داشتند، امروز به شرایط جدید تن داده ومبارزه و انقلاب برایشان تمام شده باشد. چرا که به خواستهایشان از مبارزه رسیده‌اند. (روشن است کهاین موضوع به دلیل ماهیت و پایگاه طبقاتی آنهاست). و بازهم روشن است که تمام کسانی که اکنون در مبارزهٔ ضدامپریالیستی آمریکائی شرکت میکنند تا نهایت راه با این مبارزه همراه و همگام نخواهند بود. آنچه که مهم است این است که رهبری و هدایت جریانهای ضد امپریالیستی در نهایت در دست نیروهای انقلابی بوده، وتمام نیروها تا آنجاکه میتوانند و کشش دارند در این جهاد مقدس شرکت کنند. چرا که بدون شرکت فعال‌این نیروها پیروزی بر امپریالیسم امکان‌پذیر نیست. تاریخ مبارزات خلقهای جهان‌نمونه‌های‌بسیار جالب و چشمگیری از چنین وحدتی را نشان میدهد.

پیغمبر اسلام تلاش می‌کرد که نیروها در کانالهای انحرافی نیفتند

به زندگی سراسر مبارزاتی پیغمبر اکرم نگاه‌کنیم. در طول ده سالی که پیغمبر در مدینه بسر میبرد، و همواره درحال جنگ و ستیز با اشرافیت قریش (دشمن اصلی خلق عرب) بود، می‌بینیم که چگونه‌از به انحراف کشیده شدن نیروها و افتادن درکانال‌انحرافی و پرداختن به تضادهای فرعی جلوگیری مینمود. و تلاش میکرد نه تنها مسلمین بلکه همهٔ خلق عربستان را که بشکلی با اشرافیت قریش در تضاد هستند، علیه این اشرافیت بسیج‌کرده، تا حداقل به موضع بی تفاوتی بکشاند. صلح نامه ها وقراردادهائی که پیغمبر اسلام با بسیاری از طوایف و اقوام غیر مسلمان عربستان (ازجمله با یهودیان و ...) می بست بسیار زیاد بود. و در بسیاری از قراردادها حتی قید شده که‌اگر مسلمین مورد تهاجم واقع شوند آنها به حمایت و کمک مسلمین میایند و یا حداقل از متجاوزین پشتیبانی نکنند.

نمونه های بسیار دیگری درانقلاب بنا جهان وجود دارد کهعمه گویای ضرورت شرکت همهٔ خلق در مبارزات ضد امپریالیستی است. ولی بایستی توجه داشت کهاین مساله در عین حال حتماً و الزاماً بایستی باحفظ اصول ومعیارهای ایدئولوژیک، و روابط سازمانی و تشکیلاتی خودمان باشد.

هرچه آتش مبارزهٔ ضدامپریالیستی تند تر شود، نیروها وافرادی که به واقع کشش چنین مبارزه‌ای را ندارند، و نیروهای راست و مرتجعی که مبارزهٔ ضد امپریالیستی قرار مدت منافعشان را در خطر می‌اندازد، از صف نیروهای خلقی جدا شده، و هرچه بیشتر ماهیت سازشکارانه خود را برملا می‌سازند. پس هیچ جای نگرانی باقی نمی‌ماند. باشرکت در چنین مبارزه‌ای نه اصول و ملاکها و معیارهای ایدئولوژیک ـ سیاسی خودمان را زیر پا میگذاریم، وبه سازشکاری با جریانات ارتجاعی میرسیم، ونه رهبری و دور سازرزانی را دودستی تقدیم نیروهای راست و یا ارتجاعی میکنیم. بلکه فقط مبارزه متحد خلقمان راعلیه‌امپریالیسم امریکاهرچه گسترده‌تر میکنیم.

مشکل درس و شرکت فعال در جریان مبارزه

برای خیلی ازبرادران وخواهران این مساله مطرح است که شرکت فعال و گسترده دراین جریان و صرف تمام انرژی و تلاش خود دراین زمینه، با مسالهٔ درس وکلاس سازگار نیست. و روشن هم هست که اگر بخواهیم بیشتر وقتمان را دراین زمینه بگذاریم، به آن شکل وقتی برای درس خواندن باقی نخواهد ماند. و تازه بایستی موارض مساله، امتحان، قبولی و... را نیز در نظر گرفت. آیا بایستی درس را نادیده گرفت؟ و یا به عکس با پرداختن به درس بهای کمتری به حرکت در مبارزه داد؟

آنچه که در اینجا مهم‌است، این است که ما بایستی همواره و در هر حرکت خود معیارها، ضوابط وارزشهای مکتبی و ایدئولوژیک خودمان‌را مد نظر بگیریم، و اجازه ندهیم که هیچ چیز دیگری جایگزین این ارزشها وملاکها گردد. بعبارت دیگر درهرحال و در هر زمان آنچه برای ما اصل و مهم‌است حرکت مکتبی و گام برداشتن در جهت آرمانهای والای توحیدی‌است. توجه به این مساله، و با در نظرگرفتن اینکه رسیدن بهاین‌آرمانها، و بطور مشخص گذار از جامعهٔ شرک و طبقاتی به جامعه بی طبقهٔ توحیدی امکانپذیر نیست مگر با شکست دادن و نابود کردن امپریالیزم، به این نتیجه میرسیم که در شرایط کنونی و دراین برههٔ از زمان حرکت مکتبی با انطباق کامل‌با مبارزهٔ ضد امپریالیستی ـ آمریکائی دارد. بنابراین درس ومدرسه و یا هر عامل و پارامتر دیگری تا آنجا برای ما ارزشمند خواهد بود که درجهت حرکت ومبارزهٔ ضدامپریالیستی خلقمان بوده، ویا حد اقل با آن منافات و تضادی نداشته باشد. و همانطوری که در مرحلهٔ قبلی و درمبارزه با رژیم شاه ثابت کردید که حاضرید از هیچ‌چیز حتی جان خود بگذرید ـ چه رسد بهمدرسه وکلاسان ـ و تمام نیرنگهای رژیم را درجهت بازگشت بهمدارس خنثی کردید. دراین مرحله نیز لازم‌است کهما ایثار انقلابی، تمام موانعی را که در راه این حرکت مقدستان قراردارد از میان بردارید. روشن است که این مرحله تشکلات و موانع خاص خود را دارد، که چه بسا با مشکلات مرحلهٔ قبل متفاوت بوده و به شکلی دیگر است.

این مطلب الزاماً به معنی تعطیل کردن کلاس و مدرسه و یاکلاً به فراموشی سپردن درس نیست. (اگر چه ممکن است در بسیاری موارد حتی چنین تاکتیکهائی لازم باشد). ولی بایستی با بکار بردن تاکتیکهای مناسب و مختلف بتوانید این رسالت سنگین خود را دنبال کرده، و این تضاد را حل کنید. مثلاً میتوانید با تقسیم درست وقت خود، بخشی از کار خود را نیز به بررسی و مطالعه دروستان بپردازید وحتی میتوانید از تفریح یا بعضی برنامه‌های درجه دوم و سوم خود کم کرده و باهدف کنید، و وقت آنها را به درس خود اختصاص دهید.

خواهران وبرادران عزیز:

میدانیم که سؤالات و مشکلات بسیار دیگری نیز در این زمینه‌ها وجود دارد، که برای طولانی نشدن بحث سعی میکنیم در خلال رهنمودهای زیر تا آنجا کهممکن است به حل این مسایل بپردازیم، با امید موفقیت هر چه بیشتر دراین حرکت انقلابی

اما رهنمودهای عملی

۱ ـ در شرایط فعلی که اصلی ـ ترین مساله وبالطبع اصلی ترین وظیفه هرفرد یا نیروی انقلابی مبارزهٔ ضد ـ امپریالیستی ـ آمریکائی است، تلاش کنید با استفاده از تاکتیک های مختلف تمامی انرژی و توان خود را درجهت این نبرد ضد امپریالیستی قراردهید. دراین راه از هیچ تلاشی فروگذار نکنید.

۲ ـ با توجه به لزوم حمایت هر چه بیشتر از برادران و خواهرانی که در داخل سفارت هستند، و همینطور به منظور نشان دادن قدرت لایزال خلقمان به امپریالیسم جهانخوار آمریکا، و از همه مهمتر حفظ این کانون ضد امپریالیستی و شورومیهمان‌انقلابی تودههاالزام‌است که‌هرچه‌بیشتربارهبهائی با بطور انفرادی در مقابل سفارت جمع شده و درحفظ جوّ انقلابی و مترقی‌آنجا بکوشید.

روشن است که دانش آموزان انقلابی زحمات و مشکلات چنین برنامه‌ای را تحمل خواهند کرد. (همانطور که در چند روز اخیر بخوبی تحمل کرده اند).

دراین راه ازتشویق و توجیه دیگران برای‌اجتماع در آنجاخودداری نکنید.

مبارزات وقهرمانیهای خلقهای جهان

۳ ـ برای‌هرچه بیشتر مبنی تر شدن خودتان نسبت به جنایات آمریکا، این دشمن خونخوار تمامی خلقهای تحت‌ستم جهان، تلاش کنید تا در فرصتهای مناسب به مطالعهٔ کتابهائی دراین زمینه بپردازید. برای این منظور کتابهائی که سخن از مبارزات و قهرمانیهای خلقهای ویتنام، الجزایر کاسوو و فلسطین دارد، و جنایات این بهاصطلاح مدافعین حقوق بشر را در قرن بیستم‌نشان میدهد، بسیار مناسب است.

کانون مبارزهٔ ضدامپریالیستی

۴ ـ مدرسهٔ خود را تبدیل به کانون ضدامپریالیستی نمائید. تا آنجا که می توانید در جهت افشاگری امپریالیسم آمریکا و لزوم مبارزه با این دشمن اصلی، بااستفاده از معلومات و اطلاعاتی که خود دراین زمینه دارید به آنها تفهیم کنید. با همفکری و همکاری دوستان دانش آموزتان میتوانید طرحها ونقشه‌های‌ابتکاری در جهت بارورترکردن این مبارزه پیاده نمائید.

بانوشتن نشریه‌های دیواری با مضمون و محتوای ضدآمریکائی، انتخاب مقالات‌مناسب از روزنامه ها و یا کتابهای گوناگون و خواندن آنها در سر کلاس درس، و یا چسباندن آنهابه دیوار مدرسه، خواندن سرودها وشعرهای ضد امپریالیستی ـ آمریکائی درسر کلاس، و درصورت امکان نشان دادن فیلم ها واسلایدهائی که ماهیت کثیف امپریالیسم را نشان میدهد، میتوانید کامهای مناسبی دراین زمینه بردارید. آنچه که بسیار مهم است شرکت سازمان یافته و منظم شما دراین جریان میباشد.

۵ ـ با توجه به لزوم این مساله که، بایستی هرچه بیشتر شعارهای ضد امپریالیستی را به اعماق توده‌ٔ مردم کشید، و هرچه بیشتر تلاش کرد تا اقشار مختلف مردم را درجریان این مبارزهٔ ضد امپریالیستی بسیج نمود، بر شماست که: "هرچه بیشترد افشاگری توطئه های آمریکا بکوشید. و بایستی تلاش نمائید تا با تراکت‌ها، اعلامیه‌ها، پوسترها وپخش آنها در سطح شهر، نوشتن شعارهای ضدامپریالیستی (با محتوای افشاگرانه) در محلات مختلف شهر، بهآتش این پیکار انقلابی دامن بزنید."

۶ ـ در جهت برآورده شدن منظور فوق از تماس‌هرچه بیشتر باتودهٔ مردم در فرصتهای مختلف خودداری نکنید. این وظیفه انقلابی شماست که

بقیه در صفحه ۳

آقای آذری قمی چه‌کسی میتواند امین بیت المال باشد؟

بقیه از صفحه اول

اشاره فرموده‌اند و بهاقراریکی ازرهبران با ا ارجاع داده‌اند. باید خودتان از طرفی بهتفاوت ۷۰ میلیون تومان (که در بیانیه فرموده‌اند) و ۱۱ میلیون که در نامه نوشته اند، و نیز از طرفی دیگر به اینکه شاهد را نباید بهمدعی احاله دهند توجه دارند. زیرا که دادستانی زمان سرپرستی ایشان خود مدعی ماست. بهرحال تااینجاکه‌قضایا به ما مربوط میشود بزودی همه آنها را با اسناد کامل منتشر خواهیم ساخت. تاهمگان بدانند که از بدو انقلاب مجاهدین چه چیزهائی را از کجا معامله‌اند، و درچه راههائی خرج و به چه طریق تسویه حساب نموده‌اند. کجا اینکه بازها اعلام کرده‌ایم که حتی یک دینار از اموال عمومی را نیز هدرنداده و بیهوده درنهایت اقتدار برای ارائه ریز حسابهای آن که عمدتاً درفعالیت‌های جهاد سازندگی و خانه‌سازی و امثالهم مصرف‌شده،آماده‌ایم. والبته خدا و خلق ایران را به حسابرسی و قضاوت درباره خودمان کافی میدانیم. بهاین ترتیب دردادگاه خدائی وخلقی کفایت وامانت‌مارا قضاوت خواهند نمود.

مجدداً فقط یک نمونه از امانت‌داری و "امین پرداری" آ حضرت ایشان را به اطلاع خودتان میرسانم تا هرموقع اراده فرمایند سایر نمونه‌ها نیز بهمدد عموم مردم وخواننده‌گان نمان ارائه گردد.

مجاهد ـ

اولاً" بسیار خوشوقتیم که اعلام جرم ما علیه ایشان لااقل این نتیجه را داده است کهتلویحاً‌محدودیت ثروت و مالکیت دراسلام راپذیرفته‌اند. این مطلب هم‌که "ثروت زائد بر محدود و محدود" از کجا می آید انشاءالله اگر خودشان منافعی نداشته باشند درتحقیقات‌اقتصادی‌ومطالعات‌بعدی شان روشن‌خواهند شد. بهرحال‌چنانکه قبلاً هم گفته بودیم از نظر ما مهم این بوده وهست کهمرجعیتهای‌آنچنانی‌نثار ائمه انقلابی تشیع نگردد.

ثانیاً" ـ این مطلب را که ایشان فرموده‌اند منظورشان ازمصاحبه رادیو ـ تلویزیونی، مجاهدین نبوده‌اند، اگرچه برای هر بیننده یا شنوندهٔ عاقلی اظهر من الشمس بود، مدرت‌خواهی‌تلویحی محسوب کرده، وامیدواریم دیگر در مواضع قدرت آنچنان‌سرمست‌باده غرور نشوند. علیهذا در همین جا اعلام میکنیم کهاعلام جرم مزبور خودمان را دیگر بی گیری‌نخواهیم کرد.

ثالثاً" ـ چه خوب بود که درموضع قدرت نیزایشان در مقابل "دشمن مشترک" سوراخ دعا را گم‌نمی فرموده و لااقل قبل از دشمن مشترک، نفاق ـ افکنانه آنهم با تیغ آغشته به سیراغ مجاهدین وستاد و سلاحها و اموال‌آنها نمی‌آمدند! ولی چه‌کنیم که بعضی ها فقط وقتی از اربکهٔ قدرت بزیر کشیده میشوند بیاد دشمن مشترک می‌افتند.

رابعاً" ـ در مورد استادی‌هم که به شماره های آینده موکول میکنیم ـ زیرا بنظر میرسد که متانت و شکیبائی ما در برابر اتهامات مجعول ابادی ارتجاع بیش از این جایز نبوده، و به حد اقل پاسخگوئی نیازمند است. بگذریم که آقایان دادستانهای انقلاب بی توجه به حیف و میل میلیاردها تومان وسایل قیمتی و اشیاء متبقه و جواهراتی که عده‌ای به جیب‌زده‌اند، هیچ راهی را برای سرپوش گذاشتن بر جلوال ها و رشوه‌خواری هاوافتضاحات مربوطه بهتر از حسابرسی مجاهدین نیافته اند !!!! به نحوی که این روزها تهمتها ومجعولات ارتجاعی علیه ما گوئی بهترین دارو و معالج سوء استفاده‌های احزاب و عناصر معلوم ـ الحال شده‌است، که اکنون پاسخگوئی مختصر به آنها ضروری مینماید.

نامه آذری قمی به نشریه مجاهد

جواب به مطلب مندرج درشمارهٔ ۹ هفته نامه مجاهد.

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

هفته‌نامه‌محترم مجاهدنشریهٔ مجاهدین خلق ایران

من میل ندارم اعلام‌جرم رد و بدل شود. وهفته‌نامه‌محل درج اعلام جرمها و اسناد و مدارک باشد.درزمانی که ملت ما یکپارچه و یکصدا باید در مقابل دشمن مشترک مبارزه‌کندفرصت‌طلبی و نفاق افکنی بس است.ولی‌چکنم شما مرا مجبور کرده‌اید‌به همان داد ـ ستانی مبتذر در زندان اوین و بنیاد علوی وستاد مرکزی مراجعه فرمائیدند اسناد می و سه قطعه فرش و چکهائی که یکی از افراد شما دربانک مشغول فروش بوده ودستگیر شده،وچکی که بابت پول فروش فرش در پرونده واقراء یکی از رهبران شما در مورد یازده میلیون تومان‌همه را همانجا ملاحظه فرمائید.وضمناً اگر نظر مبارک شما باشد در مصاحبه رادیوتلویزیونی نامی از سازمان‌بخصوصی نبرده ام.خود آقایان روی سابقهٔ ذهنی بر خود تطبیق نموده اید. راجع به داشتن ثروت‌زائد بر محتول و محدود امام‌باقر و علی علیه السلام و موسی‌بن جعفر و حضرت صادق علیهم‌السلام،به‌کتب تاریخ که متذکر ثروت (وصرف آن تا دینار آخر در راه رفاه‌مستضعفین و اوقاف) این پیشوایان‌عالیقدر، و سخنرانی امام خمینی در شب چهارشنبه دائر بسه درستی مالکیت مشروط مراجعه فرمائید.و شما آقایان بین مالک شدن ثروت‌و صرف آن در راه خدا تا دینار آخر با سرمایه داری فرق نمیگذارید.

برطبق قانون مطبوعات این نامه را در صفحه‌اول هفته‌نامه شمارهٔ دهم باید چاپ کنید.

احمد آذری قمی

۵۸/۸/۱۶

حاکمیت انقلاب اسلامی استان مرکز — تاریخ ۱۴۰۸

نهران

بسمه تعالی

آقای احمد، ضربتی فرزند علی مدیر تامل مرکز سازمان دمکرات طاهرخ شما در تاریخ ۷۱۲ ۷ ۵۸ ۲ بموجب حکم دادگاه انقلاب اسلامی تهران بجرم همکاری با مسعود رجوی و اشرف ربیعی و افشاگران سرمایه دران بسرود و وابسته به رژیم منفور پهلوی بازداشت و زندانی شده بود ولی‌اکنون بموجب این مکاتبه تاریخ بیم برگ ۵۸/۸ بعنوان امین بیت‌المال مکلف هستید تا تعیین تکلیف او طرف دادگاه انقلاب اسلامی تهران دستگاه نظر نمائید و این دفترا بمیر نمودن که بملاح عدالت انجام وظیفه نمائید بدیهی است حکومت دمکرات و عدم همکاری و یا ابهام رکود در امور خبرگیری بایستی به آقای رجوی از طرف شما خیانت در امانت محسوب و برابر شرع مبین اسلام مورد پیگرد دادگاه انقلاب اسلامی تهران قرار خواهید گرفت

انقلاب اسلامی جمهوری اسلامی ایران

۱۴/۸/۵۸

مبارزه با امپریالیسم بکارخانه کشیده میشود

شورای کارگران: آمریکائیها بسادگی می آیند، ولی رفتنشان به یک انقلاب دیگر نیاز دارد.

آنچه شاه در سالهای گذشته بعنوان موفقیت اقتصادی نام می برد، رشد آن بخش از صنایع بود که بندهای وابستگی ما را شدید تر می کرد

کارخانهٔ پارس الکتریک یکی از صنایع مونتاژیست که پس از سال ۴۲ تاسیس گردید و به مونتاژ رادیو تلویزیون پرداخت.

میزان تولید در ابتدا خیلی کم، حدود ۴ تا ۵ واحد بود. ولی بتدریج گسترش یافت، و حال روزانه ۱۲۰۰ – تلویزیون سیاه و سفید تولید می کند.

اکنون با ۱۶۰۰ کارگر و ۸۷۰ کارمند و ۳۰ مهندس به کارش ادامه میدهد و ۷۰۰ نفر از این عده را کارگران و کارمندان زن تشکیل میدهند.

این کارخانه جزو صنایع وابسته ای است که مواد اولیه آن از کشورهای ژاپن و آلمان وارد میشود. در شرایط کنونی این کشورها جهت تحویل این مواد شرایط خاصی گذاشته اند. آلمان در مقابل پول نقد جنس تحویل میدهد، و ژاپنی به نسبت مواد اولیه و قطعات تلویزیون، وسایل را در بوته بستی خرید.

کارخانه توسط مهندس تقی برخوردار تاسیس گردید. ولی طبق قانون گسترش سرمایه ۴۹٪ سهام آن در اختیار سازمان گسترش صنایع و معادن قرار گرفت، تا از طریق دادن وام به کارگران منتقل شود. سهام فوق بدون حق دخالت در مدیریت به کارگران فروخته میشد.

درقرار داد شرکت آمده است که بود کارخانه بجای گسترش آن در تاسیس کارخانه های مشابه جدید بکار گرفته شود. از این نظر پارس الکتریک مشابه یک شرکت مادر در کنار خود شرکتهای وابسته جدیدی را ایجاد نمود، که سرمایهٔ اولیه آن، سود شرکت فوق بود. یعنی نتیجهٔ دسترنج کارگران.

درقراردادهایی که شرکتهای فوق منعقد میکردند نوعیت بیشتر بمقدار مصرف لوازم خانگی، واجناس لوکس بود. رشد این بخشها در اقتصاد یک کشور بندهای وابستگی را هر چه بیشتر می نمود و اثرات زیان باری بر اقتصاد داشت. اغلب صنایع مونتاژ از این قبیل بود.

در سالهای گذشته رژیم شاه درتقویت این بخش تسهیلات فراوانی ایجاد کرد. آنچه شاه آرشد اقتصاد در سالهای ۵۲ و ۵۳ بعنوان موفقیت اقتصادی نام می برد، درحقیقت رشد همین بخش هاست.

آمریکا با ۱۵٪ سهم، حق شرکت در هیأت مدیره را دارد، ولی کارگران با ۴۹٪ سهم از این حق محرومند

جنرال الکتریک یکی از کارخانجات جنبی پارس الکتریک است. مسألهٔ قابل توجه در این کارخانه قرار داد آمریکائی است.

۱۵٪ سهام آن متعلق به یکی از شرکتهای بزرگ آمریکائی "G.E" – جنرال الکتریک آمریکا – است. طبق قرارداد، آمریکا به اعتبار این ۱۵٪ سهم حق دخالت درمدیریت را دارد، وحتی باید یک نفر از اعضاء هیئت مدیره آن آمریکائی باشد. همچگونه تغییری درسیستم تولید کارخانه بدون اجازه "G.E" مجاز نیست. سیستم تولید درجنرال الکتریک نوعی رای بود، و دستگاههای پیچیدهٔ آن در صورتیکه قسمتی از خط تولید متوقف شود، از کار می افتد. محصول تولیدی آن بخیال است.

کارخانهٔ فوق بدین ترتیب هم از نظر تکنیکی و مواد خام وابسته است، وهم از نظر مدیریت که یک نفر آمریکائی درهیئت مدیره آن قرار می گیرد.

سهام آمریکائی ها خالی نشده است

پس از قیام ۲۲ بهمن در هر دو کارخانه شوراهای جداگانه ای، توسط کارگران تشکیل شد. از آنجا که جنرال الکتریک زیر نظر پارس الکتریک است مسایل شورای آن نیز در رابطه با شورای پارس الکتریک طرح میشود.

بعداز تصویب قانون ملی شدن صنایع، سرمایه های برخوردار نیز جزو قانون سه ماده ای فوق قرار گرفت، ودر تاریخ ۵۸/۲/۱۴ ملی گردید. برخوردار در ابتدا خیلی تلاش کرد که استثمار از لیست سرمایه داران که سرمایه هایشان ملی شده خارج کند، ولی موفق نشد. کارگران نقش زیادی در این امر داشتند

درجنرال الکتریک ۱۵٪ سهام آمریکائی هاهنوز مشمول این قانون نشده است، ودولت زمانی کردن آنها طفره رفته است. پس از ملی شدن شرکتهای فوق و رفتن برخوردار به آمریکا، کارشکنی هایی علیه ادامهٔ فعالیت این شرکتها انجام گرفت، قسمت مهمی از جنرال الکتریک که می بایست مورد بهره برداری واقع شود خوابیده است. برای بکار انداختن طبق قرارداد می بایست یک نفر آمریکائی درهیئت مدیره پذیرفته شود. تا امکان تهیه مواد خام و لوازم یدکی آن فراهم گردد.

راه حل نمایندگان دولت سازش با آمریکاست

مدیریت کارخانه معتقد است که راه افتادن کارخانه امکان است. وفقط با پذیرفتن این قسمت از قرارداد راه اندازی آن عملی می باشد. وگرنه کارخانه تعطیل خواهد شد. آنها چنین استدلال می کنند که وجود یک نفر آمریکائی نمی تواند مشکلاتی ایجاد کند، ووابستگی بیاورد. وانگهی شاید حالی بکار هم در اینجا حاضر نشود. ولی درمقابل امکان تهیهٔ هرگونه مواد خام ولوازم یدکی را بدست می آوریم؛ و چنین ادامه میدهند که غیر ممکن است بدون آمریکائیها کارخانه را راه بیاندازیم اگر کارخانه بخواهد تعداد زیادی از کارگران بیکار می کنیم؛ مخصوصا که محصولات تولیدی این کارخانه مورد نیاز مردم است؛ وخواهیدی کارخانه اثرات اجتماعی بدی دارد.... حتی

شوراها حتما بایستی درمدیریت و امور اجرایی صنایع شرکت کنند. چرا که محصول انقلاب اند، ودرتداوم آن مؤثر می باشند

یکی ازمدیران گفته "من با دکتر بردی درباره مشکلات اقتصادی فعلی صحبت کردم، اوگفته قرار است ۲۵۰ آمریکائی به ایران بیایند واین مشکلات راحل کنند؛؛ این یک آمریکائی هم بالای آنها.... اینها استدلالهای سرپرست ونمایندگان سرمایه دارهاست. دراین دیدگاه آمریکا نقش نجات بخش را دارد. وی میپنداشت که این افراد هیچ دشمنی با آنها احساس نمی کنند. یعنی معتقدند مشکلاتی را که خود آمریکائیها ایجاد کرده اند خودشان هم حل کنند!

نظر شورای کارگران

شوراها مدعی هستند که مانع سازشکاری با دشمن اصلی خلق میشوند

راه پیشنهادی شورا عدم سازش با آمریکاست. وکوشش جهت راه انداختن کارخانه بدون آمریکائی ها.

آنها همصدا با دانشجویان مستقر درلانهٔ جاسوسی آمریکا بر ضرورت مبارزهٔ با آمریکا تکیه می کنند. آنها خطاب به مدیریت می گویند:

"شما نه درخط انقلاب هستید، و نه بخود زحمت میدهید برای یکبار هم که شده بوظیفهات توجه کنید.

الان جوانان ما لانهٔ جاسوسی آمریکا را اشغال کرده اند. امام تکیه می کند: "آمریکا دشمن اصلی ماست" اوبا آمریکا میگوید: "نه". ما کارگران بعداز نماز بطرف این لانهٔ جاسوسی راهپیمائی می کنیم، وبرهم آمریکا را باش می کنیم. چگونه میتوانیم

ایجنسی بگوئیم: آمریکا بیاید. "اینکه میگویند آن بهرمرد تنها است راست میگویند."

مگر این سرمایه داران بزرگ دنیا احتیاج به سودی دارند که از کنار این کارخانه عایدشان می شود؟ فکر می کنید آنها دهنشان فقط باز است برای این سودها؟ درکنار اینها میخواهند ما را وابسته کنند، وچیزهای دیگر را بدوشند. ماحاضریم خود را فدای نسل آینده کنیم. همهٔ بچه های شورا می گویند، نه، آمریکا نه" باید بامریکا ثابت کنیم که نیازی باو نیست.

آمدن اینها خیلی ساده است ولی بیرون کردنشان انقلاب دیگری میخواهد، چگونه باید جلو نهای ما بدهند. نه ما همین حالا جلوشان را می گیریم.

این فردی که میخواهد از آمریکا بیاید، نفر دوم شرکت "جنرال الکتریک" است، این شرکت کمتر از آی، تی، تی نیست. آی، تی، تی شرکتی است که کودتا می کند، رژیم عوض می کند، این افراد صد درصد عضو "سیا" هستند.

طرح این مسئله با رفتن برخوردار با آمریکا با اینکه ممنوع الخروج بود رابطه دارد واین توطئه است.

چنین است که شوراها ماهیت ضد امپریالیستی خود را می یابند. ماهیتی که از تضاد خلق، با امپریالیسم ناشی میشود.

شوراها سد عظیمی هستند که مانع سازشکاری با دشمن اصلی خلق میشوند

وجالب است که دولت که سعی درکنارگذاشتن این نهادهای مردمی در امور اجرائی دارد، ودرتصویب قانون شورا جایی برای دخالت و قدرت گرفتن این نهادها نمی گذارد، چگونه به حفظ روابط گذشته می پردازد. اگر چنین راهی را ادامه دهد به سدی درجلوی این انقلاب تبدیل خواهد شد.

گرایشی که درسیاست خارجی اش درجهت نزدیکی بیشتر به جهان سرمایه داری وامپریالیست ها دیده شد، اینچنین در خطوط داخلی اش منبع سرمایه داری عمل می کند، و در کنار زدن مردم مؤثر واقع میشود، اینچنین شوراها سدّ عظیمی جلوی سازشکاری با دشمن اصلی خلق است. باین دلیل است که بایستی جنبهٔ شوراها درمدیریت و فعالیت کنند، چرا که محصول انقلابند و در تداوم آن مؤثر می باشند. تداومی که به نابودی روابط اقتصادی. اجتماعی گذشته منجر میشود.

قراردادهای اسارت بار نظام طاغوت، با رفتن شاه با "برخوردار" آرمش نمی رود این قراردادها چون زنجیر محکمی بدست وپای شوراها و مدیریت می پیچند. مدیریتی که همواره می خواهد بگفتهٔ مهندس بهازرگان، نظام را منهای شاه حفظ کند. دراینصورت و دران کادر جایی برای شوراها نمی ماند، یا روابط استعماری گذشته وآمدن آمریکائیها وسرمایه داران وابسته، ویا دخالت شوراها درمدیریت وبرهم زدن روابط استعماری، روابطی که حامی برای آمریکا نباشد ودیگر راهی جز این نیست.

مبارزه ضد امپریالیستی کارگران بامبارزهٔ آنها درعمل

بلی در چنین سیستمی که آثار قرار دادهای اسارت بار وجود دارد، دخالت شوراها اخلال، تعطیلی نظمی ایجاد میکند. ولی آیا باید روابطی راکه مردم برای برهم زدن آن قیام کرده اند حفظ کرد؟ واهمیت فارتگران راکه درزندگی تک تک خلق محروم، بااخلال ایجاد نمودند. پذیرفت؟ یا نابودی چنین نظام اقتصادی و پایه ریزی سیستمی مردمی را جستجو نمود. سیستمی که در آن بسا دخالت شوراها همچگونه اخلال و تعطیل بوجود نیاید. وتولید رشد کند وانرژی کارگران بسیج شود.

دررسیلهٔ اقتصادی لمو قرارداد های استعماری گذشته چنین مشکلاتی را به دنبال دارد. همانگونه که ملی کردن صنایع بدون محاکمت راندن شوراها برکارخانجات نافعی بود.

درسیستم بانکی هم کارشکنی های فوق وعملکردهای امپریالیستی بنحوی دیگر مشاهده میشود. مثلا "جنرال الکتریک باهیئت بانک معامله دارد. بعدازرفتن "برخوردار" موامل او در این بانکها باتمام مختلف شرکت را زیر فشار اقتصادی قرار داده اند. مثلا "از دادن وام خودداری می کنند. یا اینکه بهانه که به کارخانه های وابسته وام پرداخت نمی شود، تا سرمایه های ملی رشد کند، واین خود باعث میشود که مدیریت درگرایشش به سازش بیشتری متمایل شود. آنها میگویند حال که با امکانات خودی نمی توان مشکلات حل کرد، از آمریکائی ها استفاده کنیم.

ولی کارگران باین ترتیب در جریان یک مبارزهٔ ضد امپریالیستی قرار می گیرند، آنها با موانع برخورد می کنند، وبیشتر با ماهیت امپریالیستها، قراردادهای آنها وتوطئه هایشان آشنا می شوند. دراین جریان شناخت عمیق تری می یابند واز دیدی ترقی شوند. آنها حالا کاملا "احساس می کنندکه "دشمن اصلی آمریکاست". پس باید با تمام نیرو به جنگ آن رفت. این نه مبارزه درحرف و شعار، بلکه در مبارزه و عمل است. کارگران اکنون با تمام قوا میخواهند علیه این غول جهان خوار بپاخیزند.

گزارشی دربارهٔ مجروح شدن دوتن از برادران مابدست عناصر راستگرا در اصفهان حین تسخیر لانهٔ جاسوسی آمریکا

چه کسی میخواهد من و تو ما تسویم خانه اش ویران باد

مبارزات قهرمانانهٔ خلق ما، با سیاست تاریخی امام و حمله به امریکای جهانخوار و اسرائیل غاصب، وبااشغال جاسوسخانهٔ آمریکائیان در تهران توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اوج و ابعاد تازه ای گرفت. و نه این انقلاب ایران که صرفت ناگاها – لبریز شدن درجهتهای فرعی، و یا به جان هم افتادن نیروها، از سمت گیری اصولی – که همانا استعمار واوج بخشیدن به مبارزهٔ ضد امپریالیستی و در رأس آن امپریالیسم امریکا است – منحرف شود، سمت اصولی خود را بازیافت.

سازمان مجاهدین خلق ایران از آنجا که از بدو بنیانگذاری اش در سال ۴۴ با تحلیل مشخصی که از شرایط جامعهٔ خود بیان و نیز اوضاع و احوال جهانی داشت، همواره (ونه صرفاً در یک مقطع زمانی) امپریالیسم آمریکا را دشمن اصلی و "ام الفساد" میدانست، و ایران را چه بوسیلهٔ اعدام مستشاران مردور آمریکائی و چه در بیدادگاههای رژیم نوکر امپریالیسم و چه در میدان نبرد تیر و موضعگیری های عملی قبل و بعد از قیام بهمن نشان داده است.

چگونگی تصرف کنسولگری آمریکا در اصفهان

این بار نیز بجهت سرعت بخشیدن و تحکیم مبارزهٔ ضد امپریالیستی و گسترش همه جانبهٔ آن، ضمن تأیید کامل عمل انقلابی دانشجویان مسلمان خط امام، طی اعلامیه های متعدد، آمادگی و جان بازی خود را در جهت مبارزهٔ ضد امپریالیستی اعلام نمود. از تمام اعضاء وهواداران و وابستگان خود نیز در گوشه وکنار کشور خواست که در این مسیر حرکت کنند. حرکتی که از آن قصد همچگونه استفادهٔ شیطانی و گروهی نداشته و حاضر بودیم و هستیم که کلیهٔ امکانات خود را هرچند ناچیز، بی دریغ و بدون کمترین چشم انتظار، و حتی هویت گروهی در اختیار بوندگان این خط قرار دهیم.

بدنبال این تصمیم گیری و ابلاغ آن به اعضاء و هواداران، لانه های جاسوسی آمریکا در اصفهان و تبریز نیز به اشغال ما در آمد.

دراصفهان یک روز بعد از تهران در روز دوشنبه ساعت ۶/۲۰ کنسولگری امریکا بتصرف درآمد. این حرکت موجی از

شادی در میان اقشار مختلف مردم اصفهان برانگیخت، و مورد استقبال آنها واقع شد. اما درست در همین زمان، کسانی که موجودیت انحصار – طلبانه و منافع خود را از این حرکت اصولی و ضد امپریالیستی درخطر می دیدند، شروع به "نفاق افکنی" و "سنگ – اندازی کردند. و بدنبال ایجاد یک جو متشنج در ساعت ۱۰ صبح همان روز که برادران ما کنسولگری آمریکا در اصفهان را دراشغال داشتند، عده ای که خود را دانشجو میخواندند، همراه با تعدادی پاسدار به محل هجوم آورده، و پس از ضرب و شتم بسیار، برادران ما را از آنجا بیرون کردند. و سپس خود را بعنوان اشغال کنندگان کنسولگری معرفی نمودند.

دراین حمله با کمال تأسف دوتن از برادران ما به اسامی "محمدرضا اخوت" و "اسماعیل عظیما" به سختی مجروح شدند. "محمد رضا اخوت" بعملت شدت ضربات وارده، مورد عمل جراحی واقع شده وهم اکنون در بیمارستان مصدق اصفهان بستری است.

کسانی که موجودیت انحصارطلبانهٔ خود را درخطر می دیدند شروع به نفاق افکنی کردند

ملاحظه میشود که درست درزمانی که به گفتهٔ امام و بنابر ضرورت تاریخی لزوم وحدت هرچه بیشتر نیروها علیه دشمن اصلی و "شیطان بزرگ" حس میشود، یعنی زمانی که امام و نیز دانشجویان آگاه اشغال کنندهٔ سفارت کوشش در جلوگیری از طرح شعارهای

کشاورزان بهبهان همچنان تحت ستم زمینداران هستند

رنجنامه کشاورزان

بنام خداوبنام خلق قهرمان ایران

"زمین از آن کسی است که روی آن کار می کند" که از آن دست نشاندگان وسرسپردگان مثلوالیا.

تاقبل از انقلاب کشاورزان بیچاره با همه گونه ظلم وفوانین ضدخلقی روبرو بودند. مالک که از سردمداران رژیم طاغوتی بود از راههای گوناگون باین مردم رنجدیده ظلم می کرد واز جمله اینکه تا سال ۱۳۴۲ تمام کشاورزان بیچاره در زمینهای خودکشت میکردند، بعداز اصلاحات ارضی آنچنانی مالک زمینها را به اسم خود باهمکاری جمعی ازمعتمدان وابسته ثبت کرده و فقط قسمتی از زمینهای لم یزرع را به کشاورزان داده است. مالک (سناتور موسوی بعدوم) درهمین زمینها صدها هکتار چغندروپنبه می کاشت ولی وقتی کشاورزان می خواستند محصولی کشت کنند پس ازچند برشته که به اداره آباداری رجوع می کردند وجلوتر پول آب را پرداخت می کردند اجازه کشت می یافتند. از طرف دیگر مالک درمان کشاورزان افرادی (محتمد و دست نشانده) داشت که با ایجاد تفرقه بین کشاورزان از این موقعیت استفاده کرده وخودشان راهم نماینده کشاورزان جاده بودند. حتی بعضی از آنها هم با ساواک رابطه داشتند.

زمینهای کشاورزان را بخودشان اجاره می دهند

حالا هم که بعد از انقلاب است، همان افراد در رأس هستند وهمچگونه حقوقی مثلروهی برای کشاورزان قائل نمیشوند واقای فرماندار هم آنها را تائید می کند. وقوانین ضد مردمی اصلاحات ارضی را بعنوان الگوهای باصطلاح انقلابی باخود بدک می کشند.

الان چندروزی است که کشاورزان با رجوع به فرمانداری خواستار استرداد تکه زمینهایی هستند که در زمان طاغوت مالک با زور سر نیزه از آنها گرفته. اینجاست که آقای فرماندار با بستن قرارداد با کشاورزان زمینهای خودشان را به آنها اجاره می دهد. کشاورزان مظلوم دراوای هرهکتار ۲۱۰ تومان بابت اجاره پرداخت میکنند که همین زمین ها را مالک دوران طاغوت بهمکاری ۲۰۰ تومان اجاره می داد است.

ماجمعی ازکشاورزان رنجدیده از هفته نامه مجاهد خواستاریم که این نامه را با فتوکپی یکی از قراردادها انتشار داده وارگانهای مسئول خواستار رفع هرگونه استثمار و بهره کشی از کشاورزان می باشیم و هر چه زودتر خواهان برکنار کردن افراد دست – نشانده ووابسته به فئودال حاشی (سناتور موسوی بعدوم که به دست رنجبران به سزای اعمالش رسید) که تا یک روز قبل از انقلاب در خانه مالک را راهنمایی کردند امروز هم خود را نماینده کشاورزان رنجدیده میدانند باامید به پیروزی خلقهای تحت ستم.

جمعی ازکشاورزان بهبهان

58/8/11

قرار دادی است بین دهقانی رنجدیده و بنیاد مستضعفین که از طرف مستندگان حمایت میکند و خواهان به حاکمیت رسیدن آنها می باشد؛؛ تفاوت با شاست چه تغییر بنیادینی در کیفیت قراردادها باگذشته مشاهده می شیند. ما از بنیاد مستضعفین خواستاریم که به تمام مستضعفین وبا یاددستهای پینه بسته دهقانان به وضع این مستضعف وهمه آنها که مرتوشتی چون او دارند رسیدگی نماید.

مبرم ترین وظایف دانش آموزان درجریان مبارزهٔ ضد امپریالیستی – آمریکائی

بقیه از صفحه ۲

با توجه به آگاهی و شناخت بیشتری که از اوضاع و احوال دارید دراگاه کردن مردم بکوشید. تلاش کنید با صبوری و متانت خاص خودتان مردم پیرامون خود را هرچه بیشتر دراین زمینه بسیج کنید. دراین راه میتوانید از خانواده پدر، مادر، خواهران وبرادرانتان شروع کنید، و آنها را در فعال شدن دراین مبارزه یاری کنید.

دبیران ومعلمین مبارز بایستی به دانش – آموزان درجهت هرچه بارورترشدن انقلاب کمک کنند

۷ – و درپایان یک سخن با معلمین، دبیران، آموزگاران وپدران انقلابی شما که با شرکت فعال خود در این جریان وانجام وظایف انقلابی خودتان به بارورتر شدن هرچه بیشتر این مبارزه کمک میکنید، بایستی در رابطه با دانش آموزان خود علاوه بر روشنگری، افشاگری وداد ن رهنمودهای انقلابی و کار توضیحی لازم در سر کلاس های درس و یا خارج از کلاس درس، امکانات و تسهیلات لازم را در جهت شرکت وفعالیت هرچه بیشتر محصلین در مبارزه ضد آمریکائی نیز فراهم نمایند.

پیروز باشید

مقدمه‌ای بر "جهاد سازندگی" (۲)

اگر "جهاد سازندگی" درخدمت تغییر جامعه و برهم زدن روابط استثماری باشد، باید در راه آن پیگیرانه تلاش کرد

روابط و مناسبات کهنه را چگونه و درچه جهتی باید دگرگون کرد؟

تاکنون ما " جهاد سازندگی " را درارابطه با شرایط و مرحلهٔ انقلاب مختصراً بررسی نموده وخاطرنشان کردیم که : " تا فضای مناسبی بوجود نیاید ، اقدامات احتمالی ای که درجهت بازسازی صورت میگیرد ، بازده مطلوب را نخواهد داشت .

همچنین متذکر شدیم که بدون قطع وابستگی و برهم خوردن روابط و مناسبات کهنه ، این فضا ایجاد نخواهد شد .

اکنون میخواهیم ببینیم این روابط و مناسبات کهنه را چگونه بایستی دگرگون کرد؟ و درچه جهتی باید تغییر داد؟ بعبارت دیگر چه مسیری را برای رشد اقتصادی بایستی دنبال کرد ، با فضای مناسب برای بازسازی و پی ریزی یک نظام مستقل پیشرفته وعادلانه ایجاد شود ؟

انواع رشد اقتصادی

در دوران ما برای رشد اقتصادی دوراه مستقیم وجود ندارد :

راه اول — بر — توحیدی ضداستثماری کاملاً " متکی به خود مردم بوده ، و از طریق بسیج خلق و با اتکاء بکارگران و دهقانان (حکومت مستضعفین) تحقق می‌یابد .

راه دوم — رشد بورژوائی (سرمایه‌داری)

اولین راه سوم ، که ملغمه‌ای است از اشتباه دوسوء فوق باحیزی بین این دو ، و درپس روشنفکران حرده بورژوا حاذبه فراوانی دارد ، به طور عینی و عملی نقطهٔ شروعی است برای راه دوم (رشد سرمایه‌داری) و بالاً " همه هویت خداگانه‌ای پیدا میکند . دیگر " دراین مورد توضیحاتی خواهیم داد :

درمرحلهٔ فعلی رشد سرمایه‌داری نهادزدائی دراسلامی امکان پذیراست

در بین نیروهای خلقی کم‌اند کسانی که ازمطلع سرمایه‌داری بعنوان یک الگوی مترقی دفاع کنند ، و شاید هیچکس بطور صریح چنین ادعائی نداشته باشد ، زیرا مرعوض از جنبه‌های تجاوزکارانه ضد مردمی و استثمارگرانهٔ آن ، بسوءه ترین نمایشهای این نظام (نظیر امریکا و . . .) دوران افول خود را آغاز نموده ، وتواهد بوسیدگی آن (شکستهای پی درپی در سراسر جهان ، بحران وبحران‌های متوالی و ترس اقتصادی و خلاصه رشد تضادهایش بالالهاب آشکار شده است . اما برفرض که این جنبه‌ها را هم در نظر نگیریم ، اصولاً امکان رشد نیروهای تولیدی در کادر استقلال ملی وعدم وابستگی به امپریالیسم دیگر وجود ندارد . زیرا کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته فعلی با استعمار و استثمار کشورهای عقب‌مانده و انباشتن ثروتهائی که از اینطریق غارت کرده بودند ، توانستند مناسبات و رشد سرمایه داری را پی ریزی کنند ، این جریان هم فقط تا اواخر قرن ۱۹ ادامه داشت و بدین ترتیب تعداد کمی از کشورها (عمدتاً اروپا ، باضافه امریکا و ژاپن) توانستند نظام سرمایه‌داری مستقل را ایجاد کنند .

اما از آن تاریخ ببعد کمتر بود ، با ظهور امپریالیسم ، و "تقسیم جهان به مناطق تحت نفوذ کشورهای امپریالیستی ، هیچ کشوری نتوانست استقلال و رشد اقتصادی خود را در چهارچوب سیستم سرمایه‌داری ملی تأمین کند . زیرا امکان فراهم کردن زمینه و مقدمات آن (که همان انباشت سرمایه باشد) ازبین رفته است .

توضیح اینکه :

بفرض یک کشور تحت سلطهٔ استقلال سیاسی اش را بدست آورد و بخواهد همانند کشورهای پیشرفته غرب در کادر نظام سرمایه‌داری رشد اقتصادی — اجتماعی خود را تأمین نماید ، سرمایه زمین تسخیر نشده‌ای برای غارت و تمرکز سرمایه نمی‌یابد . (امپریالیستها حاضر را باقی نگذاشته‌اند) (البته این که چرا " رشد بورژوائی " مقدمتاً نیاز به تمرکز سرمایه وصورتاً غارت کشورهای دیگر است مستلزم بحث جداگانه ای است که در اینجا فرصت آن نیست .) لذا فقط به اتکاء " سرمایه‌گذاریهای خارجی که لازمهٔ مفهوم وابستگی است مسیر بورژوازی را باید دنبال کرد امولاً امکان رشد بورژوائی در کادر استقلال ملی وعدم وابستگی به امپریالیسم دیگر وجود ندارد . زیرا کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته فعلی با استعمار و استثمار کشورهای عقب‌مانده و انباشتن ثروتهائی که از اینطریق غارت کرده بودند ، توانستند مناسبات و رشد سرمایه داری را پی ریزی کنند ، این جریان هم فقط تا اواخر قرن ۱۹ ادامه داشت و بدین ترتیب تعداد کمی از کشورها (عمدتاً اروپا ، باضافه امریکا و ژاپن) توانستند نظام سرمایه‌داری مستقل را ایجاد کنند .

اما از آن تاریخ ببعد کمتر بود ، با ظهور امپریالیسم ، و "تقسیم جهان به مناطق تحت نفوذ کشورهای امپریالیستی ، هیچ کشوری نتوانست استقلال و رشد اقتصادی خود را در چهارچوب سیستم سرمایه‌داری ملی تأمین کند . زیرا امکان فراهم کردن زمینه و مقدمات آن (که همان انباشت سرمایه باشد) ازبین رفته است .

توضیح اینکه :

بفرض یک کشور تحت سلطهٔ استقلال سیاسی اش را بدست آورد و بخواهد همانند کشورهای پیشرفته غرب در کادر نظام سرمایه‌داری رشد اقتصادی — اجتماعی خود را تأمین نماید ، سرمایه زمین تسخیر نشده‌ای برای غارت و تمرکز سرمایه نمی‌یابد . (امپریالیستها حاضر را باقی نگذاشته‌اند) (البته این که چرا " رشد بورژوائی " مقدمتاً نیاز به تمرکز سرمایه وصورتاً غارت کشورهای دیگر است مستلزم بحث جداگانه ای است که در اینجا فرصت آن نیست .) لذا فقط به اتکاء " سرمایه‌گذاریهای خارجی که لازمهٔ مفهوم وابستگی است مسیر بورژوازی را باید دنبال کرد

برعکس آن رشد توحیدی ضداستثماری است که بدنبال بسیج توده‌ای و اتکاء به کارگران ودهقانان راه هرگونه وابستگی را سد کرده ، و استقلال و آزادی و پیشرفت ، ومهمتر از همه حاکمیت مستضعفین را تضمین مینماید .

افسانهٔ راه سوم رشد اقتصادی

اصطلاح "راه سوم " عنوان ظاهراً محترمانه‌ای است که نمایندگان خرده‌بورژوازی برای پوشاندن ماهیت استثماری نظام مورد علاقه خودبکار میبرند .

اما آنها صریحاً ادعا نمیکنند که نفی کامل و قطعی مالکیت خصوصی بر ابزار و وسایل تولید را قبول نداشته ، بلکه معتقد به محدود کردن آن هستند . (مناسبات خرده بورژوائی یا استثمار درابعاد کوچک آن) و بطرق اولی در مقابل صورت حاکمیت طبقهٔ کارگر (مستضعفین) ، وبالاخره انحاء طبقات و استقرار جامعهٔ بی طبقه توحیدی (نظام قسط) کاملاً موضعگیری میکنند .

آنها ادعا دارند که کوکورباتظام فوق طبقاتی آنها راه‌ایده‌آلی است که نه بمعار سرمایه داری را دارد ، ونه معار سوسیالیسم را ، بلکه مستقل از هر دو بنقاط مثبت آنها را ضماناً برخوبیهای انحصاری خود یکجا جمع‌آوری کرده است ! او . . .

این ادعاهای عریض و طویل که دیگر بصورت شوخی های بی نمکی در آمده است ، درحقیقت بیان ومژگیهای نظامی است که سرجمعاً "راه دوم یعنی سرمایه داری را (با قید واستگی) دنبال خواهد کرد . زیرا :

اولاً " از آنجا که در نظام مورد بحث ، مالکیت خصوصی ابزار تولید (هر چند که ابعاد محدودی داشته باشد) تضمینی است برای بقا و رشد تولید ، پس همواره بایستی مورد حمایت قرار گیرد . از سوی دیگر از آنجا که مالکیت خصوصی بر ابزار تولید امر ثابت و ساکنی نیست ، بفرض هم در ابتدا محدود باشد ، ضرورتاً رشد خواهد کرد ، به این دلیل که نیازهای روز افزون جامعهٔ مستلزم رشد بدانوم تولید است ، واین خود نیازمند سرمایه گذاری های مستمر در زمینهٔ صنعت و کشاورزی می باشد . حال باید پرسید دراین نظام ، چه کسی باید سرمایه گذاری کند ؟ و از کجا باید تأمین شود ؟ اگر بگوئیم سرمایه‌داران حق سرمایه گذاری محدد ندارند ، (یعنی بخواهیم جلو رشد مالکیت و استثمار آنها را بگیریم) پس بایستی بپذیریم پولهائی را که از طریق سود (استثمار) بدست آورده‌اند ، از دور معاملات اقتصادی خارج کنند . کمانی به رشد اقتصادی ضربه میزند . زیرا سرمایه گذاری نیاز به جمع‌آوری و انباشت سرمایه دارد . و این انباشت هم فقط از طریق ذخیره کردن ارزشهای افزوده از طریق تولید امکان پذیر است . و بدیهی است که در رابطه با مالکیت خصوصی بخش قابل توجهی ازاین ارزش افزوده بعنوان سود به جیب کارفرما و مالک میرود . مگر اینکه بگوئیم دولت سود را جیب سرمایه‌دار در میآورد ، که دراینصورت انگیزه‌ای برای بکار انداختن سرمایه‌های خصوصی باقی نمی‌ماند و نتیجتاً تولید با کسود . . . رکود مواجه میشود و . . .

بنابراین تا وقتی نظام برمالکیت خصوصی متکی است ، از گسترش و رشد آن نیز گریزی نیست . واین یعنی رفتن به سمت سیستم سرمایه‌داری .

ثانیاً " همه که گفتیم رشد بورژوائی بدون وابستگی به امپریالیسم امکانپذیر نیست . مطالب فوق نه تنها به لحاظ تئوریک و علمی بلکه به لحاظ عملی و تجربی نیز اثبات شده است . کافیست به نمونه‌هائی نظیر مصر اشاره کنیم که این راه به اصطلاح سوم را درکنار از دو دهه تجربه کردند . تجربه‌ای که نقطهٔ اوج آن ناسیونالیسم انقلابی ناصر ، و سرنوشت محتوش سازش خائنانه سادات و سیاست درهای باز او برای سرمایه‌گذاری های امپریالیستی میباشد . (حضور ارتجاع و وابستگی) .

راه حلهای غیرانقلابی وغیرمردمی درخدمت نظامهای طبقاتی

بدیهی است مدعیان " راه سوم " یکگام از ادعای " حق بجانب " ۱۱۱ خود عقب نمی نشینند و به خیال خود دلایل علمی و تجربی فوق الذکر را بخود نمی گیرند . زیرا معتقدند راه — شان از رژیمهایی نظیر مصر و سوریه و . . . جدا است . وسلماً هزاران بارهم امثال سادات را طعن ولعن میکنند . حتی به سادگی مدعی نفی استثمار و . . . میشوند . اما بار واقعیت اینست که اشکال و شیوه‌های پیشنهادی آنها هرچه باشد بالاخره از حل قطعی و بنیادی مسائل عاجز میماند . نهایت اینکه یکسری اصلاحات رفرمیستی انجام میشود . اما بالاخره مناسبات طبقاتی و کهنه حفظ خواهد شد . ذیلاً به چند نمونه اشاره میکنیم :

حل مسأله مسکن

آیاپیشنهاد مسألهٔ مسکن فقرا رااز طریق کمکهای ثروتمندان حل کرد ؟ مگر نه اینکه اخیراً در مدت کوتاهی صدها میلیون تومان بدینوسیله جمع‌آوری شده است ؟

با توجه‌ات فوق نیازی به جواب مفصل نیست . همینقدر کافیست یادآوری کنیم که فقر و ثروت یا فقیرو غنی دو روی یک سکه و معلول یک علت (استثمار) هستند . بقول امام علی . " ما رأیت نعمة موفورة . الا و فی جانبها حق مفتیح " بنابراین پاسخ صحیح به نیازهای طبیعی (از جمله مسکن) توده‌های محروم درگرو حل قطعی مسألهٔ فقر بوده ، و این خود مستلزم نفی قطعی وجه دیگر تضاد (ثروت) است ، و بطور خلاصه حل انقلابی و مردمی مسألهٔ استثمار و بهره کشی است . درغیر اینصورت به فرض از طریق شیوه‌های " خیرخواهانه " و نه انقلابی میتوان هزاران خانه ساخت ، و یادهها هزار نفر را صاحب مسکن کرد ، ولی آیا میتوان ادعا کرد که بدینوسیله مسألهٔ مسکن برای همیشه حل خواهد شد ؟

مسلماً نه ، زیرا تا تضاد طبقاتی ، نتیجتاً فقر وجود دارد ، وتازمانیکه " رحم " و " انصاف " کاخ نشینان و ثروتمندان استثمارگر مبنای حل این مساله است ، بدون شک همواره انبوهی از مردم باید رنج بی خانمانی را صبورانه تحمل کنند !!

اگر بخواهیم درتائید این موضوع مثال دیگری بزنیم میتوانیم برخورد با مسألهٔ بیکاری را در نظربگیریم : ممکن است و میتوانیم برای مدتی از طریق کمک مالی هزینهٔ زندگی بیکاران را تأمین کنیم ، ولی این راه حل بنیادی و دراز مدت نیست . زیرا صرف نظر از همه عوارض و آثار فردی واجتماعی آن عملاً اتکای پدیر هم نخواهد بود .

سلماً شیوهٔ درست وبنیادی مسأله ایجاد " کار " است که افراد خود بتوانند زندگی‌شان را باتولید وثروت خود اداره کنند .

و بهمین ترتیب است سایر مشکلات و مسائل اجتماعی نظیر ترافیک و . . .

نتیجه‌گیری درمورد جهاد سازندگی

براساس بحثها و مثالهای فوق نتیجه میگیریم که :

اگر " جهاد سازندگی " درخدمت تغییر انقلابی جامعه و برهم زدن مناسبات طبقاتی و استثماری باشد ، و یا بعبارت دیگر در طرف وشرایط مناسبه که همان مبارزهٔ ضدامپریالیستی و دنبال کردن رشد مردمی باشد ، می‌توان به نتایج آن امیدوار بود : حتی دراینصورت بایستی در راه آن عنوان وسیله‌ای برای تداوم وتحقق انقلاب پیگیرانه تلاش کرد . همانگونه که در کشورهای انقلابی ، توده‌ها برای بنای جامعهٔ بی‌طبقه توحیدی بسیج میشوند ، و بیشترین کوشش و فداکاری را درجهت رشد تولید (البته همگام با تغییر مناسبات) بکار میگیرند و حتی به کار داوطلبانه و مجانی هم روی میآورند . زیرا میدانند دستورج آنان به حسب امپریالیستها و استثمارگران داخلی نخواهد رفت .

و آنگاه که از استثمار دهقانان توسط زمینداران و فئودالها ونیروهای مدافعشان خبری نباشد ، خودروستائیان با هدایت و یاری دیگران روستاها را آباد وحاصلخیز خواهند کرد . درآن شرایط همهٔ نیروهای انسانی جامعه حقیقتاً سازنده ومؤثر خواهند بود .

پایان

نامه‌ای در رابطه با گزارش "تجربه شکست یک شورا"

مادرنهایت فضاوت را به افکارعمومی کارکنان شریف راه‌آهن محول می‌کنیم

در رابطه باگزارشی تحت عنوان تجربهٔ شکست یک شورا که درمجاهد شمارهٔ ۱۰ درج شده بود مراجعاتی جهت توضیح انجام گرفت . تاباالاخره نامه‌آقای خبری بدست ما رسید که ذیلاً " آنرا نقل می‌کنیم .لازم به‌توضیح است ،چنانکه درگزارش قیدشده است ، بدارکی که بدان استناد گردیده کلیشهٔ آن در روزنامه جمهوری اسلامی تاریخ ۵۸/۸/۸ بچاپ رسیده است .

ضمناً " چنانچه براساس نامه خود ایشان ،اگر درتشریح وتحلیل قضایا زیاده‌روی وباتقصیری روی داده باشد امیدواریم بتوانیم درآینده بابژوهش وتحقیق بیشتر خطاهای خود را بحداقل تقلیل دهیم . ولی بهرحال همانطور که ایشان خود متذکر گردیده‌اند ،مادرنهایت قضاوت رابه افکار عمومی وباتقصیری روی داده باشد محول می‌کنیم ، امیدواریم آنها را برخورد فعال‌خود ،مارادراین امرباری دهند . واینک متن نامه :

۵ شنبه ۲۴ آبان ماه ۱۳۵۸

سردبیر محترم روزنامه مجاهد :

خواهشمند است دستورفرمائید درپاسخ مطالبی که درروزنامه مجاهد دوشنبه ۵۸/۸/۲۱نسبت باینجانب،اکبر خبری معاون وزارت راه و رئیس کل راه آهن سابق موقوم داشته‌اند ،شرح زیر را برای روشن شدن ذهن خوانندگان ورفع سوءتفاهم امربدرج فرمائید :

اینجانب از۱۵ فروردین سال ۱۳۴۲ در رابطه با فضای سیاسی و اجتماعی که پس ازششم بهمن کذائی سال ۴۱ بوجود آمده بود و منجر به فاجعهٔ ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ گردیده یعنی دوماه قبل ازآن فاجعه ازخدمت در راه‌آهن وزارت راه کناره‌گیری نمودم وهرچند که درظرف ۱۶ سال از آن تاریخ تابپیروزی انقلاب اسلامی شکوهمند ملت ایران چندین بار برای احرازسمت‌های رئیس کل راه آهن و معاون وزارت راه وغیره به خدمت دعوت شدم هیچوقت حاضر بقبول شغل دولتی نشدم و بکار آزاد دربخش خصوصی ادامه دادم . لیکن پس از انقلاب باصرار چند تن از آقایان وزراء ومخصوصاً " تأکیدات جناب آقای مهدی بازرگان نخست وزیر محترم دائر برایمنکه " این دولت باید پیروز وموفق گردد وعدم توفیق دولت فاجعه‌بزرگی نه فقط برای ملت ایران بلکه برای تمام محرومین وستم کشیده‌های خاور میانه وجهان دنیا خواهدبود " . این وظیفهٔ شرعی وملی را پذیرفته ودامن همت بر کمر بستم . باکوشش شبانه روزی وسعی درایجاد تفاهم وبرادری وتا آنجا که درقوه داشتم مجاهدت نمودم که راه‌آهن ازکار افتاده را باکوهی از هزاران مشکلات وبمبدالتی‌ها وظلم‌های دورهٔ گذشته که وارث آن بودم بیاری قادر متعال وهمکاری صمیمانه‌کارگران وکارمندان زحمتکش وصدیق راه‌آهن بکار انداخته ودرآن بحران امنند و شب عید گذشته قطارهای فوق‌العادهٔ ایام عیدرابگردش عادی خود درآورم. درتمام هفت‌ماه‌وسیم که عهده‌دار این شغل ومسئولیت خطیربودم بادقت وصلابت دائمی وسرکشی حتی‌بیک‌بیک‌ایستگاههای دورافتاده درتمام بازده ناحیه درسطح کشور واشنائی بامشکلات ومصائب کارکنان محروم آن،امور این مؤسسه عظیم را بگردش انداختم .درحدی که حتی درآمد راه‌آهن از ۵۰ میلیون‌تومان درماه به ۸۶ میلیون‌تومان درشهریورماه بالغ گردید، باضافه‌کارهای زیادی منجمله تهیه وتدوین اصلاحات قانون استخدام کشوری که بحق مورد اعتراض کارکنان می‌بود وشروع به‌برنامه‌های خانه‌سازی وغیره ، قدمهای مثبتی برداشته‌شد .

اینک‌بطورخلاصه‌پاسخ‌مطالب‌روزنامه

۱ـ اینجانب که از ارادتمندان مرحوم آیه‌الله طالقانی میباشد ،مقفد باصل شوراها ومشاوره باکارگران و کارمندان مخالفتی نداشتم بلکه بعکس با این امرکاملاً " موافق هم بودم ،و آقایان اعضاء شوراها رادرتهران و نواحی درجلسات متعدد ،همیشه دعوت بمشاوره مینمودم حتی در مورد تعیین مسئولین ادارات وقسمتهای مختلف کارمانجات راه‌آهن با رأی مستقیم خود کارگران آنها را انتخاب و منصوب نمودم .

۲ـ از روزنامهٔ مجاهد که دربین جوانان‌پرشور خوانندگان علاقمند زیادی دارد بهیچوجه انتظار نمیرفت که مطلبی رابدون تحقیق کامل نقل‌قول نموده وبااعتماد وسوءتفاهمی ناصف‌آور این‌چنین لطمهٔ بزرگی به حیثیت و آبروی فردی خدمتگزار زده‌شود . موضوع تقدیرنامه کذائی که نقل قول شده است مربوط بسال ۱۳۴۲ یعنی سی‌وچهارسال قبل میباشد که دریا یان جنگ جهانی‌دوم که اینجانب درسمت کوچکی درراه‌آهن (معاون قسمت‌مکانیک) انجام وظیفه مینمودم ازطرف سرهنگی که رئیس حمل ونقل متفقین درراه‌آهن بوده‌است ،بهمدیرکل‌وقت‌راه‌آهن نوشته شده است . اولاً " ازاین قبیل‌تقدیرنامه به دهها نفر مأمورین مختلفی که درکنار آنرور راه آهن بوده‌اند ، داده شده‌است . وامری عادی بوده است .

ثانیاً " درآنموقع یعنی ۳۴ سال قبل دولت وقت ایران با آمریکا و شوروی متحد بوده است وازطریق راه‌آهن اسلحه وخواروبار برای پیروزی درجنگ برعلیه آلمان هیتلری‌وفاشیسم ،به‌روسیه حمل میشده‌است‌وبهمین دلیل ایران رابل پیروزی لقب دادند . علیهذا اگر مأموری درآنموقع کارخودرا بخوبی انجام داده‌باشدبا این عمل نمیتوان مرتکب گناهی نشده است ،بلکه دلیل برانضباط ووظیفه شناسی اوبوده است .آیاسزاوار است که‌این نامهٔ ساده سی‌وچهارسال قبل راعده‌ای پیرامن عثمان کرده وباستناد بآن نسبت‌های ناروائی باینجانب بدهند .

متأسفانه بدون اینکه اینجانب بهیچوجه مایل بوده وباشم که مطالب فردی را به روزنامه‌هابکشانده و حدای نخواسته قصد تبلیغاتی را برای خود داشته باشم ،بناچار برای روشن شدن جریان امر باطلاع میرساندکه : در دنبال نهضت ناروائی که پس ازاسمعاً باینجانب زده شده‌جناب آقای محب وزیر وچندین نفر از آقایان وزراء که مورد احترام قاطبهٔ ملت ایران میباشند به کرات اظهار تأسف عمیق خود را از این جریان باینجانب اظهار نموده و حتی چند نفر از آقایان وزراء درخواست استعفاء از مقام خود نموده بودند ، ومقاماتی هم درشورای انقلاب وغیره تأسف خود را از این سوءتفاهم اعلام فرمودند . هم‌چنین بکرات از خدمات اینجانب شفاهاً "وحتی کتبی اظهار قدرانی شده است .مع‌الوصف خواهش دارد اگر مایل باشید،تحقیقی ازافکار عمومی ونظریات اکثریت‌کارکنان راه‌آهن نسبت باینجانب بفرمایید .تا حقایق امور بهتر،بهتر روشن‌گردد .

درخاتمه از خداوندمتعال امثالی ایران وسربلندی وپیروزی انقلاب اسلامی ملت‌ایران راخواستارم .

باتقدیم احترام

اکبر خبری

۵۸/۸/۲۲

هشداری پیرامون چپ روی وچپ نمایی (۳)

این همان "کیفر معاصی اپورتونیستی" قدیم است که اکنون بدینصورت خود را به آنها تحمیل کرده است .

بقیه از صفحه اول

یک نگاه سطحی به مجموعهٔ مقالات و جزوهای که ما بدنبال زمامداری کارتر نوشته‌ایم ، دریافت که قضایا تاچه‌حد از نظر ما ، قانونمند پیش رفته است .

ازاین پیش تر نیز مدعی نوشته بود که مواضعی که بازمان ما ، از فردای قیام تا به امروز اتخاذ کرده ، همواره مواضعی " بینابینی ، ونزلزل و التقاطی از دمکراتیسم ولیبرالیسم و . . . " تماماً " بیان آشکار لیبرالیسم و سازشکاری این سازمان است .

در سطور آینده ما به این موضوع خواهیم پرداخت که اساساً " در این منزهای خشک چه چیز " سازشکاری " محسوب شده است . لیکن فعلاً " اجازه بدهید بهاین‌مسأله بپردازیم که : چرا در مسألهٔ کردستان با تهاجم مسلحانه از طرف کدامشدمخالفیم ؟

زیرا جریان بازسازیهای امپریالیستی و ارگانهای سرکوب وابسته ، به شرحی که قبلاً " گفتیم به زیان تمامی خلق تشدید میشود .زیرا که تهاجم ، این‌انقلاب را در تمامیتش (مخاناً " بر ضعفهای تشکیلاتی — سازمانی انقلابیون) تهدید میکند .

این اعتقاد و نتیجهٔ عملی به غایت درست آن را ما در تخلیهٔ ستاد خودمان نیز به اثبات رساندیم .

اگر چه کوشالی مترجمین و ایادی ساواک و سیا لازم میشود ، واگر چه هواداران ما تا قلبا شهادت‌همگونه آمادگی ابراز مینمودند ، لیکن ما حتی دفاع مسلحانه را در مجموع و درآن لحظه به زیان انقلاب دیدیم چه رسد به تهاجم .

آری ، حتی در برابر این استدلال که کردستان آمادگی عینی یک نبرد رهائی بخش دراز مدت وقهرآمیز را داوه نیز ، ما بدلیل‌پیوند اجتناب ناپذیر مبارزهٔ ضد امپریالیستی کرد و فارس ، آن را در شرایط حاضر درست نمیدانیم .

زیرا مبارزهٔ کردستان برای رفع ستم مضاعف ، که البته در قلب انقلاب ایران جاداره ،چیزی جدا از مبارزه" تمام ایران برای رفع ستم سراسری امپریالیستی که از تقدم استراتژیک برخورداراست ، نمی باشد .

چه خوب گفته‌است آن انقلابی در پاسخ کسانی که تنها از نقطه نظر منافع کشورها و مناطق خودشان از جنگ بین الملل اول دفاع میکردند ، که : " . . . استدلال من نماید از نقطه نظر کشور خودم باشد ، زیرا این استدلال یک کودن بیمقدار خرده‌بورژوازی ناسیونالیستی استفرکه نمی فهمد عروسکی است در دست بورژوازی امپریالیست . . . "

لذا موضع ما ، نادیده گرفتن حقوق حقهٔ خلق کرد نیست . بلکه‌این موضع تنها وحدت سرنوشت و وحدت مبارزه و هم‌زنجیری تمام مردمان را بیان میدارد ، چرا که برای کردستان درخارج از تن وقلب ایران هیچ سرنوشت امید بخشی نمیتوان پیش بینی نمود . کما اینکه مبارزهٔ ضدامپریالیستی تمام ایران ، بدون کردستان نیز به فرجام نخواهد رسید . حتی اگر بطور پراگماتیک و پوزیتیوستی (یعنی با بینش عمل گرایانه محدود و منحصر کردن حقایق به مقاطع حسی و اثباتی) استدلال شود که تهاجم متقابل (ونه صرف دفاع) در کردستان ، در مسیر مبارزات ضد ارتجاعی و ضدامپریالیستی آثار مثبتی داشته ، بازهم مابه این‌آثار مقطعی و مرحله‌ای بسنده نکرده ، و خواهان ارزیابی دراز مدت قضایادرکل مبارزهٔ سراسری ضد امپریالیستی هستیم . زیرا منافع آنی و مرحله ای و منطقه‌ای تنها به درد ارضاء تنگ نظران و کوته بینانی میخورد که برای توجیه‌وماستمالی کردن یک خط غلط دراز مدت ، بدان نیاز مندند .

در امر انقلاب هیچ چیز نمیتواند جانشین یک خط دراز مدت اصولی گردد

حقیقت اینست که در امر انقلاب ، بخاطر ارتباط تنگاتنگ آن با واقعیات و قانونمندیهای سرشت اجتماعی ، نه تمار و نه ساز و دهل‌و نه موضعهای مقطعی ، ونه همیان و شلوغ‌کردن مواطف سرکش (ولوانقلابی) ؛ هیچیک نمیتواند جانشین‌یک خط‌دراز مدت اصولی گردد . ازاین رو هر خط غلط دراز مدت ، لاجرم تاوان دراز مدت خاص خود را خواهد داشت تاوانی بصورت جدا کردن مبارزهٔ کرد وفارس ، شکل گیری نهادهای سرکوب ، و بروز هرچه سریعتر ماهیت ارتجاعی دست راستی‌ها ، و خلاصه بازکردن میدان مانور بیشتری برای امپریالیزم در لحظه‌ای که هنوز ما آن را حوش نداریم . . .

اینجاست که یک انقلابی میگوید :

" این فراموش کردن مطالب بزرگ و اساسی بخاطر منافع آنی روز ، این دویدن از پی کامیابی‌های آنی و مبارزه در راه آن ، بدون در نظرگرفتن عواقب بعدی ، این جنبش آینده را فدای امروز کردن . شایدهم از روی براهین " مادقانه " بعمل آید . ولی این اپورتونیسم است واپورتونیسم هم

بقیه در صفحه ۸

مردم و مجاهدین

هشداری در مورد برخوردهای نادرست بعضی از هواداران

در این هفته نامه‌های متعددی داشتیم که انتقاد واحدی را مطرح کرده بودند. برادر یا خواهری با امضاء یکی از هواداران برایمان نوشته: "درشرایط فعلی، بدلیل باررشدن ماهیت ارتجاعی بعضی گروهها و عملکردهایشان و همچنین بدلیل چپ‌روی نیروهای چپ در برخورد با مسائل، نیروهای زیادی که نیروهای صادقی هم هستند و از جریانهای ارتجاعی آزاد شده‌اند، با برخورد اصولی شما، بست گروهها و انجمن‌های طرفدارشما جذب شده‌اند. نیروهائی که صادقانه اظهار تمایل به همکاری می‌کنند". این برادر یا خواهر در ادامهٔ نامه‌اش در مورد بعضی برخورد هواداران ما با این گونه افراد می‌نویسد: "این برخوردها بقدری سرد و غیرانسانی است که واقعاً" این نیروها را بدامن ضدیت با شما و ارتجاع میاندازد. بقول یکی از دوستانم ـ برخورد این هواداران شما کلاً "با مراجعین" به مثابه یک پدیده‌ایست که درجهت، بازرگردن ماهیت آن اقدام می‌کنند". در ادامه سؤال می‌کند "مگر برخوردهای این دوستان نباید باعث جذب این نیروها بشود؟ پس چرا به محض اینکه کسی خودش را راضی میکند که با توجه به تمام ضدیتهائی که دارد بیاید و صحبت کند با مارکس و برجسبهای خوراجور این دوستان روبرو میشود که مرتجعی و ..... " خواهر یا برادر دیگری (ف . ص) نوشته "به عقیده من درحال حاضر بزرگترین ضربه‌هائی که به سازمان مجاهدین وارد میآید از طرف طرفداران و سمپاتهای ناآگاه ماست" برادر یا خواهر دیگری برایمان ازتاثم شهر نوشته: یکی از پوسترهائی را که مربوط به جشن بوده در مدرسه بدیوار نصب کردم، چندتا از بچه‌های هوادار آمده و گفتند که چرا نصب کردی؟ . . . ودرادامه می‌نویسد "آخر من هوادار سازمان نه، به عنوان یک فرد مسلمان که بودم، و بالاین که از پوستر خوشم آمد که بچسبانم، آخر اگر این جور بوسرها را مانچسبانیم پس چی کسی این کار را بکند" برادر دیگری باسم محسن، ح برایمان نوشته مگر خودشما ننوشتید امپریالیسم برای تثبیت نفوذ خود به تضادهای فرعی دامن میزند؟ "همین کار را هواداران سازمانهای انقلابی با ساختمو ابرادگرفتن از یکدیگر و مارکزدن و برچسب زدن انجام میدهند" این برادر از ما خواسته که از هواداران خود بخواهیم از مسائل فرعی و مباحثه‌های بی فایده با هواداران دیگر بپرهیزند و تمام نیروهای خودرا همانطوری که سازمان بارها گفته است متوجه امپریالیسم کنند. نمونه های دیگری هم از برخوردهای فردی بد هواداران داشته‌ایم که برای جلوگیری از اطاله کلام به همین اندازه بس می‌کنیم.

مبادا با برخوردهای غلط خون شهدا را پایمال نمائیم

اما حرف و موضع ما. چنانچه ملاحظه می‌کنید این انتقاد مستقیماً به ما باز نمیگردد ولی از آنجا که ما بهیچ وجه خود را از هواداران خود جدا نمی‌بینیم انتقاد غیر مستقیم به ما باز میگردد. باتوجه به اینکه ما مسئول همه اعمال ورفتار هواداران خود نیستیم ولی این را بعنوان سازمانی که آنها خود را پیرو خط مشی آن میدانند متذکر میشویم که اینگونه برخوردها به هیچ وجه شایسته رفتار یک مجاهد نبوده ونیست. آغوش ما برای همهٔ خواهران وبرادرانی که مدتی با ما نبوده‌اند واکنون بازگشته‌اند باز است. ماهمیشه گفته‌ایم که محیط باید آزاد باشد تا همه آزادانه و فارغ از ترس دغدغه‌های تهمت وتمسخر وافترا حرف خود را بزنند ماهمیشه گفته‌ایم که کینهٔ شخصی باکسی نداریم. و از هر گونه برخورد مغرورانه وکینه توزانه بپرهیزیم، صریحاً "نیز اعلام می‌کنیم، کسانی که خود راهواداران ما میدانند باید برخوردی آنگونه داشته باشند. ما به خواهران و برادران هوادار خود متذکر میشویم که وقتی ارتجاع را میکوبیم وقتی تفاوت کیفی بین اسلام انقلابی (که ما به آن معتقد هستیم) خود و اسلامی که عناصر مرتجع از آن سوءاستفاده می‌کنند قائل هستیم باید عمل ورفتارمان هم با آنها تفاوت کیفی داشته باشد. اگر آنها به کوچکترین حرف مخالفی مهر کفر میزنند وچماق تکفیر را بلند میکنند ما باید سعه صدر داشته باشیم. ما باید روش ومنش پیغمبر را الگو قرار بدهیم. همین جاست که تفاوت ما با آنها معلوم میشود. همین جاست که "مجاهد" شناخته میشود. بصرف اینکه ما باصطلاح راست نبوده‌ایم ودیگری میبوده است نباید برخوردهائی داشته باشیم اتفاقاً "تکرر" این مسئله استعمال از بازگشت دیگراست. برخورد انقلابی ومردمی با دیگراست. "مجاهد" بودن و هواداری از آنها نباید ما را به برخوردهای غیراصولی بکشاند. ماتعمداً "این مسئله را بیشتر از یک انتقاد ساده میشکافیم و از آن ساده نمی‌گذریم وحتی چه بسا بزرگتر از آنچه هست نشانش میدهیم که دوستان خود راهرچه بیشتر متوجه عمق قضیه کنیم. خواهران وبرادران رسالت ما هر یک از ما یک سنگینی کوه است. یکانشتباه ساده یک برخورد غلط ویک تصمیم غیراصولی تاثیرات بسیار زیادی روی خودتان و جامعه دارد. آزمهٔ شما میخواهیم با توجه به مسئولیت ایدئولوژیکی کمصمه ما در این برهه از تاریخمان داریم اندکی بیشتر به برخوردهایمان بیاندیشیم. توجه داشته باشیم که پاسداری ازخون شهدایی که درسالهای سیاه خفقان راه جهاد را گشودند در برخورد ایدئولوژیک و بدوراز احساسات وعواطف واحیاناً "کینه های فردی میباشد، مبادا خدای نکرده با برخورد های غلط خون شهدا را پایمال نمائیم.

انتقادی پیرامون مقاله انزلی

انتقادی شده از مقاله ما درمورد انزلی و حوادث آنجا. خواهران وبرادرانی نوشته‌اند که چرا به نقش فلان گروه وهواداران فلان گروهها توجه نکرده‌ایم. آرایش خواهران و برادران میخواهیم که به هدف ما ازنوشتن این تحلیل توجه کنند. عنوان مقاله این بود "اگر به حقوق صنفی صیادان احترام نمی‌گذارید حق ندارید پاسخ آنها را باگلوله بدهید" همانطور که ازعنوان مقاله برمیآید هدف ما اصولاً "تحلیل همه جانبه وقایع انزلی نبود، بلکه ما فقط می‌خواستیم بگوئیم هیچ کس حق اسلحه کشیدن روی کسانی که حقوق صنفی خود را طلب می‌کنند، ندارد. دراین مقاله به نفش مثبت یا منفی هیچ گروهی اشاره نکردیم جمعی بر اینکه صیادان بگونه‌ای واقع بینانه حقوق خود را می‌طلبند بانه تأکید ننمودیم. چرا که درمحوری سرسی بررسی نظرمان اینست که اگرمسئولین رسمی بشیوه‌ای درست وانقلابی برخورد می‌کردند احیاناً هم اگر خواسته‌های صیادان نابجا بود تصحیح میگردید و هم حتای نیرو یا نیروهایی که با این شکل غیر اصولی برخورد می‌کردند دیگر رنگی نمیداشت.

نامهٔ هواداران از اندیمشک

نامه ای از اندیمشک با امضاء از طرف هواداران سازمان مجاهدین خلق" رسید که ضمن انتقادات تندی نوشته‌اند "منتظر جواب با توضیح کامل ومنطقی وبدون مغشوشه" هستند. البته ما نمیدانیم که نویسنده‌ها نویسندگان نامه چگونه هواداران هستند که پاسخی اینچنین خواسته‌اند؟. ناچال چند پاسخ غیر منطقی وسفسطه آمیز ازما شنیده‌اید؟ واگر شنیده‌اید جرا باز هم هوادارید؟ انتقادهائی هم که درخلال نامه کرده‌اید نشان دهنده بیگانگی شما از خط مشی و هدفهای ماست. شما ازسکوت ما درمقابل ارتجاع وامپریالیسم که به سرکوب خلق کرد برخواسته‌اند انتقاد کرده‌اید. ازاینکه چرا برای انتشار نشریه از "دولت ارتجاعی" اجازه گرفته‌ایم سخن گفته‌اید، ازکمبود اعلامیه ها و محافظه کارانه بودنشان نوشته‌اید. بعد هم اضافه کرده‌اید که "شما بعلت مسئولیتمان که یک سازمان چریکی و نظامی هستید نباید به قدرتهای حاکمه سوای مبانی مشترک ایدئولوژی باج بدهید" ما به نویسنده یا نویسندگان نامه که می‌شناسیمشان میگوئیم خواهران وبرادران باشما واقعاً "هوادارید که دراین صورت از شما میخواهیم تجدید نظر اصولی در طرز فکر وبرداشتتان نسبت به مسائل کنید و یا مصلحت دانسته‌اید کهامضاء هوادار زیر نامه‌تان بزنید دراین صورت ازشما میخواهیم به صداقت وشهامت بیشتر فکرکنید.

خواهری چند عکس بسیار زیبا برایمان فرستاده که البته به موقع استفاده خواهیم کرد. چنانچه عکسها مربوط به ایران باشد بسیار بهتراست. برادری از آبادان برایمان نوشته که برادرش به دبیرستان فرحی مراجعه می‌کند مدیر مدرسه بخاطر اینکه نشریه مجاهد را درحلوی دبیرستان فروخته بوده است ازشیت تمام او خودداری می‌کند. ما فقط به این برادر میگوئیم که "بعدازرفتن رستمان روسیاهی ازآن دغال است".

تقسیم بندی طبقات در ارتش

برادر افسری (سرهنگ ۱۲. ط) انتقادی داشته‌اند به مقاله‌مان درمورد ارتش. این برادر انتقاد کرده اند که طبقات در ارتش را بعامره و افسران ارشد ازیک سو ودرجه‌داران وسربازان ازسوی دیگر تقسیم بندی کردن درست نیست. چراکه این تقسیم بندی در مورد امرا وابسته صدق می کند. در حالیکه عده ای نیز بوده‌اند ـ ازجمله خودایشان ـ که شرافتمندانه زندگی کرده‌اند. قابل تذکر است که وقتی از طبقات وخصوصیات طبقاتی صحبت میکنیم نباید اشتباه شود که این خصوصیات دفیقاً "وبی کم وکاست در مورد فرداً فرد افراد آن طبقه نیز صدق می‌کند. ماوقتی ازطبقات صحبت می‌کنیم درمجموع وباصطلاح تحلیل اجتماعی می‌کنیم حال ممکنست فردی در درون طبقه ای باشد ولی آنچنان نباشد. البته این بحث مفصل ایدئولوژیک خاص خود را دارد که انشاالله دیگر ازمقالات به آن اشاره می‌کنیم. بنابراین این برادر باید با این دید به مقاله ما نظر کنند.

تهران برادر علی از شاکه خود را طرفدار احتیط نژادها و رضائی ها میدانید انتظار تحمل ومقاومت بیشتری داریم درنوشته‌هایمان بیشتر دقت کنید

تقاضا از شورای انقلاب:

بعد از مسدود کردن یازده میلیارد دلار ذخائر ارزی ایران توسط غارتگران آمریکایی هیچ راهی جز مصادرهٔ تمام سرمایه‌گذاریها و سهام آمریکا در ایران باقی نمی‌ماند

پس از دریافت خبر مسدود شدن ذخائر ارزی ایران درآمریکا اعلامیهای باامضاء انجمن های دانشجویان مسلمان دانشگاههای تهران دریافت داشتیم. قبل از درج اعلامیهٔ انجمن‌های دانشجویان مسلمان، چنانکه از فردای انقلاب بارها وبارها متذکر گردیده‌ایم، مجدداً خاطرنشان میکنیم که دیگر در مصادره کردن تمام سرمایه‌گذاریهای امریکائی هیچ درنگی جایز نیست:

گواینکه برداشت ما ازاین موارد هیچ‌تمادلی با اتیوپیها ولیبی‌ها وامپریالیستها ندارد لکن برای نفی وابستگی‌ها تنها راه همین‌است. وایکاش آقایان دادستانهای انقلاب بجای تخته قاپو کردن انقلابیون کشور و پرداختن به مجرمین عادی (که در درجه اول معلول همان وابستگی های استعماری است) کمی هم به فکر احقاق حقوق ملی ما از امپریالیست‌ها می‌بودند. و خدا کند که شورای انقلاب از این تجارب درس گرفته و قدری هم بخواستهای انقلابی ما بر علیه امپریالیست ها بذل توجه کند.

بیانیه شماره ۷

بیانیهٔ انجمن‌های دانشجویان مسلمان دانشگاهها درباره مسدود کردن حسابهای بانکی ایران از طرف دولت غارتگر آمریکا

بنام خدا

درحالیکه میلیونها ایرانی مستضعف و محروم دررنج فقر وگرسنگی میسوزند، درحالیکه میلیونها هموطن ستمزدهٔ ما از دانش یک آلونک و آب آشامیدنی محرومند، درحالیکه برخی از هموطنان ما درگوشه‌وکنار کشور جز علف نمی‌یابند که سد جوع کنند، و دردست در زمانیکه هموطنانمان در اثر زلزله خراسان بی خانمان میشوند، دزدان جپاولگر امریکائی قریب ۸۰ میلیارد تومان پول ما را مسدود نمودند. این تجمیی ندارد زیرا روشن است که بین امپریالیسم وخلقها هیچ رابطه ای جز اسارت یا نبرد وجود ندارد. واکنون که‌خلق ما تحت رهبری امام خمینی به نبرد پرداخته‌است طبیعی است کهآنها از هیچ جنایت و چپاولی درحق ما فروگذار نکنند. اما پورا این سؤال به ذهن می‌آید که چرا طی ۹ماه گذشته هیچ تصمیمی‌برای مسأله بدین مهمی اتخاذ نشده و آیا این مسأله آنقدر اهمیت نداشت که مسئولین امر بدان بپردازند و اصولا در طی این مدت دولت و شورای انقلاب و سایر مراجع مسئول مملکتی چه میکرده‌اند؟

از دوحال خارج نیست:

یا آنها مضمون ضد امپریالیستی انقلاب ما را درک نکرده و در بحبوحهٔ رقابت های انحصارطلبانه بر سر قدرت، فریاد شهیدان را که "پس از شاه نوبت آمریکاست" از یاد برده‌بودند.

و یاتبرد ضد امپریالیستی را بشوخی گرفته و فکر میکردند که نعوذبالله امریکا هیچگاه پولهای ما را بالا نخواهد کشید و عجیب تر اینست که طی این مدت، بارها و بارها از جانب انقلابیون این‌میهن بر تصفیه حساب نهائی با امریکا تأکید شده‌بود.

شاید هم تعدد و کثرت‌شغلهائی‌که مسئولین مزبور در هرکجا بحود اختصاص داده بودند نمیگذاشت که به امور جزئی! نظیر یازده میلیارد دلار پول ملت در امریکا عنایت فرمایند! راستی آقایان دادستانهای انقلاب نیز که از خلاق زدن گران فروش و اعدام روسپی نیز دریغ نداشتند کجا بودند که به احقاق این همه حقوق ملت بپردازند؟

البته طی این مدت دیدیم که‌نظایر آذری قمی در بیرون آوردن حتی یک ساختمان‌از دست نظایر مجاهدین (این انقلابیون حرفه‌ای) از هیچ لشکرکشی و تبلیغاتی فروگذار نکردند. پس طبیعی‌است که دیگر وقتی برای درآوردن میلیاردها دلار پول از دست امپریالیستها باقی نماند وازاین‌هم طبیعی تر!! این است که گویندگان این مطالب رابلافاصله ضد انقلاب و فرصت‌طلب‌بخوانند تا مبادا انقلاب وفرصتها از دست خودشان بدرآید.

بهرحال ما ضمن تسلیت به امام خمینی و ملت ایران بخاطراین غفلتهای نابخشودنی مسئولین‌امر، اکیداً خواستار تعقیب کلیهٔ‌مسئولان مربوطه شده و از آستان امام‌استدعا داریم که چنانکه صلاح بدانند اعادهٔ اینگونه حقوق ملی را مستقیماً بدست همان مردم وجوانانی بسپارند که برای این انقلاب زجر کشیده و خون داده اند. کما اینکه دیدیم اگر برادران رزمندهٔ دانشجوی ما یعنی‌همان دانشجویان انقلابی پیرو خط امام نبودند هیچیک ازمسئولین رسی به فکر جاسوسخانهٔ امریکا نبوده وجاسوسخانه‌مربوز همچنان به ایجاد نفاق و جنگ داخلی و فراهم کردن مقدمات سرکوب انقلاب وانقلابیون ایران مشغول بود. واین درحالی بود که شاه خائن نیز همچنان در کنف‌حمایت دایه‌های امریکائی‌اش بتوطئه‌گری اشتغال میداشت.

درهرحال این نمونه ضرورت برخورد هرچه قاطع‌تر با امپریالیزم را در قطع کلیهٔ وابستگی های سیاسی، اقتصادی و نظامی روشن میکند (خواستهائی که این روزها بکرات از طرف نیروهای انقلابی و قاطبهٔ اقشار مردم مطرح شده و مسئولین امر هم ترتیب اثری به آن‌نداده‌اند) ولازم‌است که دراین مقطع حساس که‌خلق ما مجدداً با الهام از رهنمودهای قاطع‌امام خمینی بپاخواسته بیش ازاین اهمال روا نداشته ونقطهٔ پایانی بر این اشتباهات گذاشته شود.

و با گماشتن مسئولین جوان و دلسوز و انقلابی که لازمهٔ یک جامعهٔ درحال انقلاب است حقوق از دست رفته مان را نیز بدست‌آوریم و این گفتهٔ امام خمینی را فراموش‌نکنیم که‌رابطهٔ ما با امریکا رابطهٔ مظلوم است با ظالم، رابطهٔ بره است با گرگ. در غیر اینصورت این حوادث با تکرار خواهد شد.

درود بر خمینی سلام بر مبارزهٔ متحد خلق برعلیه‌امپریالیسم

به امید قطع کلیهٔ پیوندهای ظالمانه با امپریالیسم امریکا

انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه تهران، تربیت معلم، علم وصنعت، صنعتی شریف، ملی، پلی‌تکنیک، کشاورزی، مهدی رضائی و مدارس عالی پارس، تکنیکوم، کامپیوتر، و دیگر مدارس عالی

۵۸ / ۸ / ۲۳

نگاهی به مطبوعات

۱ـ ارتکاب سیاسی تا مداخله نظامی برای درهم‌شکستن مقاومت ضد امپریالیستی خلق ایران

بامداد ۱۹ آبان ـ پاپ طی پیامی برای امام، سلامت وآزادی گروگانها را خواستار شد.

بامداد ۱۹ آبان ـ یک سخنگوی سازمان‌ملل: پاکستان با مبادلهگری موافقت کرده‌است، و آنها اینک با تهران در تماس‌اند.

بامداد ۱۹ آبان ـ هانی‌الحسن: موضع انقلاب فلسطین روشن است، و قابل مصالحه نیست. ما یک جبهه هستیم نه یکواسطه.

جمهوری اسلامی ۱۹ آبان ـ کارتر و رئیس سازمان "سیا" اوضاع ایران را بررسی کردند.

جمهوری اسلامی ۱۹ آبان ـ سخنگوی کاخ سفید: کارتر سفر خود را بکانادا به تأخیر انداخت تا به بررسی رویدادهای ایران، از نزدیک ادامه دهد.

اطلاعات ۱۹ آبان ـ سناتور هرمن تالماج: اگر به عملیات نظامی هم‌نیاز باشد، باید بآن مبادرت شود. حوزه‌های نفتی را بایک‌اقدام نظامی نسبتاً کوچک میتوان تسخیر کرد.

اطلاعات ۲۱ آبان ـ جمعی کارتردر واشنگتن به کلیسا رفت، وبرای آزادی گروگانهای سفارت آمریکا در تهران دست به دعا برداشت!

انقلاب اسلامی ۲۱ آبان ـ کورت والدهایم داوطلب دخالت برای حل مسألهٔ گروگانها شد.

انقلاب اسلامی ۲۱ آبان ـ مطبوعات کویت به نقل از منابع فلسطینی اعلام کردند که ایالات متحده درصدد دخالت نظامی درایران است.

بامداد ۲۳ آبان ـ جمهوری‌خواهان آمریکا: گروگان‌ها راحتی اگر خونریزی شود باید آزاد گردد.

بامداد ۲۳ آبان ـ آمریکا درجنوب وکویت تفنگداران دریائی پیاده کرد. و نیروهای این دوکشور نیز بحال آماده‌باش درآمدند.

بامداد ۲۳ آبان ـ بین پاکستان و کویت پل هوائی‌نظامی برقرارشد.

بامداد ۲۲ آبان ـ آیت‌الله مهدوی کنی دربارهٔ آماده‌باش نیروی ۱۰۰هزار نفری تفنگداران دریائی آمریکادرافیانوس هند اظهار بی اطلاعی کرد.

بامداد ۲۳ آبان ـ استرالیا درمورد گروگان گیری در سفارت آمریکا بدولت ایران اعتراض کرد.

اطلاعات ۲۳ آبان ـ مانور مشترک امریکا، انگلیس و استرالیا درآبهای نزدیک خلیج فارس.

اطلاعات ۲۳ آبان ـ فرماندهٔ ناوگان هفتم آمریکا با سرپرست وزارت دفاع عمان ملاقات کرد.

اطلاعات ۲۳ آبان ـ وزیر انرژی امریکا: پاسخ بین المللی به‌متصمیم کارتر در قطع واردات نفت‌ایران‌روبهم رفته مثبت بوده‌است.

اطلاعات ۲۳ آبان ـ آبا‌ایان وزیر خارجه پیشین اسرائیل خواهان اعلام یک روز همبستگی با گروگانهای سفارت امریکا در تهران شد.

کیهان ۲۴ آبان ـ فشار امریکا جلو اجلاسیهٔ شورای امنیت ـ به نفاقهای ایران ـ را گرفت.

۲ـ امام و خلق بسوی مبارزهٔ ضدامپریالیستی

بامداد ۱۹ آبان ـ امام: ما دیگر نمیتوانیم کارهای امریکا را تحمل کنیم.

بامداد ۱۹ آبان ـ دانشجویان پیرو خط امام: پرسنل آمریکائی سفارت همگی در خدمت واحد اطلاعاتی و جاسوسی بوده‌ه و از آمریکا تقاضای اعزام تفنگدار دریائی جهت حفاظت از محل سفارت نموده‌اند.

بامداد ۱۹ آبان ـ لفیس چاپ‌کویت: آمریکا بآس میکارد، و حربان‌درومیکند.

اطلاعات ۱۹ آبان ـ امام: اگر ما دیدیم که ـ امریکا ـ بیشتر از این می‌خواهد جلو برود، ماهم کارهائی داریم که بضرر آمریکا تمام خواهد شد.

بامداد ۲۱ آبان ـ هانی‌الحسن: امریکا اگر در ایران دخالت نظامی‌کند، جنازه‌اش از ایران خارج خواهد شد.

بامداد ۲۱ آبان ـ سفارت امریکا در بیروت با تظاهرات وسیع بطرفداری امام خمینی روبرو شد.

بامداد ۲۱ آبان ـ کارگرجوانی‌که‌در مقابل سفارت بعنوان اعتراض‌بسیاست امریکا خودسوزی کرده بود، درگذشت.

جمهوری اسلامی ۲۱ آبان ـ ابوا ـ لولید: اگر امریکا بخواهد درایران مداخله نظامی کند، ما به‌تمام‌نیروهای خود در جهان آماده باش داده‌ایم، تا تمام قوا وارد عمل شوند.

اطلاعات ۲۱ آبان ـ استقبال وسیع مردم از روزهٔ بزرگ سیاسی.

اطلاعات ۲۱ آبان ـ موج گسترده تظاهرات ضدامپریالیستی در سراسر سفارت امریکا.

بامداد ۲۲ آبان ـ گروههای تازه‌ای به روزه داران سیاسی پیوستند.

جمهوری اسلامی ۲۳ آبان ـ سربازان ارتش امریکا در ویتنام بلندترین برج امریکا را اشغال کردند، و خواهان اخراج شاه مخلوع از آمریکشدند.

اطلاعات ۲۳ آبان ـ موسوی‌خوئینی: همچگاه رابطهٔ صمیمی با امریکانخواهیم داشت، رابطهٔ ما با امریکا بهتر است قطع شود.

اطلاعات ۲۳ آبان ـ ارسوی دانشجو ـ محس موسمی که‌در برابر همین دداکار ـ بها قرارگرفت گفت: اول بسیم‌لیاقت آن را داریم بعد . . . . به این امیدکه پاسخگوی این‌همه صداقت و خلوص خلق قهرمانمان باشیم.

اول ببینیم لیاقت آزادیم؟

بنام خدا

می‌گیری از طرف ملت جنبی حق مجاهدین صحبتی به سفارت و بعد کلی چطرم ... [illegible]

[illegible]

بدهی به امریکا طی کنید

پس اول حق مجاهدین

این‌نامه وسیله یکی از هواداران از همدان فرستاده شده، براستی که این احساسات و حمایتهای پاک است که رسالت را همچون کوه بردوشهای ما سنگین میسازد، مجاهد شهید سعید

انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه تهران، تربیت معلم، علم وصنعت، صنعتی شریف، ملی، پلی‌تکنیک، کشاورزی، مهدی رضائی و مدارس عالی پارس، تکنیکوم، کامپیوتر، و دیگر مدارس عالی

۵۸ / ۸ / ۲۳

آیا رابطهٔ با آمریکا میتواند براساس مودت و دوستی یا عدم مداخله باشد

گزارشی از برنامه‌ها و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا، در طول پنجاه سال سلطنت ننگین پهلوی

انقلاب قهرمانانه خلق ما در آستان ورود به مرحله نوین و عالیتری است. ملت ما میرود تا به انتظار خون ۷۰ هزار شهید گلگون‌کفن خویش که در آخرین لحظات، فریاد "بدارْشاه نوبت آمریکاست" را درگلو داشتند، جواب دهد. امروز - دانشجویان و دانش‌آموزان وجوانان صدیق که همواره پیشگامان مبارزات خونبار ایران بوده‌اند و نیز مردم داغدار وستمکشیده میهن ما، این شعار را میدهندکه:

اخراج آمریکا بی تکمیل انقلاب است. "خون شهیدان ما منتظر جوابیاست"

وآیتک خلق سیا خاسته تا این پاسخ راتحقق بخشد. اما مسئله این است که این جواب چیست؟ وچگونه جبهه نوین مبارزه گشوده شده ودوام می‌یابد. بدیهی است که طرف مقابل مادراین جبهه بطورمستقیم امپریالیزم آمریکا است، درحقیقت طی مبارزه ضد دیکتاتوری بر علیه شاه خائن که بقیمت خون ده‌ها هزار شهید ومجروح وشکنجه شده به پیروزی‌رسید، ما طلایه سپاه خصم را در نوردیدیم‌وآیتک به قلب سپاه رسیده ومستقیما "رو بروی دشمن قرار گرفته‌ایم. بعبارت دیگر مبارزات اخیر ما دارای جوهر ومضمون ضد امپریالیستی بوده‌است، که آیتک بازرشده وانقلاب را در فرازی نوین قرار داده است.

آیا آمریکا تنها بخاطر پناه دادن به شاه مورد نفرت وکینه میباشد؟

حال سؤالی که مطرح میشود این است که مراحل تاکتیکی واستراتژیکی این مبارزه چیست؟ وشعارهای ما در این مقطع چه باید باشد؟ بدیهی است که اکنون که کارتر جنایتکار، شاه خائن این توکر بادفاپش رانزد خودفرا خوانده ودرکنف حمایت خویش قرار داده است، عواست قطعی ما به استرداد شاه خائن است. اما آیااین تمام خواسته‌های خلق محروم و ستم کشیده است؟ وآیا آمریکا تنها بخاطر پناه دادن به شاه مورد نفرت وکینه مردم است؟ وآیا اکنون که سفارت آمریکا این لانهٔ جاسوسان، توسط برادران دانشجویان مسلمان پیروخط امام اشغال شده واین مطلب‌برایهمه روشن شده است که سفارت فی‌الواقع مرکز توطئه بوده است، شعار قطع کلیهٔ روابط وتعویض کلیه قرار دادهای متناسب با مرحله مبارزه‌مان هست یا خیر؟ وآیا میتوانیم به آمریکا بگوئیم که اگر قول بدهی که توطئه نکنی، ما هم با تو روابط حسنه خواهیم داشت؟

جواب تمام این سؤالات وقتی روشن میشود که اصولاً "رابطهٔ خودمان را با آمریکا بررسی کنیم وببینیم آیا اساساً "کشورهائی، که سالها تحت سلطهٔ استعمارگران وامپریالیستها بوده‌اند، رابطه شان با امپریالیسم چگونه است؟

به نظر ما همانطور که برادران بنیانگذار سازمان در بحث تدوین استراتژی باین سؤال پاسخ داده‌اند، این رابطه دوجهه بیشتر ندارد. یا اسارت آمیاست، ویا قهرآمیز. به عبارت دیگر، اگرما بر علیهٔ امپریالیسم وسردمداران امپریالیسم آمریکا دریک پیکار گسترده وعمیق نباشیم، الزاماً "وبدون شک سرانجام در چنگالهای خونین شان اسیر خواهیم بود.

بنا بر این جواب سؤالهای فوق بر این اساس روشن است: یعنی آمریکا درحقیقت نمی‌تواند توطئه نکند، وما نمی‌توانیم از او بخواهیم که توطئه نکند. چرا که اساساً "رابطه ما با امپریالیزم، بقول امام رابطهٔ ظالم ومظلوم است.

این جاست که ما وقتی به‌تاریخ مبارزات خونبار ایران می‌نگریم مشاهده می‌کنیم که سراسر دخالت وتوطئه است.

برای مستند کردن این مطلب گزارشی از سیزده سال ها و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا را در طول تاریخ مبارزات اخیر مردم رنج کشیده وطنمان میآوریم، باشد که با چشمی بازونگرشی واقعی به دشمن خویش بنگریم ودیگر هرگز فریب‌سیمای زیبا ونیرنگهای او را نخوریم.

سرمایه داری وابسته پایگاه امپریالیسم آمریکا

سلسلهٔ "کشور تحت سلطهٔ ما، سراسر مملو از توطئه‌هاودخالت های سیاسی، اقتصادی ونظامی امپریالیسم آمریکا است وهرگوشه رابنگریم جای پای جیاخنخواران امپریالیست را مشاهده می‌کنیم، دراین جا گوشه‌ای ازاینها را بصورت گزارش و مختصرا میآوریم:

همانطور که میدانیم، آمریکا بنا بر ماهیتش که به مرحلهٔ مدور سرمایه رسیده، تکیه گاه طبقاتیش در کشورهای تابع سلطه، بورژوازی وابسته است وهمواره در این جهت سرمیکرد که با سرمایه گذاری و وابسته کردن - اقتصاد ایران سلطه خویش را دراینجا تحکیم بخشد. بر این اساس ازهمان اوائل پس از انقلاب مشروطه در این خط حرکت میکرد.

مثلاً "مجلس اول تصویب کرد که برای اصلاح وضع دارائی، شوستر آمریکائی با چند تن از همکارانش به ایران بیایند و با امتیازات زیادی به خزانه‌داری کل منصوب گردند. اما از آنجا که انگلستان در آن موقع امپریالیزم حاکم بر ایران بود، این طرح وقتی بامخالفت انگلستان وروسیه تزاری مواجه شد، متوقف گردید.

پس از آن در ۳ مرداد ۱۳۰۱ - قوام السلطنه لایحهٔ استخدام دکتر میلسپو و دیگر مستشاران آمریکائی را به مجلس برد وبه تصویب رساند - اما بازهم با اشکالاتی مواجه شد و متوقف گردید.

در ۳ آبان ۱۳۰۰ نیز مجلس قانون گذاری، نفت شمال رابه کمپانی "سُکانه‌داویل" "آمریکائی" با اکثریت قریب به اتفاق تصویب نمود. اما بازهم دو روز پس ازتصویب،این لایحه مورد اعتراض انگلیس و روسیه قرار گرفت و مقدمات بی اثر شدن آن فراهم شد. اما بالاخره این قانون مجدداً "از طرف کابینهٔ دوم قوام درمجلس مطرح وبااصلاحاتی تصویب گردید.

در ۲۳ تیر ۱۳۲۹ آورل هریمن مشاور مخصوص ترومن رئیس جمهور آمریکا به ایران آمد ومردم مبارز وآزادیخواه‌ما به تظاهراتی خونین دست زدندکه بالاخره درمهر ۱۳۳۰ قرار - دادی بین دولت ایران و آمریکا برای استفاده ازکمک مالی آمریکا زیرعنوان اصل چهار ترومن، بسته شد مضمین ومحتوای این کمکها کاملا "روشن است که درجهت هرچه بیشتر وابسته کردن وبزیر سلطه کشیدن ایران بود که متعاقب آن جاسوس های آمریکائی در قالب رساندن کمک هائی به ایران سرازیر شدند، طبق سیاست آمریکا طبعاً "سازمان وادارهای‌عمومی بایست‌در ایران تاسیس شود محل خوبی برای جاسوسی ونطفه‌ها پرورش‌وعلنی‌است بهمین نحو بوده‌است فعالیتهای‌سپاه صلح که هدف جاسوسی آنها مقدم بود.

کودتای ننگین ۲۸ مرداد، اولین کودتای موفق آمریکا در کشورهای زیر سلطه

در شهریور ماه ۱۳۳۱ ترومن و چرچیل، پیام مشترکی به‌مصدق دادند که ده‌میلیون دلار کمک فوری به‌مصدق میشود، مشروط به اینکه وی قبول‌کندکه قضیه نفت ومسئله غرامت به مراجع صلاحیت دار بین المللی ارجاع شود.

در اواخر حکومت دکترمصدق آمریکا سیاست براندازی را پیش‌گرفت وسفیر خود را بنام "هنری گریدی" با "لوئی اندرس" عوض‌کرد. اندرس نماینده کمپانیهای نفتی و نماینده سیاست جدید (براندازی) آمریکا زبده‌ترین طراح کودتا شهرت داشت. این شخص درسال ۱۳۳۱ (۱۹۵۲) به عنوان کارمند سرویس خارجی بتهران اعزام شده بود و درواقع استمرار در سال‌های ۳۱ و ۳۲ بطور مخفیانه‌برای سیا در تهران کار میکرد. (نقل از اطلاعات ۱۳/۳/۵۸) ژوپیونس بالمره طبق اسناد وزارت خارجهٔ آمریکا وی‌در ۱۳۳۱ (از ژوئیه ۱۹۵۲) بعنوان کارمند سرویس خارجی به تهران اعزام شد (نقل ازاطلاعات ۱۳/۳/۵۸)

"جرج میلتون، جان جی، دگان جونیور، جان دوربی‌مازکه درتبریز درخدمت سیا کار میکرد و "جان پوالتز" که درسالهای ۱۳۲۸ و۱۳۲۹ درمشهد وسپس درتهران کارمیکرد، از دیگر افراد سیا بوده‌اند.

"جورف کارل کودوین نیز یکی دیگر ازاینهاست. یکی ازکارهای او اینست که درسال ۳۲ با همکاری گنت لاوگه در آن موقع خبرنگار نیویورک تایمز بود، اعلامیه‌هائی‌راکه سیا تهیه کرده ودر آن "زاهدی" را بعنوان نخست وزیر قانونی جلوه می‌داد، توزیع می‌نموده‌است. (نقل ازاطلاعات ۱۳/۳/۵۸)

فرماندهٔ عملیات سیا در این کودتا "کرمیت روزولت" بود. وی که‌ای‌افسران طرفدار شاه را در محلی که "سیا" تعیین کرده بوده مجاورسفارت آمریکا درتهران جمع میکند وخودش در ناحیهٔ کوهستانی تهران مخفی‌گاه تشکیل میدهد.

کرمیت روزولت پس‌ازانجام‌این کودتا مورد تشویق‌رئیس‌جمهورآمریکا قرار میگیرد و نشان "امنیت ملی" را دریافت میدارد. وزیر خارجه وقت آمریکا - جان فوستردالس - نقش این بوده است که کودتای ننگین ۲۸ مرداد، "مدل گرددتودر سایر کشورها مثل گواتمالا پیاده شود. وچندی‌بعد مأموریت سقوط حکومت ناصردرمصررا بوی میدهند که ازنمی‌پذیرد. روزولت هنوز یکی از مشاوران و بازار یابهای شرکت "نورتروپ" است. (نقل‌از کیهان ۲۶/۱/۵۸).

درسند دیگری خرج کودتای ننگین ۲۸مرداد‌طبق اظهارات‌خودشان ۱۹ میلیون دلار است ولی در یک‌سند دیگری خرج کودتا ۷۵ هزار دلار آمده است که‌ایرانی‌ها به‌شاه‌نشان داده‌بودند. پس‌ازانجام کودتا، آمریکا ۴۰٪ سهام کنسرسیوم رابه خود اختصاص‌میدهد.

ازآن‌پس‌میهن‌ما یکبار‌دیگر‌تا سر به‌زیر سلطه مفتخواران نفتخوار و سرمایه داران جهانی وچند ملیتی و چکمه پوشان نظامی‌ومأموران سیاکشیده میشود‌ومرتبا "رؤسای جمهور و سایر مقامات آمریکائی به ایران رفت وآمد می‌کنند.

مثلا "در آذر ۳۳ جرج آلن، معاون وزارت خارجه آمریکا وسفیرکبیر سابق آمریکا در آن زمان به ایران میآید. وباز در بهمن ۳۴ - جان فوستر دالس، وزیر خارجه وقت آمریکا به تهران آمده و مدت دو روز توقف می کند.

بدیهی است که این مسافرتها برای انجام مذاکرات وطرحهای امپریالیستی درجهت استثمار وغارت مردم محروم وستمکشیدهٔ ما صورت می گرفته‌است. من جمله‌عطاءویوماها به ایران است که میهن ما رادر جهت هر چه بیشتر وابسته کردن به امپریالیسم آمریکا سوق میدهد.

از سال ۳۸ تا ۴۰ - مجموعا "۱۹۸۶/۳ میلیون دلار، آمریکا به‌ایران وام داده است که از جاهای مختلفی مثل بانک مادرات آمریکا، بانک بین المللی توسعه عمران، بانک جهانی صندوق وامها یعمرانی به‌ایران پرداخت شده است. یکی ازاین‌وامها عبارت است از مبلغ ۲میلیون دلار که بین رئیس سازمان برنامه (اصفیا) وجولیوس هلمز، سفیر کبیرآمریکا، منعقد میشود. علاوه بر این وامها کمکهای بلا عوض‌هم می‌شد‌است‌مثلا یک مورد ۵۰ میلیون دلار ومورد دیگر ۱۵ میلیون دلار بوده است. (ناتمام)

برخورد وحشیانه پلیس امنیتی - انتظامی آمریکا، بایکی از دختران (کلاه خود داردو روی زمین افتاده) که درتظاهرات مخالفت با جنگ ویتنام شرکت کرده‌است

رضا خان ۱۸۰ هزار دلار برای کشتن یک آمریکائی میپردازد،

نمونه‌ای از وابستگی و مزدوری رضاخان ودخالت آمریپالیسم آمریکا دراین کشوراینکه، «در ۲۲ تیر ۱۳۰۴ در طی یک واقعه که بتحریک مأمورین رضاخان وعوامل امپریالیزم انگلیس رخ داد، کنسول آمریکا "ماژوربیری توسط مردم مضروب وبقتل رسید‌وسپس "سیمور" یکی از اتباع آمریکائی همراه کنسول نیز به سختی مجروح گردید. رضا خان مزدور نیز برای‌جبران مافات بلافاصله حکومت نظامی اعلام کرد، و عده‌ای را دستگیر نموده و سه تن را اعدام‌کرد‌ومبلغ‌محدودصدوبیست‌هزار دلار خونبهای "ایمبری" را بهآمریکا و۶۰ هزاردلاربه‌همسراوپرداخت‌کرد.

- درشهریورومهر ۱۳۲۱ - آمریکا نیروی زیادی به ایران وارد‌کردکه در امیر آباد نزدیک تهران‌ودرچندنقطه دیگر ودر راه بین بندرشاهپوروتهران برای تسهیل ارسال‌سهمات جنگی ساکن شدند. در فروردین سال ۱۳۲۲، - مجلس بالاخره اختیارات نامی‌برای صدور ورود کالا واصلاحات امور دارائی به دکتر میلسپودداده و۱۰ نفر مستشار آمریکائی را استخدام کرد.

در آبان ۱۳۲۸ بدنبال اوج‌گیری مبارزات ملی مردم، شاه خائن برای مشورت وگرفتن دستور از اربابهای آمریکائیش به آنجا سفر کرد و حدود ۳۸ روز در آنجا اقامت نمود.

بود. و نیز حزب جمهوری به‌رهبری آیزنهاوروری کار آمد وجناح نفتی ها پیروز شدند.

در مرداد ۳۲ اشرف پهلوی که بنا به‌تقاضای رهبر فقید ملی دکتر مصدق از کشور تبعید شده بود، در پاریس با "آلن دالس" و" شوارتس نمایندگان ایالات متحد‌جلسه‌مشترکی تشکیل داد که در طی این جلسه تصمیم توطئه بر علیه حکومت‌ملی‌دکتر مصدق گرفته شد. (البته مقدمات‌این توطئه از دوسال قبل‌فراهم شده‌بود.) وعمال سیا در ایران دست بکاراجرای این طرح شدند و بکمک ارتجاع داخل ودار ودسته شعبان بی مخ و با نیروی ارتشی که از عوامل سرسپرده‌ایاگذشته بود، کودتای ننگین ۲۸مرداد را براه انداختند. گویا یکی ازمامورین سیا که در انجام کودتا دخالت‌داشت‌گفته بود که سیا با انجام این کودتا که با نیروی بسیار کمی آنرا انجام داده‌بود، اعتماد بنفس زیادی پیدا کرد.

پس از انجام کودتا، در ۱۸ آذر ۳۲ ریچارد نیکسون معاون رئیس جمهور وقت آمریکا به ایران آمد تا نتیجهٔ کار مزدورانش را ببیند وقدرت سیا را برآورد کند.

افراد دیگری که دست اندر کار کودتا بودند عبارت بودند از:

زبده‌ترین طراح کودتا بعنوان کارمند سرویس خارجی به تهران اعزام شد

"هوارلدای‌ستون - که به عنوان

بوی خوش وحدت

از لبها سرود و درود واحد و نفرین واحد رامیشنوی

دوباره چیز آشنائی در شهر پیدا شده، آشنا وخوشایند! وباز بوی عوضی در فضا پیچیده، بوی خوش وحدت! شهر به شکل دلپذیر ایام انقلاب درآمده‌است، در مردم بازشور و شوقی واقعی می‌بینی، درچهره‌ها صمیمیت ودوستی را مشاهده میکنی، از لبها شعار واحد، سرود ودرودواحد و نفرین‌واحدی را میشنوی، نفرت و نفرینها دیگر نثار همدیگر نمیشود، نفرتها و نفرینهای مردم‌آماج واقعی خود رایافته‌اند. همهٔ سلاحها بسوی دشمن اصلی و واحدی نشانه رفته است مثل پارسال، مثل همان‌روزهای‌آتشین و سرخ و خوب انقلاب. آخر دوباره انقلاب است، "انقلابی بزرگتر از انقلاب اولی" و بهترین و محکمترین نشان انقلاب همین چیزی است که در فضاوچهره مردم و برلبهایشان و برفراز دستهایشان موج میزند.

مبارزه ضدامپریالیستی امتداد راه انقلاب

این نشانه‌ها مارا مطمئن میکند که انقلاب پس از انتظاری کمیجی وسردو گمی راه خود را یافته و براین راه قرار گرفته‌است. این‌راه، راه مبارزه ضد امپریالیستی است. که لزوماً می‌بایست بلافاصله پس از سقوط دیکتاتوری شاه آغاز میگردید. مردم‌چه خوب راه را تشخیص داده بودند که درهمان‌روزفرار شاه فریاد میزدند. بعد ازشاه نوبت امریکاست. درواقع کیست که‌امریکا این دشمن همهٔ خلقها و دشمن ترین دشمن ما را نشناسد، و کیست که‌ندانند شاه همهٔ آن کشتارها و جنایات را به اشاره و پشتگرمی امریکا انجام داده است، شاه یک‌مأمور اجرا بود، ارباب و صاحب کار واقعی امپریالیسم آدم - خوار امریکا بود و بهمین جهت مردم به شاه میگفتند شاه امریکائی! بنابر این اگر این انقلاب بسمت دشمن‌واقعی و اصلی خود امریکا سمت‌گیری نمیکرد، تبعه کارمیود ودوباره همان‌اوضاع‌سابق احیاء میگشت. کما اینکه همین تاخیر چند ماهه نیز چه بسیار مسائل و دشواریها ایجادکرده، گیجی وسردرگمی مردم، بروز شکها و تردیدها، وظهور اختلافها، تفرقه‌ها، خونریزیها، برادر کشیها، ودشمنیها بین صفوف خلق و... نتیجه همهٔ اینها دشمن کامی او امروز بنظر میرسد روزن امیدی بر روی انقلاب ماگشوده‌شده‌است‌که از آنجا نور پیروزی و حیات می‌تابد.

درسی که ازاین مرحله جدید می‌آموزیم

راستی چه شد که‌این‌وضع پدید آمد؟ چه شد که دعواهای فرعی واختلافات فراموش شد. چه شد که دو پاره بازوهای مردم درهم گره شدند و لبهایشان سرود خوان‌یک سرودگردیدند. مگر قبلا حرف از وحدت نبود؟ چرا اثر نمیکرد؟ این چندروزه‌چه چیزی اتفاق افتاده که یکباره در تهران همان‌چیزی را فریادمیزنند که در کردستان، که در خراسان، که در خوزستان، که درهمه جای ایران ۱ ساله روشن است و هر چند مکرر گفته‌ایم، امامتاسفانه‌ازاین عالی از فایده نیست کهوحدت احتیاج به یک سنای عینی و حقیقی دارد، باحرف و شعار وحدت حاصل نمیشود، دیدیم که چگونه‌وقتی دانشجویان پیرو خط امام در جهت اصیل و درست انقلاب، دست به‌اقدام‌زدند، پایشتیبانی و حمایت وسیع و پرشور توده‌های مردم مواجه گشتند. این نه یک تصادف و اتفاقی است و نه یک‌شور وهیجان زود گذر توده‌ای! این پدیده ای دقیقاً قانونمند، اصیل وعمیق است و عاهد هستیم هر روز که میگذرد نه‌تنها شور مردم کاهش و سستی نمیگیرد، بلکه افزون و افزونتر میشود. آیا با این حمایت توده‌ای، اگر تا انتها خط اصلی، خط مبارزه ضدامپریالیستی، گم نشود، آیا جز فتح و پیروزی‌انتظار ما رامیکشد؟ رسیدگردن تضاد اصلی، وقرارگرفتن در راهحل آن، شناختن دشمن اصلی و جمع کردن نیروها برای مقابله‌با آن، لزوماً "به پیروزی می‌انجامد.

این قانون‌است! همچنانکه اگرراه شناخته‌نشود، هرچه پیش برویم و هر قدر انرژی تصرف کنیم، جز به‌وادی گمراهی به جائی راه نخواهیم گشود. این قانون عام را حضرت علی در نهج‌البلاغه بدین نحو بیان میفرماید که: من سلک طریق الواضح وردالماء" من خالف وقع فی‌التیه" آن کس که راهواضح و روشن اصلی را بپیماید حتما بآب و آبادانی و حیات خواهد رسید و آن کس که از این راه روی بتابد و بیراهه برودهم‌حتماً در بیابان‌سرگردان و گمراه خواهد شد.

انحراف ازاین راه هم انقلابی نبود

این‌که بعد از شاه نوبت‌امریکاست حقیقت روشن و واضحی بود. واگرارطی این طریق واضح بدنی غفلت شد می هیچ تردیدی دست امپریالیسم امریکا و دست ایادی داخلی آن‌در کار بود، همان کسانی که از قتل رابطه با امپریالیسم است که حیات دارند، یعنی سرمایه‌داری وابسته، یعنی عوامل ساواک وبازماندگان رژیم شاه، باید به هوش باشیم. اینها میکوشند که این مبارزه را ازمسیر خود منحرف کنند و پایگاههای امپریالیسم را که‌عمل تعدیه شان است از دسترس خشم وکین مردم دور نگهدارند، به این خائنان و وطن فروشان جمع دیگری نیز افزوده‌خواهند گشت همانها که کشش مبارزه را ندارند، همانها که اگر مرحلهٔ قبلی انقلاب سر کمی بیشتر ادامه‌یافته بود صفشان را از صف خلق جدا میکردند، همانها که رهبر انقلاب هم بارها اشاره کرده‌اند که‌همیشه دم از سازش و کوتاه آمدن و ... میزدند.

همانها که فاش شدن محتوای ماهیت فرصت طلبانه‌شان را بدون سرعت مرحله‌اول‌انقلاب هستند. آری اینها طبعاً "نگران و مخالف اوج‌گیری مبارزهٔ ضد امریکائی هستند، اینها از همین حالا زمزمه شروع‌کرده‌اند که آخرش چه؟ با امریکا کهنمیشود‌درافتاد "بالاخره باید با گرفتن امتیازاتی قضیه را فیصله داد!" اگر امریکا بخواهد مداخلهٔ نظامی کند چطور می شود؟ اگر امریکا تصمیم به‌محاصره، اقتصادی ما بگیرد چه پیش خواهد‌آمد؟ و این توده‌ها هستند که با زبان رهبر انقلاب به همانوکران امریکا، سر - سپردگان امپریالیسم، خودباختهها و زبونها قاطع و استوار پاسخ میدهند.

"مانه‌از اقدام‌نظامی مسترسیم و نه از محاصرهٔ اقتصادی" و این را در عمل هم نشان میدهند. پنج روز روزه میگیرند، تا نشان بدهند دراین راهی که میدانند بسیار سخت ودشوار است، خود را برای گرسنگی کشیدن، برای یک وعده در روز غذا خوردن و... از این بالاتر برای جنگیدن و شهید شدن آماده‌کرده‌اند، شهادت سنت اسلام و سنت تشیع سرخ علوی است و ما تاکید بر این سنت مقدس بود که در مقابل رژیم خونخوار پهلوی پیروز شدیم.

متوقف ماندن مبارزه ضدامپریالیستی درحد حرف وشعار خطری دیگر!

درمقابل یک خطر دیگر نیز باید هشیاری خود را حفظ کنیم و آن می‌محتوا شدن این مبارزه است، یعنی اینکه مبارزه در حدشعار و حرف باقی بماند و وارد میدان عمل نشود. امپر- یالیسم از حرف و فحش و دشنام نمی- ترسد، رژیمهای دست نشانده‌ای می- شناسیم که خود امریکا آنها را واداشته که به امپریالیسم و به امریکا دشنام دهند و حمله کنند، حملاتی که فقط به لفظ و تبلیغات محدود است وهیچ ضربه‌ای به منافع مادی وواقعی امریکا وارد نمی‌آورد، باید بهوش بود که مبارزهٔ ضد امپریالیستی ما بدین سر- نوشت دچار نشود. باید مبارزه را به میدان عمل کشاند وضربه زدن به‌منافع همگنده خصم را آغازکرد، این میدانی است که بنظر میرسد دشمن زودتر از ما درآن قدم گذاشته است. منع خرید نفت و توقیف ثروتهای دولت ایران و اخراج ایرانیان از جمله اقدامات‌دشمن امپریالیست است، و آیا حالا دیگر هیچ عذری برای مقامات مسئول در مورد مصادرهٔ کلیهٔ سرمایه‌های امریکا و اخراج همهٔ مستشاران و امریکائیانی که جاسوسی حرفه و تخصص اطمینان‌است و افشای افراد شبکه سیا و سرسپردگان ایرانی امریکا، ولغوهمهٔ قراردادها و مناسبات ظالمانه‌اقتصادی، نظامی و... وجود دارد؟ و آیا جز از این طریق جواب در خور وشایسته‌ای به خروش مقدس ضدامپریالیستی خلقمان میتوان داد؟!

* * *

تعاونوا علی البر والتقوی

هموطنان زلزله‌زده رادریابید

از کلیه کسانی که‌قصد کمک به اهالی‌زلزله زده منطقه قائنات را دارند با تصریح در فیش ارسالی (برای کمک به‌زلزله زدگان قائنات) کمکهای خود را به شماره حساب "۱۳۰۰" بانک صادرات شعبه ۴۵۹ واقع در پیچ شمیران واریز، وحواله آن را به صندوق پستی تهران ۱۶- شماره ۶۲/۹۱۸ یا تهران ۱۶ شماره ۱۳۲۵/۶۳ ارسال دارند

آیا ارتش حصارهای زمان طاغوت را درهم خواهد شکست؟

درکلیهٔ ارتشهای امپریالیستی و مزدور، نظامیان از حق شرکت درفعالیتهای سیاسی محرومند.

ارتش بایستی درحراست وحمایت ازمردم بی پناه و مستضعف جامعه بسیج شود تارسالت خودرادرساختن میهنی آزاد، آباد وخالی از استثمارا یفاکند

یکی ازارزنده ترین دستاوردهای انقلاب ما ، ویکی ازبن بستهایی که در جریان قیام قهرمانانه خلق ماشکست، شکاف افتادن بر دزی مستحکم بنام ارتش بود . حماری که شکست آن بی گفتگوئی ازاصلی ترین عوامل سقوط دیکتاتوری بود .

از همان هنگام که پیوستن سربازان وارتشیان مبارز به صفوف مردم آغازیدن گرفت ، چشم انداز پیروزی ،حداقل درموارنخستین مبارزه نیزدرافق دیدنمایان شد . چراکه عمده‌ترین نکته گاه ساه ارتش بود . هنوزخوب بیادداریم ،شرکت‌نظامیان باانونفورم درتظاهرات چه ولوله‌ای برپاکردوچه‌تاثیرشگفتی برمردم داشت وچه‌مدوحاتمزرزیم درصدد حلوگیری و وارونه جلوه‌دادن این امر برآمد . شبانه‌ها واعلامیه‌های سربازان دلیر ارتش ،اعتصاب عدا ،زندان رفتن‌ها وکارشکنی های پرسنل دلیرنیروی‌هوائی، احکام اعدامی که برای آنها صادر شد (وبعدها مدارک آن که توسط سمبارزیعنی مقدوم امضاء شده‌بودبه دست آمد) ،که همه‌حکایت ازشکاف افتادن و تجزیهٔ صفوف وپیوستن پرسنل مبارزارتش به مردم داشت ، پست رژیم رابه لرزه درآورد . مطمئنا این امریکی ارمیم‌ترین پارامترها در عقب نشینی امپریالیسم وطرح‌ها و برنامه های بعدی وی بود .

ازطرف دیگرحمایت جانانه‌ای که مردم از این حرکت حزوار پرسنل مبارز ارتش مینمودند ، از فراموش شدنی‌ترین یادگارهای قیام سال گذشته است . نخوبی میادداریم ،در نظاهراتی که به مناسبت پنتیهائی باشد بخست وبرپای بارگاه درخیابان آبرنیا وبرپاشده‌بودچندسرباز لباس سربازی ارتش بیرون آوردندوبه میان مردم رفتند . هنوزروزنامه های آنروز پر از اخبار مربوط به این پیوستن شکوهمندانه‌پس ازآن نیز ، پرسنل دلیرنیروی هوایی بهمراه برادران سربازوخلق‌ما درکنارنیروهای انقلابی حماسه ۲۱ بهمن را آفریدند . شعار آنروزچنین بود : پرسنل هوایی ، ارتش ملی ما ؟ . . . .

بدین ترتیب معرفت که ایجاد ارتشی مردمی تحقق عینی یابد ، و دره عمیقی که توسط رژیم شاه بین ارتش ومردم ایجادشده‌بود ،پرشده‌و اربین برود .

ارتش چگونه ازمردم جدامشود؟

در نسبت بدوا "به این مسئله بپردازیم که چراوچگونه این دیوار ضخیم وفاصله عظیم بین ارتش‌ومردم ایجادمی‌شود .طبقات حاکمه ، برای کشتن رابطه بین ارتش ومردم، تمام سعی‌وتلاش خودرامبذول‌میدارند چراکه بالمآل این ارتش بیاید برای سرکوب خلق بکارآید . این امر نیز ممکن نیست جز با قطع کلیهٔ پیوندهای‌میان آنهاوتوده‌های مردم ، ارتش درسیستم ضد مردمی گذشته راهی این چنین را می پیمود. بدین ترتیب ماشین نظامی شاه با بلعیدن قسمت اعظم درآمد ملی و بودجه سالانه،تبدیل به غولی شده بودکه مانق آمدن‌برآن‌امری‌غیرممکن می‌نمود .درطی تمام این سالها برای حصول این نتیجه فعالیت دامنه‌داری درجریان بود . پرسنل ارتش ازتمام فعالیتهای اجتماعی و سیاسی بدورنگهداشته میشدند . این رسمی درکلیه ارتش های امپریالیستی ومزدوراست که نظامیان ازحق شرکت درفعالیتهای سیاسی محرومند .هیچ کس حق مطالعه نداشت ، و به کلیهٔ تیموهای ممکن درجلوگیری ازاین امر کوشش بعمل‌میآمد .ازبرکردن ساعات کار و برنامه ، با بیگاری وتفریحات مبتذل گرفته تاکنترل دقیق شوط ضد اطلاعات . درروابطی که براساس سلسله مراتب و اطاعت کورکورانه پایه ریزی شده بود ، هیچکس حق کوچکترین اظهارنظری نداشت .مشار وتبعیض واختناق به شدیدترین شکل خودحاکم بود .خلاصه‌زندگی فردی که وارد این سیستم می‌شد ،ازصبحتا شام ،وازبدو ورودش تا آنهنگام که پای از ارتش بیرون میگذاشت ،با برنامه ریزی کاملا "معین وحساب شده" هدایت وسیری میشد ،بدون اشراق بایدگفت ارتشیان در حصارآهنینی قرار داشتند که هیچگونه تخلف و گریزی از آن متصورنبود .ازهمین رو افرادی نظیر سرگردمحتی هاکه این حصار رانشکستند ،همواره چون ستاره‌ای، بزنارک انقلاب خلق ،بعنوان‌پیشتاز پرسنل مبارز ارتش خواهند درخشید. درتوصیف این دیوار ضخیم‌که بین خلق وارتش کشیده شده بود ،همین بس که رژیم توانست ، ارتشی رادر

بسرایر مبارزان میهن تحت‌عنوان خرابکار ، تروریست‌وماکسیست اسلامی مسلح کند‌و بعدها نیز چون سدی ازحرکت خروشان توده‌ها جلوگیرد .

البته تطمیع و پرداخت حقوقهای گزاف نیزجای خاص خود را داشت . رفاه وتجملی که درازای فقر ومحرومیت توده‌های‌مردم نصیب افسران ارتش‌وامرامیدند ،درحداکردن این سیستم ازمردم ،وهرچه‌بیگانه‌تر کردن آنها سهمی بسزا داشت .کافی است مقایسه‌ای سود ، بین مزایاو حقوقهای مثلا " ۵ هزارتومانی یک افسر ارتش ،با درآمدناچیز یک کارگر ساده ، تازه پس ازپایان خدمت نیز ، برای اینکه این مهره‌های ساخته شده رابدورنریزند ،آنهارادرکارخانجات و مؤسسات و . . . . . با تشکیل ادارات حفاظت ،بصورت‌سیستم های پلیسی کاوآمد ،بکارمیگرفتند .

بدین ترتیب یک نیروی عظیم چندصدهزارنفری که هیچگونه نقشی درتولیدجامعه‌نداشت ،بروش یافته ودرمقابل مردم قرارمیگرفت تا راه رابرای تاراج دسترنج این خلق ستم زده هموارسازدودخلق رابخاک‌وخون بکشند‌ای مطابق خواست و برنامه های امپریالیسم ، بیستمی بوجودمیآمدکه حتی برادر ، برادر خویش راتاج کلوله‌های خویش قرار میدهد .

نمونه‌های تاریخی.

درتاریخ مبارزات خلق ها و انقلابهای بزرگ جهان نمونه های متعددی ازبوجود آمدن ارتش های مردمی که چون بازویی قدرتمند به حمایت ازخلق برخاسته‌اند ، میتوان یافت . ولی بدون شک ، ارتش های صدر اسلام بعنوان نمونه‌وتجسم عینی و والای اینگونه ارتش‌ها ،ازاصیلترین این نمونه‌هاست .

مشخصترین ویژگی ارتش های صدراسلام این است که اساسا "هیچ گونه حدومرزوبالنتیجه حایلی بین مردم وارتش وجودنداشت، به عبارت دیگردرصورت لزوم همهٔ مسلمانان سپاهی‌بودندوبالعکس‌بدین ترتیب دستگاه عریض و طویلی که بدون داشتن کوچکترین نقش و سهمی در حیات تولیدی‌جامعه رقیب‌زحمتکشان ارتزاق کند ، وجود نداشت . زندگی پیامبر و علی (ع) ،بعنوان فرمانده بزرگ نیروهای اسلامی بهترین نمونه وسرمشق است .مشهوراست که پیامبر آنچنان میزیست و درمیین مسلمانان نشست وبرخاست میکردکه شناختن اوبرای یک تازه وارد غیر ممکن بود . وی همواره این جمله راتکرارمیکردکه "إنّ اللهَ نَکرمَنی عَبْدٌ إن یَرانی مَعَ أصحابه" .

"خداونددوست ندارد‌که بنده اش از اصحاب ودوستانش ممتاز وجداباشد" .

نگرعلی نبودکه همانند دیگر افراد جامعه کارمیکرد ، فقاتمی‌ساخت ،نخل می‌کاشت وآب می‌کشیدودرکنارپک‌مرد ساده به‌پای‌میرمحاکمه کشیدمیشد ؟ حتی سربسرکودکان میگذاشت‌وبآنها

یک ارتش عظیم چندصدهزارنفری ،که‌هیچگونه نقشی در تولیدوسازندگی جامعه نداشت ،درمقابل مردم قرارگرفت؛ تا راه‌را برای تاراج دسترنج این خلق ستم زده هموارنماید.

باری میکرد . وعندالزوم‌همراه بقیه به جنگ می پرداخت.هنگامیکه‌ازشهر ایمارمی‌گذشت ومردم بعنوان احترام اراسبها پیاده شده ودرپیش رکابش میدویدند ،خشمگین شده وگفت ، "واللهِ لاتتبَعنی بِهذا"مَراوَکم ، وانکم لَتشقّون علیَ انفُسکم فی دُنیاکم و تشقون بهمی آخرتکم" "بخداسوگندحکمرانان شما ازاین شیوه سودنمیبرندوشماخود را در دنیایان برنج ودرآخرتنان به بدبختی دچار میسازید" (کلام ۳۶ نهج البلاغه) خلاصهٔ کلام اینکه تاثیر عامل ایدئولوژی چه درنوع روابط داخلی لشکریان اسلام و چه در رابطه آنها باتوده ها ،مهمترین وجه تمایز ارتش های جدای از مردم است .

درتاریخ‌اخیر خودمان نیزشاهد بوجودآمدن‌ارتش‌محافظ‌وحق ستان توده‌ها ،درجریان انقلاب مشروطه ، باامات رورابطی کاملا "مردمی‌هستیم ، های گرفتن افرادی نظیر ستارخان درصدرانقلاب که دلاد وفروشنده اسب بودوحتی ازنعمت نشستن پای کلاس درس معلم وآخوندنیز محروم بود ، نشانده‌ده‌ٔبوجود آمدن تنها ارتشی است‌کمیتواند‌دربرابراستبداد واستعمارایستادگی ومقابله‌کند ، تاریخ بروشنی نشان داده است‌که‌نوچه‌خلق بدان میپاوشند است نه "دوله"ها و "سلطه"ها و نه نشان وقیه وستاره و پونس های واکس زده ، بلکه افرادی است ،ساده‌وبابایمان وپاکبازوعاشق مردم که خودراوقف قیام‌خلق‌کنند .

تنهادرسایه روابط برادرانه با زحمتکشان ومحرومین جامعه،ارتش می‌تواند مناسبات توحیدی درون خودرابوجودآورد.

برای سوقرارساختن رابطهای نو ،بین‌ارتش ومردم ، باید به دنبال راه‌حل‌هایی عملی گشت . و این مسئلهم تعیراتی بنیادی در سیستم ارتش‌که شناخت ،تنها درصورت‌تاثیر پذیرفتن از روابط ومناسبات نزدیک وبرادرانه بازحمتکشان و محرومین جامعه ،ارتش میتواندمناسباتی واقعا توحیدی در درون خودبوجودآورد . ونقش‌ورسالت خودرادربوجودآوردن میهنی آزادوآبادوخالی ازاستثمار و درحراست وحمایت ازمردم محروم وبی پناه ومستضعف ،ایفا نماید .در غیرانصورت همانگونه که هنوز هم شاهدیم آدعاهایی ازقبیل " خراب کردن خانه بر سر هر کسی که از دستورات سرپیچی‌کند" وجودخواهد داشت .

بنابراین‌تنهابا :

۱ـ شرکت فعالانه ارتش در زندگی تولیدی جامعه ، بهمراه مستضعفین .

۲ـ سهیم شدن درفعالیتهای اجتماعی ، بمنظورارتقاء دانش‌سیاسی وایدئولوژیک پرسنل ،برای جلوگیری ازعواقب‌وبی میمنان سلاحت آینده ارتش و مردم و رابطه بین ایندو را تضمین کرد .

اگر نیروی عظیم و تجهیزات بیکران ارتش در زندگی اقتصادی جامعه بکارگرفته شود ،نه تنهابسیاری ازمسائل امروزی که‌درواه‌رفع‌وابستگی ما قرار دارند ، برطرف خواهند شد بلکه خود ارتش نیز میتوانبدانستحاله ماهیت‌خودوپیوستن به‌دریای‌بیکران‌خلق وافتادن‌تبدیل‌به‌دزمستحکم و پناهگاهی برای توده ها دربرابرامپریالیستها باشد .

ازطرف‌دیگرنه‌تنهانباید‌پرسنل راازشرکت در فعالیت های اجتماعی بازداشت ، بلکه دقیقا "برای‌مستحکم کردن پیوندبین توده مردم‌و ارتش ، بطور خودارتشی‌بایستی‌مشارکتی فعال درخواستهای سیاسی واجتماعی مردم داشته‌باشند .

سوال مجاهدین خلق ازشورای انقلاب

دربارهٔ

علل تأخیردرحل مسألهٔ گروگانها و قطع رابطه ووابستگی به آمریکا

بنام خدا

و

بنام خلق قهرمان ایران

چنانکه استحضار دارید خروش ضدامپریالیستی خلق قهرمان ما بالا گرفته ، واغلب نقاط کشور بمنظور نشان دادن آمادگی درقبال هرگونه تهدید استعماری درروزه فرو رفته است .

درهمین حال امپریالیستهای آمریکائی ازیکطرف خود پیشقدم قطع واردات نفتی‌شان از ایران شده، وازطرف دیگر تبلیغات ضدایرانی بسیار وقیحانه و مودیانه‌ای را درسراسر جهان دامن‌میزنند .

بدیهی است که ازجهانخواران گرگ صفت‌و روباه منش علی‌الاصول هیچ عمل واقدام ضدخیری مخفی یاآشکار (اعم ازتبلیغاتی یا سیاسی و اقتصادی و نظامی) بعید وغیر منتظره نیست ، کما اینکه اکنون مسألهٔ گروگانها را درسطح جهانی بدست آویزی علیه ایران وشخص رهبری آن تبدیل‌نموده‌اند .

لیکن تعجب ما ازعدم تسریع آن شوراد‌رحل وفصل قاطع وانقلابی مسأله است ، به این معناکه باتوجه به مسئولیت شورای انقلاب درقبال کلیهٔ امور و نیز تأکیدات امام مبنی برنفی هرگونه مسامحه ومذاکره ومصالحه‌ٔ سازشکارانه از طرف هرمقامی ، و همچنین باتوجه به این اصل که از روزاول آشکار بودکه نباید مسأله را دراستردادِ شاه خلاصه کرد ، واینکه درست به همین دلیل همهٔ نیروهای انقلابی نیز قطع ارتباط وقطع وابستگی باآمریکا رابه شورای انقلاب پیشنهاد کردند . . . . . .

اکنون این سؤال پیش‌می‌آید که‌دلایل تأخیر درقطع رابطه باآمریکا والغاء قانونی ورسمی همهٔ وابستگی‌ها وقراردادهای ننگین درچیست؟تأخیری که چه‌بسا با اقدامات وتوطئه‌چینی‌های مزدوران آمریکا متجربه لوث شدن ومنحرف شدن حرکت‌شکوهمند ضدامپریالیستی درانظار جهانیان گردد . بویژه اینکه هیچگونه آسیبی برگروگانهادراین چشم‌انداز مجاز نیست .

آیا انتظار میرود که آمریکا توبه کرده، وبه‌مصراط مستقیم بازگردد؟ویاکمان میفرمایند که استمرار تبلیغات ضدایرانی برسرمسألهٔ گروگانها ، فاقد هرگونه تأثیر بین‌المللی است؟ وشاید هم کثرت گرفتاریها وتعدد مشاغل مانع رسیدگی‌های مبرم شده‌است؟ این بود که تصمیم گرفتیم طی تذکاریه‌ٔ حاضر نظر شورا را به صورت لغو وقطع کلیهٔ قراردادها ووابستگی‌ها وروابط باآمریکا جلب نموده ، تقاضا کنیم که انشاءالله هرگونه تأخیر وتعللی هم‌درکار باشد تاخاتمهٔ روزهٔ ضدامپریالیستی حاضر پایان یابد . طبیعی است باچنین اقدامی شورای انقلاب می‌تواند به‌بهترین صورت به مسألهٔ گروگانها خاتمه‌دهد .

بااحترام

مجاهدین خلق ایران

۵۸/آبان/۲۳

گزارش ازمجلس خبرگان، ونظر برخی ازنمایندگان راجع به"نقش زن" درجامعه

چه شدکه اصلاً نامی از"زن" درهمهٔ دوران اسلامی نبود؟!!

آقای صدوقی : . . . . . آیا به گوش‌یکی از شماهاخوردکه‌یکنفر زن‌دریکی‌ازاین غزوات شرکت کرده ، یا این شهرهائی که‌حاکم میفرستادند ، واگر بگویند که ، یک نفر زن فرستاده باشند. یا یک سرلشکری را آیا شنیده‌اید که زن قرار بدهند ، و گفته باشند که برو فلان جا را سرپرستی کن و امیر سپاه باش ؟ ما هرگز در تاریخ ندیده‌ایم ، هیچ تاریخی نشان نمیدهد . واگر بگوید که قابلیت و صلاحیت برایشان‌نموده ،این هم اشتباه است . زنهائی بودند در صدر اسلام ، در دوران خلفا ، بعد ،بعده بعد ، که اینها تمام صلاحیت ها را داشتند . واگرکسی بگوید یکی از اینها صلاحیتش از بعضی ازاین‌امرای لشکر وامرای سپاه آن دوره‌کمتر بود ، گزاف گفته است . خوله خواهر ضرارهمینطور که ضرار در جنگها شهامت داشت و شجاعت داشت ، ویک حمله ۲۰۰نفر راکشت ، دید یک نفر هم‌دوش‌بدوش دارد میجنگد . نگاه کرد دید خوله خواهرش میباشد . همانطور که ضرار آن روز ۲۰۰ نفر را بخاک رسانده بود ، خوله هم ۲۰۰ نفر را بخاک رسانده بود. چه این زنهای بزرگ و شجاع و از هر جهت کاملی ، چه شد که نه در زمان رسول خدا وچه در دوران خلفا و نه در دوره عباسی و نه در هیچ دوره‌ای هیچوقت نشد که در هیچ جنگی و غزوه‌ای ببینیم زنها مأمور کرده باشند که تو فلان جا برو و فاتح باش و سرپرستی داشته باش و حاکم فلان جا بشو؟ . . . . یکی از رفقا میگفت همانطور که زن میتواند ولی مشیرش بشود ، پس میتواند رئیس جمهور هم بشود . حالا این چه‌حسابی است ، چون زن میتواند بچه را باز بکند و پاکش بکند ، و از کثافت برکنارش بکند و پستان در دهانش‌بکند ، پس میتواند رئیس جمهور بشود یا نخست وزیر . من گمان نمیکنم که این‌قیاس ، قیاس صحیحی باشد . شما را بخدا کار را بر رهبر دشوار نکنید ، و زحمت برای او ندهید . وبعلاوه هنوز مردها کار ندارند و بیشترشان بیکار هستند ، حالا بیائید و فرمانداری به زن‌بدهید . چطور شده آقای محترم از اولی که عشت دنیا را بر پا گذاشتند اینهمه ساختمان و این همه قنات ، اینهمه اختراعات تمامش به دست مرد بوده . . . .

درحدود ۲۴ هزار قنات در یزد وجود دارد آقا کلنگ کدامیک ازاین قناتها را زن زده است . کدامیک از این ساختمان ها را زن درست کرده ؟حالا چطور شد که پشت میز نشستن را حق داشته باشند ،ولی کار- های سنگین‌را حق نداشته باشند ؟ یعنی چه ؟ اگر میخواهند دوش‌بدوش ما کارکنند بیایند همراه مابنائی کنند ، و همراه‌ما قنات درست کنند ، و همراه ما کارهای دیگری بکنند . چطورکارهای سنگین برای ماست ، ولی نشستن پشت میز از آن‌آنها باشد .

- حالا آمدید یکی از این زنهای شایسته کامل را بمقام رئیس جمهوری یا نخست وزیری منصوبشان کردید ،یک روز صبح میرویم و میبینیم که‌نخست ـ وزیری تعطیل است چرا ؟ برای اینکه دیشب خانم رایحاری کردند اینها برای ما ننگ وعار است .

یعنی چه؟ شما را بخدا این را جرو قانون نیاورید . و چون‌همه‌تان اعتراضتان بمن‌هست دیگر مطالبم را خاتمه میدهم . . . .

بقیه‌درصفحه ۸

درآفریقاهرکجاکه توطئه‌ای علیه خلقهاباشدآمریکاوسیاهها نجاست

هرجا که ثروت برای غارت ومنابعی برای چپاول هست امپریالیسم نیز حضور دارد ، افریقا این قاره‌ٔ زرخیز نیز بنا براین‌از دیرباز عرصه‌ٔ تاخت وتاز امپریالیستها است ،بعد از جنگ دوم امپریالیستهای امریکائی شریک غارت قدرتهای اروپائی شدند و منافع هنگفتی درقاره‌ٔ سیاه بهم‌زدند ، درافریقا هم پشت بسیاری ازفعل وانفعالات سیاسی ـ نظامی دستهای امریکا و سیا پیداست .

ادامهٔ حیات ضدبشری ترین رژیم دنیا یعنی رژیم نژاد پرست افریقای جنوبی تنها با حمایت مؤثر امریکا ممکن شده‌است . و همینطور رژیم رودزیا ، مصر ، مراکش و . . . .

ولی شاید جنگیترین دخالت تجاوز کارانهٔ امریکا در افریقا را بتوان ماجرای کنگو به حساب آورد : کنگو مستعمرهٔ بلژیک بود ، و پس از جنگ جهانی دوم ملت کنگو هم مثل سایر ملل برای بدست آوردن آزادی بپاخاست وبلژیک بعد ازجنگ چون به‌تنهائی قادر به بلعیدن همهٔ منابع نبود امریکائیان راشریک گرفت وبه‌این ترتیب پای امریکا به کنگو باز شد ، کنگو استقلال می یابد و لومومبا رهبر کنگو سیاست مستقل و بیطرفانه خود را اعلام میدارد . طبعا " این سیاست به‌مذاق امپریالیستها خوش‌آیند نیست . به اینجهت علیه لومومبا توطئه میکنند وتصمیم به جدا کردن کاتانگا استان جنوبی زرخیز کشور بوسیله یکی ازمزدوران خود بنام "موسی‌چومبه" میگیرند . درکنگو فرانسویها ، بلژیکیها و امریکائیها حضور داشتند . خط امریکا راعلاوه‌بر مزدوران ، سربازان سازمان ملل پیش می‌راندند (این اولین باری نبود که سازمان ملل متحد به آلت تجاوز امپریالیسم آمریکا تبدیل شده بود !) و بالاخره در اثر توطئه‌های جنایتکارانه شان کمبه وسیله سیا رهبری میشد ، لومومبا رهبر ملی مردم کنگو به فجیع‌ترین وضعی به قتل‌رسید ، وکنگو به حلقوم امپریالیستها غلطید .

آمریکا بادست اسرائیل شب‌وروز خلق فلسطین راگلوله‌باران می‌کند

منافع نفتی آمریکا فقیر استبداد را برمردمی که صاحب عظیم‌ترین ثروتها هستند تحمیل گرده‌است ، و منحط ترین و فاسدترین حکومتها را امپریالیسم امریکا زیر چتر حمایت خود گرفته است . همچنانکه شاه رابه همین‌ترتیب بر مردم‌ایران مسلط کرده بود . و همینه با حکومتهای ملی و مردمی از در ستیز و دشمنی در آمده‌است که باز نمونه‌اش کودتا برای سرنگونی حکومت دکتر مصدق بود .

و درخاورمیانهٔ عربی است که آمریکا برای سرکوب حلقهای عرب و مقابله با شور استقلال خواهی اعراب نوزاد نامشروعی بنام اسرائیل را در جنایتهایش علیه مردم منطقه یاری و حمایت میکند . و درحقیقت این امریکا است که با دست اسرائیل اکنون شب و روز برخلق قهرمان فلسطین‌و بر خلق لبنان آتش و گلوله می‌بارد . واین حرص و آز پایان ناپذیر امپریالیسم است که تاکنون سه جنگ عمده وجنگهای مستمر کنونی را به قیمت جان دهها هزار نفر و آوارگی میلیونها نفر بر مردم این منطقه تحمیل کرده‌است .

درآسیای‌جنوب‌شرقی

درجنوب شرقی آسیا ، از اندونزی و مالزی گرفته تا تایلند و کامبوج و لائوس و فیلی پین و ویتنام . . . همه‌جای این سرزمین پهناور چاک چاک ستم بیحد و جنایات فوق العاده امپریالیسم امریکاست .

"سیا" در اندونزی متعاقب یک‌کشتار یک میلیونی و سرنگون کردن حکومت ملی "سوکارنو" ژنرالهای دست نشانده خود را بر سرکار آورد .

و در تایلند به حضور دراز مدت یک رژیم دست نشانده قانع نشد ، و برای مستحکم تر کردن موقعیت خود دست‌به‌قتل‌عام عناصروافرادمترقی بنام کمونیست‌زد ، و نظامیهای فاسد وسر- سپرده ، خود را برگردهٔ مردم سوارکرد. درفیلی پین سالهاست کمیک رژیم دیکتاتور و فاسد وابسته به آمریکا ،خلق فیلی‌پین بخصوص انقلابیون مسلمان را مورد تهاجم و قتل عام قرار داده‌است .

لائوس همسایهٔ ویتنام سالها در لهیب آتش مهیبی که‌آمریکا در ویتنام افروخته بود سوخت . تنها دراثر بمبارانهای هوائی آمریکا ۶۰۰ هزارنفر خانمان خود را ازدست دادند . وضع دیگر کشورهای مجاور ویتنام کم و بیش شبیه سرنوشت لائوس بود ، مانند کامبوج . که البته این دوکشور نیز پس از پیروزی عظیمی که خلق ویتنام علیه آمریکا بدست آورد ، توانستند خود را ازقید امپریالیسم آمریکا برهانند .

جنگ ویتنام کثیف‌ترین جنگی بودکه "آمریکا"و"سیا"برخلق محروم آن منطقه تحمیل‌کردند

و اما ویتنام بود که‌چهرهٔ واقعی امپریالیسم درنده خوی امریکا را آنچنان‌که هست به جهانیان نمایاند . موفقیت ابتدائی هر تجاوز کاری در وهلهٔ اول مرهون ناشناخته ماندنش می باشد ، و پیشروی سریع امپریالیسم آمریکا و عقب رندن رقبای اروپائیش تا حدودی بسبب همین امر بود ، این خلق قهرمان ویتنام بود که نقاب را کاملا "از چهرهٔ این دیو زشت کنارزد. جنایات آمریکا در جنگ ویتنام حتی امریکائیانی رانیز که نظام مصرفی سرمایه داری مغزشان را پوسانده بود بیدار کرد ، ودر مورد ماهیت‌نظام حاکم برکشورشان به تردید وتأمل واداشت ! خلق گبیر ویتنام هم به جهت رسوا کردن امپریالیسم و هم به جهت آنکه زخمهای عمیق و کاری بر پیکر این غول زدند هم بلحاظ تجربه- های گرانبهائی که برگنجینهٔ تجربیات مبارزات خلقها علیه امپریالیسم افزو- دند ، حق عظیمی برگردن همهٔ‌خلق- های جهان دارد .

این‌جنگ عظیم ترین‌وکثیف‌ترین جنگی بود که از سوی بزرگترین قدرت نظامی ـ اقتصادی جهان بر یک خلق محروم تحمیل شد ، و خلقی که صور از زیر بار یک جنگ طاقت فرسا علیه استعمار فرانسه کمر راست نکرده‌بود ، قریب دومیلیون کشته و شاید چندبرابر این مجروح ومعلول و بیمار تقدیم انقلاب خود کرد . ولی کجا این آمار و ارقام میتواند ابعاد جنایات وحشتناک و ابعاد رنجهای طاقت فرسایی راکه‌این مردم‌قهرمان تحمل گردند نشان دهد . تنها به ذکر چند نمونه از آنها اشاره

بقیه‌درصفحه ۱۱

هشداری پیرامون چپ روی و چپ نمایی (۳)

ما امروز شاهد روحیات آنارشیستی و هرج و مرج طلبانه‌ای هستیم که چپ نمایان در صحنهٔ سیاست روز از خود بروز میدهند

از این شلوغ بازی های بی رویه و درهم ریختن اوضاع بهر عنوان و بهر بهانه، که در بسیاری موارد به دستاویز جستن راستگرایان منتهی میشود: انقلاب ایران را حاصلی نخواهد بود.

خواهد ماند و "اپورتونیسم مادفانه" هم شاید از انواع دیگر آن خطرناکتر باشد.

و ما برای آنها که کوته بینانه فکر میکنند با تبلیغ تهاجم مسلحانه در کردستان، و موعظهٔ جهاد مسلح بر علیه بقول خودشان "رژیم خمینی" موفقیتی حاصل نموده‌اند، اضافه میکنیم که: "گمان ندارید که مسألهٔ کردستان ـ با این سابقه‌ای که ایجاد شد ـ به این زودی ها حاصل شدنی است. دست ـ اندرکاران شناخته شده، بنابه طینت فکری و سرشت طبقاتی شان هرگز چنین توانائی ندارند. از اینرو با جدیت تمام میتوان گفت که کشتار و تهاجم در کردستان، سرانجام ونهایتاً" هیچ موفقیتی جز برای امپریالیسم نداشته و ندارد."

روی سخن ما بخصوص با کسانی است که بدون دادن حتی یک کشته زنت جنگی میگیرند و میان تهی بر ما (مجاهدین) لاف میزنند و مینویسند: "اگر پروژه ارتجاع در کردستان بخاک نمالیده، واگر تلاشهای افشاگرانه کمونیستها و دفاعشان از آرمانهای خلق کرد نبود، چه بسا امروز این نامه را هم (نامهٔ مجاهدین به امام) نمیتوانستند به محضر امام بنویسند..."

و ما بدون اینکه بخواهیم در قبال سنتزی کسانیکه با برچسب "سازش" حتی یک نامه نوشتن ما را نیز مرهون اقدامات متمتع خود میدانند لب به اعتراض بگشائیم، بدون اینکه بخواهیم برنوکیسه‌گی نوآموزانی خرده بگیریم که هنوز در الفبای مارکسیسم درجا می‌زنند، و قدری آنطرفتر از نوک بینی‌شان را هم نمیتوانند ببینند، و بدون اینکه متذکر گردیم. که حالا دیگر در مازتجربه حکومت کنندگان مردمها هم لب به سخن گشوده‌اند... و بدون اینکه بیاد آقایان بیاوریم که ما یک هفته پس از قیام، درست در قلهٔ روزهای اوج بود که ماحد فاصل های قاطع خود را (البته بدون سوء تفاهم!) ترسیم نمودیم، فقط به عرض ایشان میرسانیم که:

"آیا به راستی فکر میکنید مسألهٔ کردستان خاتمه یافته، و پروژهٔ ارتجاع را بخاک مالیده اید، وانقلاب فرین توفیق گشته است؟ خیر آقایان، شما گرچه پیوسته لنین را تجوا میکنید، اما درعمل پیرو تروتسکی هستید. لیکن ما در جستن مناطق حساس و پیچیده‌ای اگر چه هیچ گناه سازشکارانهای مرتکب نشده ایم، اما به گفتهٔ کاسترو گناه کاستی را رکناً مرا دوری کمتر میدانیم."

مفهوم سازش

مهارت نشان ندادن در موقع لزوم، تاکتیک جدی یک طبقه انقلابی نیست، بلکه عمل بچگانهٔ روشنفکران است

در صدد نیستیم تا بحث تئوریک مفصلی را در مفهوم سازش و معانی مختلف آن آغاز کنیم. لیکن ذکر این نکته ضروری است که در نخستین دهه‌های قرن حاضر چپ های اروپائی ـ به ویژه در آلمان و انگلیس ـ با جدا کردن استراتژی از تاکتیک و ندیدن مطلق در نسبی، با هر انعطاف مرحله‌ای و مانور و ضد مانور سیاسی و نظامی با مارک "سازش" برخورد نموده، و هیچ مصالحه موقت و انعطافی را نیز "مادون" نمی شمردند. برخوردهای چپ روانه با مسئله "پرست لیتوفسک" و برنامهٔ "نپ" نیز از همین قبیل اند.

تا اینکه تجارب انقلابی ثابت نمود که برخوردهای آنچنانی تماماً" از عوارض و بیماریهای کودکی بوده‌اند. خلاصه به اثبات رسید که انعطاف نشان ندادن و یا بهتر بگوئیم مهارت نشان ندادن در موقع لزوم "... تا ـ کتیک جدی یک طبقهٔ انقلابی نیست، بلکه عمل بچگانهٔ روشنفکران است" (لنین)

بنابراین اگر تفاوت سازش (به معنی قربانی کردن منفعت طلبانه اصول) با برخوردهای چپ روانه و کودکانه باز شناخته شود، وآنگاه پس از جدا کردن قاطع مرزهای ایدئولوژیکی وسیاسی‌مان (چه از بورژوازی کوچک و چه از بورژوازی متوسط لیبرال)، در انتخاب اشکال مؤثرتر برخورد برآئیم، (که‌گاه الزاماً" منعطف تر هم میتواند باشد) آنوقت ما سؤال میکنیم که: چه در رابطه با مسألهٔ کردستان، وچه در رابطه با سایر مسائل، مجاهدین تا کنون کدام اصل و ترتیب رهائی بخش ضدامپریالیستی را مصلحت طلبانه با "مصلحت گرایانه" قربانی کرده، ویا بر سر آن حاضر به مسامله شده‌اند؟ اینجاست که بنظر ما چنانکه یک انقلابی مینویسد، اشکال در کسی است که "... بخواهد برای کارگران نسخه‌ای از خود اختراع کند که برای‌کلیهٔ موارد زندگی، تصمیمات قبلاً" حاضر وآماده‌ای را در برداشته باشد. با تضمین دهد که در سیاست پرولتاریای انقلابی هیچگونه دشواری و وضع پیچیده‌ای پیش نیاید. و برا باید صاف و ساده شارلاتان نامید..."

چه از تمایلات ضد امپریالیستی بورژوازی کوچک، وچه از تمایلات شبه دموکراتیک لیبرالها بایستی استفادهٔ انقلابی شود

بله مساله در اصل از ضعف بینش درقبال همین وضعیت پیچیدهٔ کنونی ما سرچشمه میگیرد. وضعیتی که درآن‌ـ منتهای هوشیاری در قبال ویژگی های ارتجاعی و نیز سست عنصری اردوگاه لیبرال، بایستی با نهایت استفادهٔ انقلابی، چه از تمایلات ضدامپریا‌ـ لیستی بورژوازی کوچک و چه از تمایلات شبه دمکراتیک لیبرالها برعلیه مر‌ـ تجعین، توام گردد. والبته کار هربز نیست خرمن کوفتن! و درست در همین نقطه است که چپ روها و چپ‌ـ نمایان بر سرما میرینند که، چرا همچون آنان یک سیاست یک بعدی خشک اندیشانه را دنبال نمی کنیم. حال آنکه به گفتهٔ همان انقلابی:

"... پیروزی بر دشمنی نیرو‌ـ مند تر از خود (برای آیران در درجهٔ اول امپریالیسم آمریکا) فقط درصورتی میسر است که به منتهی درجه نیرو بکار برده شود. و از هر شکافی بین دشمنان هرچند هم کوچک باشد، و از هرگونه تضاد منافع بین بورژوازی کشورهای مختلف و بین گروهها و انواع مختلف بورژوازی در داخل هریک از کشورها، ونیز از هر امکانی هر قدر هم که کوچک باشد، برای بدست آوردن متفق از میان توده ها، حتی موقت، مردد، ناپایدار، غیرقابل اعتماد و مشروط، حتماً" و باتمامیت دقت و مواظبت و احتیاط ماهرانه استفاده شود..."

"کسیکه طی یک مدت نسبتاً" طولانی دراوضاع و احوال سیاسی گو‌ـ ناگون قابلیت خود را دربکارستن این حقیقت عملاً" به ثبوت نرسانده باشد، هنوز باد نگرفته است که چگونه باید به طبقهٔ انقلابی در مبارزه‌اش به خاطر رهائی تمام مشربت زحمتکشان از قید استثمار گران کمک نمود. این مطلب بطور یکسانی هم بدوران قبل از تصرف قدرت سیاسی... مربوط است، وهم به دوران بعد از آن..."

حالا بگذار تا مدعیان ماهیچنان ارسطو وار بر منطق صوری خود اصرار ورزیده و از ما نیز بخواهند که چنان رفتار کنیم که گوئی سیستم موجود یک پارچه، تکه‌بعدی و بدون تضاد است همان مطلق بینی های اسکولاستیکی، آنهم در فضایای دنیای عینی ومحسوس تهاجم و اسلحه کشیدن به روی سیستم کنونی جز سود امپریالیسم نخواهد بود

اکنون به قلب انعقاد مدعیان نزدیک میشویم. از آنجا که آنها هیچ اصلی را نخواهند یافت که مجاهدین برسر آن سازش کرده و یامردد ومتزلزل باشند، جز این نمی‌ماند که چرا با آن لحن مؤدب و محترم نامه نگاشته‌ایم و یا چرا در برابر بقول آنها "رژیم خمینی" اسلحه نکشیده‌ایم!

حال آنکه تحلیل موقعیت های ارتکتیف در تمامیتشان ثابت میکند که تهاجم و اسلحه کشیدن به روی سیستم، جز به سود امپریالیسم نخواهد بود. وانگهی در مسالهٔ کردستان، خواستهٔ فوری و بلادرنگ و حیاتی تا خارج شدن از جنگ و غلبهٔ حل مسالمت‌آمیز و نفی جنگ افروزی امپریالیستی و ارتجاعی است. خواستهای که برای تحقق آن، لااقل تا آنجا که کلام ما میتواند اثر داشته باشد، حتی حاضریم "دامن" هم بپوشیم چه رسد به نحوه‌ٔ نگارش نامه آنهم به امام خمینی، و لابدآقایان بخاطر داوند کموفتی تروتسکی به دلیل اینکه‌آلمانها از او خواسته بودند لباس رسمی فراک بتن کرده و در کنفرانس صلح حضور یابد، میخواست از رفتن به کنفرانس خودداری ورزد، لنین به او تلگراف زد که حتی اگر لازم باشد" دامن" هم بپوش تا چه رسد به لباس رسمی دیپلماتیک!

پشتیبانی از امام خمینی در خطوط ضدامپریالیستی بسیار بسیار ضروری است

البته شما وهرکس دیگر برحسب عقاید خودش به هر انتقادی از "رژیم خمینی" آزاد است، و راستی هم که بدون این انتقادات و بحثهای متقابل فضای سیاسی ما سخت کدر و تیره خواهد ماند. لیکن لااقل برای منافع و عقاید خودتان این را فراموش نکنید که پشتیبانی از امام خمینی درخطوط ضد امپریالیستی بسیار بسیار ضروری است.

لیکن مدعی همچنان در نوشتهٔ خود با یاد بردن همهٔ عواطف و داوریهای توده‌ای موجود، منطق غلطی را به مجاهدین نسبت داده، وسپس چنانکه گوئی منطق مجاهدین همین است آن را "عاری از هرگونه پایهٔ علمی" خوانده است. اما ما بجای جواب دادن، از آنجا که بعید است حرفهای خود ما را بپذیرید از "لنین" برایتان نقل قول میکنیم:

"... ملم خواستار آنستکه:

اولا" ـ تجربه کشورهای دیگر در نظر گرفته شود. بخصوص اگر این کشورهای دیگر که اینها" سرمایه‌داری هستند، با تجربه‌ای بسیار شبیه به این روبرو باشند. یا اینکه چندی پیش آن را تجربه کرده باشند.

ثانیاً: تمام نیروها، گروهها، احزاب، طبقات و توده‌هائی که در داخل یک کشور فعالیت میکنند، در نظر گرفته شوند. و بهمچوجه سیاست بر اساس فقط تمایلات و نظریات و درجهٔ آگاهی و آمادگی مبارزهٔ یک گروه (و اجازه بدهید بگوئیم یک منطقه) یا یک حزب تنها تعیین نگردد..."

جالب توجه است که "لنین" حتی در قبال حزب معلوم‌الحال کارگر انگلیس و رهبرانی نظیر "هندرسون" و "ماکدونالد"، که آنها را "مرتجعین علاج ناپذیر" میخواند، نیز برآن است که حتی پشتیبانی از آنها (در مراحل مشخص) خیانت به انقلاب محسوب نمیشود. او مینویسد: "... انقلابیون طبقهٔ کارگر باید بمنظور حفظ منافع انقلاب، تا حدود معینی ازاین حضرات پشتیبانی پارلمانی‌نمایند..." "اگرمیخواهیم توده‌ها را بدنبال خود ببریم (بدون این امرمهم آن میرود که ما باوه گوئیانی پیش نیائیم) آنگاه موظفیم: اولا" به "هندرسون" با "استوئودن" کمک کنیم تا "للوید جرج" و "چرچیل" را بکوبند، ثانیاً ..."

براساس عدم توجه به نظریات وتمایلات و پشتوانه‌های عظیم توده‌ای بر له نظام موجود که کیفیتی بسیار متفاوت از وضعیت گذشته است، همانا سرآغاز اشتباه محاسبه فاحشی است که به سازشکار خواندن ما منتهی میشود. و شگفتی دراین است که این بی توجهی بخصوص از جانب مدعیانی صورت میگیرد که مثی خود را "توده‌ای ـ انقلابی" میدانند. حال آنکه اگرکسی میخواهد سطح عمومی آگاهی توده‌ای را تغییر وارتقاء دهد، و منافع آنها را در وضعیت جدید بآنها بفهماند، بایستی یقین داشته باشد که اینرا" نمیتوان بدون از پس بردن آئین پرستی خشک مرآه چپ، وبدون رفع کامل اشتباهات آن وخلاصی از این اشتباهات انجام داد." و این تغییر هم تا حدود معینی به تجربه" سیاسی خود توده‌ها مربوط میشود. تجاربی که شما میتوانید برحسب آنها دربسیاری موارد و البته با حفظ پرنسیپهای خودتان ـ پابپای توده‌ها حرکت کنید، و یا لا اقل احساسات بحوش آمده آنها را فی الفور لگد مال نکنید.

همچنین‌خصوصت نشان نداده، و موضع گیری درجا نکنید. نویژه دران سرانطی که موضعگیری جابجا، ضربات مرگبار خمران ناپذیری به شما و کل جنبش انقلابی وارد خواهد ساخت والبته این چیزی است که دیناسیم وچستی و چالاکی سیاسی بسیار میطلبد، تاپک سازمان انقلابی از انفراد توده‌ای و تیغهای آخته تکفیر بگریزد، درمیان‌وسیعترین اقشار جلب‌اعتماد کند، و مخالفانش را نیز با بیطرف و باپلا اثر سازد. پس مساله، مسالهٔ حرکت انقلابی و عمل ارتجاعی است، خواسته‌ای که برای تحقق آن، لااقل تا آنجا که کلام ما میتواند اثر داشته باشد، حتی حاضریم "دامن" هم بپوشیم چه رسد به نحوه‌ٔ نگارش نامه آنهم به امام خمینی، و لابدآقایان بخاطر داوند کموفتی تروتسکی به دلیل اینکه‌آلمانها از او خواسته بودند لباس رسمی فراک بتن کرده و در کنفرانس صلح حضور یابد، میخواست از رفتن به کنفرانس خودداری ورزد، لنین به او تلگراف زد که حتی اگر لازم باشد" دامن" هم بپوش تا چه رسد به لباس رسمی دیپلماتیک!

برای کردستان درخارج از تن و قلب ایران هیچ سرنوشت امیدبخشی نمیتوان پیشبینی نمود. کما اینکه مبارزهٔ ضد امپریالیستی تمام ایران، بدون کردستان نیز به فرجام نخواهد رسید.

عدم توجه به نظریات وتمایلات وپشتوانه‌های عظیم توده‌ای برای نظام موجود، که کیفیتی بسیار متفاوت از وضعیت گذشته است، همانا سرآغاز اشتباه محاسبهٔ فاحشی است، که به سازشکار خواندن ما منتهی میشود.

گذشته وچه در آن موقع وچه حالا، نه تنها هر خطری را از سر ما دور میکرد، بلکه حاوی منافع مصلحت گرایانه‌ٔ بسیار نیز پرایمان بود. اما ما برخلاف نظر شما، نه سازشکار بودیم و نه مصلحت گرا، وبه همچون شماتنگ‌نظر و خشک مغز، زیرا که ما فقط و فقط منافع دراز مدت یک مبارزه درازمدت ضد‌ـ امپریالیستی متحد تمام خلق را در نظر داشته وداریم.

اکنون، هرچه میخواهید به تکرار حقایق ساده و ازبرشده ادامه دهید، حقایقی آنقدر پیش پاافتاده و بی چون وچرا نظیر ۳ از ۲ برنگرد است، ولی "سیاست بیشتر به جبر شبیه است تا به حساب و از آنهم بیشتر به ریاضیات عالی شباهت دارد تاریاضیات مقدماتی ....ولی عقلای ما کماکان با لجاج تمام اصرار میورزیدند (و اصرار می‌ـ ورزند) خود دیگران را متقاعدسازند که "منهای سه" از "منهای دو" بیشتر است" و اینجاست کچه بسا صدای مدعی بلند خواهد شد و عملکرد ما را سؤال انگیز وبفرنج یا پیچیده و باختی مزورانه ودور از فهم توده ها خواهد خواند، کما اینکه در اعتراض به نامه‌ای که درباره، کردستان به امام نوشته‌ایم، تحت عنوان "دست راستی‌های سا‌ـ مطوم و چپی های معلوم!" میگویند:

"ما سؤال میکنیم این دست راستی ها که شما از آن صحبت میکنید چه کسانی هستند؟ ... این دست راستی های مجهول کجا هستند؟..."

و ما (مجاهدین) پاسخ میدهیم: عجبا که با اینهمه داعیهٔ زیرکی، هنوز هم‌شما نمیدانید دست راستی ها چه کسانی و در کجا هستند؟! البته اینکه شما این را نمیدانید چیز زیاد مهمی نیست، چون خیلی چیزهای دیگرا هم نمیدانید ولی لااقل این را بدانید که‌مردم واقشار مخاطب و مورد نظر ما خوب میدانند که "آنها" چه کسانی و در کجا هستند بنابراین لزومی به تصریح بیشتر ندیدیم، بخصوص که این تصریحات چه بسا به نتایج معکوس منتهی میگردد، ولی مطمئن باشید که "آنها" خودشان نیز بدلیل واکنشی که در قبال حرفهای‌ما نشان‌میدهند، خودشان هم میفهمند کچه کسانی را درنظرداریم. و اما می مانید شما که اگر بخواهیم به شما آدرس بدهیم کتاب بیماری کودکی را آدرس خواهیم داد آنجا که می نویسد:

"و اگر به من اعتراض کنند که این یک تاکتیک بسیار "محیلانه" یا "بفرنج" است و توده‌ها آن را نخواهند فهمید وچنین تاکتیکی موجب تفرقه و پراکندگی قوای ما خواهد شد و مانع آن خواهد گشت که تمام قوا برای انقلاب شوروی متمرکز شود وهکذا آنوقت من در پاسخ معترضین "حیله" خواهم گفت: آئین پرستی حتی‌کمراه خود را بکردن توده‌ها نیاندازید!!!"

با اینهمه برای اینکه‌زیاد سردرگم نشوید بازهم آدرس میدهیم که‌درهمان نامهٔ ۲۳ مهر به امام ما به اظهارات فوق العاده مهم رئیس سابق ستاد ارتش استناد جسته و آن را گواه بر جنگ افروزی دست‌راستی ها گرفته‌ایم و اکنون یک پاراگراف از اظهارات سرلشکر فربد نقل از شمارهٔ ۷/بردار روزنامهٔ انقلاب اسلامی:

"من بهیچوجه معتقد نبودم و نیستم که ارتش را دوباره‌عادت به سرکوبی داخلی بدهم. نظر من است که مسائل داخلی از قبیل وقایع اخیر غرب کشور را با مذاکره و بطور مسالمت آمیز میتوان حل کرد. اما عده‌ای از روحانیون و مقامات دولتی و مقامات غیر مسئول چه در تهران و چه در رضائیه‌ازمن میخواستند که‌بحت عنوان قاطعیت به کردستان نیرو اعزام کنم و اختیارات بیشتری بفرمانده‌لشکر رضائیه بدهم که خود اهل رضائیه و متعلق به یکی ازقومیتهایی است که با کردها بطور نسبی اختلافاتی دارد ودر سخنرانی هایش نیز بارها به شدت به رهبران حزب دمکرات کردستان حمله کرده است کمی با این عمل به شدت مخالفت کرده‌ام واین مخالفت سحریه کنارگیری من شد."

اکنون با توجه‌به تمام آنچه فوماً گفتیم روشن‌میشود که چرا انقلابیون مشهور معتقدند که "دومبارزطولانی با انقلابی گری خرده بورژوائی رشد یافته، توام گرفته وآبدیده "شده‌اند "این‌انقلابی گری تا اندازه‌ای به آنا‌ـ رشیسم شباهت‌دارد و با بعبارت دیگر چیزهائی از آنارشیسم اقتباس میکند و درکلیه‌ٔ نکات اساسی برخلاف شرایط و مقتضیات مبارزه‌ٔ متین طبقاتی "رفتار مینماید.

پس بی‌جهت نیست که ما امروز شاهد روحیات آنارشیستی و هرج ومرج طلبانه‌ای هستیم که‌چپ‌نمایان درصحنهٔ سیاست روز از خود بروز میدهند. این همان "کیفر مناصی اپورتونیستی" قدیم است که اکنون بدینصورت خودرا به آنها تحمیل کرده است. آیا از این شلوغ بازی های بی رویه و درهم ریختن اوضاع به هرعنوان و بهربهانه که در بسیاری موارد به دستاویز جستن راستگرایان منتهی میشود، انقلاب ایران را حاصلی خواهد بود؟

مضحک تر از همه اینست کسـ دوستان ودرنوشته‌دیگرشان پس ازنامهٔ سازشکار نامیدن ما، اعلام آمادگی می کنند که ما را در سمت انقلاب یاری دهند:

"هرگاه این سازمان ونیروهای هوادار آن بخواهند (که این خواست ما وتمامی نیروهای انقلابی ایران‌است) به سمت انقلابی ـ دمکراتیک و ضد امپریالیستی خود وفادار باشند، لازم است که‌علیرغم‌هرگونه همبستگی‌ظاهری ایدئولوژی اسلامی خود با ارتجاع، قاطعانه بسوی قطب انقلاب پیش آمده و با ضد انقلاب پیش آمده و باضد انقلاب مرزبندی‌جدی بیابند. بدون تردید تمامی نیروهای انقلابی و کمو‌ـ نیست آمادهاند و وظیفه دارند سازمان مجاهدین خلق را در چنین سمتی‌یاری دهند..."

لیکن ما (مجاهدین) ضمن‌اینکه نیایستی سپاسمندی نسبت به هرگونه حسن نیت صادقانهٔ انقلابی را فراموش کنیم بطور اخص به این‌آقایان‌میگوئیم: مرا به خیر نوامید نیست شرمسان! به عبارت دیگر تا آنجا که به شما ارتباط پیدا میکند، اگر شما، فقط با اشتباهات و بیهوده کاریهای مهلک خود حاصل کارها و تبلیغات و افشا‌ـ گریهای توده‌ای ما را عقدتی نکنید، اگر با تشدید بی جهت برخی تضادها دستاویزهای دقیقبه‌راستگرایان ارمغان ندهید، و خلاصه اگر در رابطه با حرکتهای غلط در مسائل منطقه‌ای با عقیدتی، ما را بخاطر خودتان و برخوردهایتان، بطور مضاعف زیرفشار مرتجعین قرار ندهید، همین برای ما کافی است

پایان

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۷

گزارشی از مجلس خبرگان، ونظر برخی از نمایندگان راجع به "نقش زن" درجامعه

چه شد که اصلاً نامی از "زن" در همه دوران اسلامی نبود؟!

فاطل هستیم

بروزش: مطالب جناب آقای صدوقی در مورد خواهران اگرچه یک بخشش درست‌بود، ولی خیلی ازموارد آن مورد تائید همگان نیست، بهر حال به اینصورت که اینجا صحبت کردند، در مورد این خواهرانی که سهم بزرگی در انقلاب داشتند، صحیح نبود.

رئیس: آقای صدوقی که فرما‌ـ یشاتی فرمودند از هیچکدام از آقایان تصدیق نخواستند، که شما حرفشان را تصدیق بکنید یا نه. ایشان مطالبی که نظرشان رسیده بود، و فرمودند. در عین حال با همگی احترام به رسان

و اگر چنانچه گفته شده که دوبعضی از مناصب زنها دخالت نکنند، نه از باب این است که حقی از زن گرفته‌شود بلکه از جهت اینکه مسئولیت آن زیاد است و بار سنگین است، و نمیخواهند که بار سنگین بر دوش خانم‌ها گذاشته شود، والا حرمت زنها محفوظ است، و اصلاً اگر زنها نبودند مردها نبودند.

* * * * * *

نشریه "مجاهد" ضمن نقل‌قول‌سخنان نمایندگان از"صورت مشروح مذاکرات" پیرامون این موضوع در آینده با خوا‌ـ هران وبرادران بحثهائی خواهد داشت

مباحث ایدئولوژیک

استثمار (۲)
استثمار از دیدگاه ایدئولوژی اسلامی ما

بقیه از صفحه اول

یادداشت از: فرهاد صفا
تقریر از: سعید محسن

لذا این حیات پر ارزش به هر طریقی لطمه و صدمه ببیند یا تلف و نابود شود ، مخالف با مشی تکامل و متضاد با نوامیس آفرینش و خواست خداست .

همه چیز از آن همهٔ انسانهاست

اما ببینیم دیدگاه اسلام درمورد مسألهٔ استثمار چیست ؟

قرآن درآیات متعددی ، باصراحت کامل ، حق مالکیت مطلق‌وتصرف و جعل و وضع را برای خدا ، و حق بهره‌گیری (تصرف محدود) را برای همهٔ خلق ، اعلام گرده‌است . از جمله درآین آیات :

"له مافی‌السموات وما فی‌الارض و ما بینهما و ماتحت‌الثری" (آیه ۶ سوره طه) " هرچه درآسمانها وزمین وبین آنها یا زیر خاک موجود است ، همگی از آن خداست ".

درآیه ۱۳ سوره جاثیه ، خداهمه چیز را از آن خود معرفی میکند ، اما درعین حال همه رادر تسخیر انسان میداند (وسخر لکم ما فی السموات وما فی الارض جمیعامنه)

درآیه ۲۱ سوره‌بقره ، زمین را بستر و فرش مردم (ونه عدة قلیلی) اعلام کرده است (الذی جعل لکم الارض فراشا) . همچنین است آیه ۱۰ سوره الرحمن (و الارض وضعها للانام) .

آیه ۲۰ سوره اسری روشن‌ترین بیان را دراین زمینه دارد :

" لقد کرمنا بنی آدم وحملناهم فی‌البر و البحر ورزقناهم من الطیبات" محققاً فرزندان آدم‌را بسیار گرامی داشتیم ، و آنها را بر بَرّ و بحر سوار کردیم (مسلط گردیم) و از پاکیزه‌ها آنها را روزی دادیم .

درسورهٔ فصلت آیهٔ ۱۰ از برابری انسانها به هنگام بهره‌گیری از طبیعت و امکانات آن سخن میگوید " و جَعَلَ فیها رواسیَ مِن فوقها و بارک فیها ، و قدّر فیها اقواتها فی اربعة ایام سواءً للسائلین "

" و بر فراز زمین کوهها را قرار داد ، و زمین را برکت ارزانی داشت و در چهار دوران روزی و قوت آن را تقدیر کرد ، و آنروزی رابرای همه نیازمندان بطور یکسان و برابر قرار داد ."

درحکمت ۱۸۳ " امام علیؑ خطاب به آنانکه نتیجهٔ کسب وکارشان بیش از نیازمندی‌شان است میگوید : " ای آدم ما کسبت فوق مؤنتک فانت فیه خازن لغیرک "

" ای فرزند آدم آنچه را که بیش از قوت و نیازمندی‌اسکسب کنی ، تو در آن ذخیره کننده و خازن دیگران هستی "

و بالاخره آیات ۱۲ تا ۱۴ سورهٔ نحل ، ۶۵ حج و ۲۰ لقمان و . . . مضامین فوق را صریحاً بیان میکنند .

براساس آیات مختلف قرآن (که برخی از آنها فوقاً اشاره شد) و نیز با توجه به جوهر گفتار و سنت های پیامبر (ص) و ائمه اطهار(ع) ، چنین نتیجه میگیریم که :

همه چیز از آن همهٔ انسانها است ، و هیچ فردی یا هیچ منطق و استدلالی حق تملک و تصاحب ثروتها و نعمات جهان را ندارد ، مگر در حدّ احتیاج آنهم با تلاش وسعی خود .

استثمارگری همه‌جانبه

برای درک واقعیت و اهمیت دیدگاه فوق لازم‌است نظری به اوضاع و احوال اجتماعی عربستان قبل‌از ظهور اسلام ، بیاندازیم .

دوران دوران ــ که جاهلیت‌معرف است ــ روابط خانمانسوز استثمار بر همهٔ جوامع حاکم بوده ، و رباخواران ، غارتگران ، زورمندان وثروتمندان که همیشه حیات کثیف و رالو صفت خودرا از راه چپاول حاصل کار ودسترنج توده‌های محروم جامعه بقاء میبخشند ، تسلط جابرانه‌ای براجتماع آن روز داشتند . و از سوی دیگر فقر و واماندگی شدیدی حکمفرما بودهاست . چندانکه دخترانِ خودرا بخاطر اینکه " موجود مصرف‌کننده بوده وبر خلاف پسران کارمایه وعنصرتولید کننده تلقی نمیشدند " میکشتند . در جامعهٔ امروز ، حاکمیت فقر وفرهنگ جاهلی که از استثمارگری همه جانبهٔ ثروتمندان ناشی میشد ، آنچنان ریشه‌دار و عمیق بود که داشتن اولاد دختر باعث اضمحلال خانواده میشد . دو آیهٔ زیر بیانگر واقعیت آن زمان است :

" و لا تقتلوا اولادکم من املاق نحن نرزقکم و ایاهم " (آیه ۱۵۱ سوره انعام) " فرزندان خود را از ترس‌فقر نکشید که ما رازق شما و آنها هستیم " .

" لا تقتلوا اولادکم خشیة املاق " " فرزندان خود را از ترس فقر نکشید . " (۳۱ سوره اسری)

قبلا گفتیم که تاراج ارزش اضافی ، و تصاحب بی حساب ثروتهای عمومی و به عبارت دیگر استثمار ، پایه و اساس سرمایه داری است . درست بهمین دلیل سرمایه داری و بطور کلی تمرکز ثروت در اسلام "شدیداً" محکوم وشقی شده است :

. آیه ۳۴ سوره توبه چنین میگوید : " یا ایها‌الذین آمنوا انّ کثیراً من الاحبار والرّهبان لیأکلون اموال النّاس بالباطل ، ویصدّون من سبیل الله ، والذین یکنزون الذهب والفضّة ولاینفقونها فی سبیل الله فبشّرهم بعذاب الیم " ای ایمان آورندگان ! بدون شک بسیاری از کشیشان ودینرشینان اموال و ثروتهای مردم را بناحق میخورند . و ازاین طریق راه خدا (وراه تکامل) را بروی مردم می‌بندند . و کسانی را که طلا و نقره (ثروتها) را گنز میکنند ، و در راه خدا انفاق نمی‌نمایند ، به‌عذابی دردناک بشارت ده .

این آیه شامل حال همه کسانی است که اموال و دسترنج مردم‌را بناحق تصاحب کرده وعملشان مد راه خدا وتکامل ، و نتیجه کارشان ایجاد شکاف طبقاتی بین مردم است . این افراد از آنجا که باطل (ازطریق استثمار) دارائی و دسترنج مردم را غارت کرده ، و با ثروت ها را در راه مردم درجهت از بین بردن نابرابریهای جامعه انفاق (انفاق یعنی پرکردن شکافها ، هموار کردن تپه ماهور ها و توزیع عادلانه ثروت) نمی‌نمایند ماهیتی ضد تکاملی دارند .

مفهوم ربا و موضع اسلام درمورد آن

معنی ربا عبارتست از " تعویض دوکالای هم ارزش با دریافت قیمتی اضافی" برای یکی از آندو کالا (مثلاً در شرایطی که قیمت ۱۰ عدد تخم مرغ معادل یک من گندم است ، اگر یک من‌گندم با ۹ عدد تخم مرغ یا ۱۰ عدد تخم مرغ با کمتر از یک من گندم مبادله شود ، مابه‌التفاوت قیمت‌واقعی و قیمت مبادله شده " ربا " محسوب میشود .)

اسلام در مورد ربا میگوید :

" یا ایها‌الذین آمنوا اتقوا الله و ذروا مابقی من الربوا ان کنتم مؤمنین ــ فان لم تفعلوافاذنوا بحرب من الله و رسوله ، و ان تبتم فلکم رؤس اموالکم . لا تظلمون و لا تظلمون (بقره آیات ۲۷۸ و ۲۷۹) " ای ایمان آورندگان ! اگر واقعاً مؤمن هستید ، تقوای خدا پیشه کنید و بعد ازاین از ربا‌خوردن در گذرید . در غیر اینصورت بخدا ورسولش اعلان جنگ دهید . اما اگر توبه کنید ، اموال واقعی شما (بدون ربا) در اختیار خودتان است . نه ظلم کنید و نه زیر بار ظلم بروید ."

چنانکه ملاحظه میشود از نظر ایدئولوژی توحیدی ربا خواری به منزلهٔ اعلان جنگ با خدا و رسولش بوده ، (بیان شدت و اهمیت این ظلم) و ستمی بزرگ به دیگران بوده ، و گناهی است که بایستی سریعاً از آن بازگشت و الا جائی برای ادعای ایمان باقی نمی ماند (ان کنتم مؤمنین)

محک ومعیار اساسی روابط اقتصادی انسانها در دیدگاه اسلام

حال با توجه به اینکه ظلم اقتصادی از طریق استثمار مردم صورت میگیرد ، معنای کلی و عمیق آیهٔ فوق چنین است :

" سهمی اصل مال از آن شماست ، نه استثمار کنید و نه استثمار شوید " و درمورد خاص " ربا " مفهوم آن چنین است :

" نه ربا بگیرید و نه ربا بدهید ."

برمبنای آیات فوق معامله و مبادله‌ای صحیح و بدون اشکال است که در آن هیچگونه ستمگری یا تحمل ستم وجود نداشته باشد . و این خود محک و معیار اساسی روابط اقتصادی انسانها در اسلام است .

سورهٔ نساء بدنبال آیهٔ ۱۶۰ که میگوید " سپس به سبب ظلمی که‌یهود کردند ، نعمتهای پاکیزه و حلال خودرا بر آنها حرام کردیم ."

درآیه ۱۶۱ چنین میخوانیم :

" وَاَخذهم الرّبوا و قد نهوا عنه وَاَکلهم اموال النّاس بالباطل و اعتدنا للکافرین منهم عذاباً الیما " " به‌سبب ربا‌خواریشان ، درحالیکه از آن نهی شده بودند ، و بهاین‌دلیل که اموال مردم را بناحق و در راه باطل می‌خوردند ، برای کافرین آنها عذابی دردناک آماده کردیم ."

از لغت " ربا " که به معنای افزایش و تورم است ، ونیز از بکار رفتن این لغت در مورد بعضی از معاملات ، روشن میشود که معامله ربوی (مبتنی بر ربا) هرآن جهته از معاملات اطلاق میشود که‌سرمایه بدون انجام‌کاری‌افزایش یابد (در مورد ربا به آیات ۲۷۵ ، ۲۷۶بقره و ۱۳۰ آل‌عمران مراجعه شود .)

مقدار اضافی در معاملات همان ارزش اضافی است‌که ریشهٔ اصلی استثمار است .

ضمناً مفهوم "باطل" نیز از آیهٔ مذکور قابل استخراج است :

" دارائی و ثروت عمومی‌راباجبر و ستم و اجحاف طعمهٔ خود قراردادن "

تحریم ربا و سرمایه داری ، جلوگیری از کیفه کردن محصول تلاش و حیات انسانهاست ، و بهر شکل و صورتی که‌انجام گیرد مردود است .

سرنوشت بهره‌کشان وطغیانگران تاریخ

براین اساس ، اسلام مخالف نظامهای استثمارگرانه‌است ، چه در شکل سازمان یافتهٔ آن (نظیر سرمایه داری) و چه در شکل وسطح‌فردی‌آن ، سورهٔ فجر با اشاره به جریان تاریخی استثمار و حاکمیت طبقات استثمارگر و حتمیت زوال آنها میگوید :

" ندیدی پروردگارت با عاد چه‌کرد ؟ همان قومی که (از راه استثمار انسانها) مالک قدرت ومنطقه و صاحب تاکعبای بی نظیر شده بودو (همچنین با) ثمود که آنهم (باتکیه بر زور و پیروزگشی و با استفاده از نیرو و صنعت مردم) نوانائی یافته‌بود کعدل کوهها وصخره‌ها را شکافد . و فرعونی که صاحب میخها (اهرمهای قدرت) بود ، و در سر زمین های مختلف به طغیان وظلم پرداخت ، و تباهی و فساد را از حد گذراند . در نتیجه پروردگار تو تازیانهٔ عذاب برآنها فرود آورد ."

آنگاه بتدبال ترسیم تصویری از تمایلات خود بخودی و سیری ناپذیری انسان (خصلت بینهایت طلبی بیهوده درجهت تمایلات خودخواهانه‌اش) نتیجه میگیرد که ، همانطورکه‌سرنوشت بهره کشان و طغیانگران در طول تاریخ محکومیت و فناست ، کسانیهم که از نعمات و امکانات گوناگون ناعادلانه سود برده و یتیم (فرد یا جامعهٔ بی سرپرست) را سرو سامان نمیدهند ، و فقیر وبی نوا را در دارائی (خرد طعام خود) شریک نمیبینند ، و گذشته از اینها ثروتهائیکه بدون‌عمل وکار خود ، شان ایجاد شده تصاحب می کنند ،ودر شهوت و شیفتگی مال غوطه ورندو . . . سرنوشتشان جهنم و عذاب است .

درباره خلع سلاح

از دیدگاه مکتب توحید، تضادهای آشتی ناپذیر طبقاتی یا تامحاء استثمار انسان از انسان، بدون بازوان مسلح مجاهدین قابل حل نیست

بقیه از صفحه اول

آمادگی نظامی وظیفه عامی است که بر عهدهٔ همهٔ مسلمانان گذارده شده ، در اینجا در توضیح بیشتر،به‌علامه‌ای از تشریح آیه فوق در تفسیر المیزان را میآوریم .

لَقَدْ اَرسَلنا رُسُلَنا بِالبَیِّناتِ وَ اَنزَلنا مَعَهُمُ الکِتابَ وَالمیزانَ لِیَقُومَ النّاسُ بِالقِسطِ وَاَنزَلنا الحَدیدَ فیهِ بَأسٌ شَدیدٌ وَمَنافِعُ لِلنّاسِ . . . .

" بتأکید که رسولان را با ادلّه روشن فرستادیم ، وهمراه ایشان کتاب و میزان نازل کردیم ، تا مردم را به برپائی نظام قسط بخوانند . و آهن‌را در اختیارشان قرار دادیم ، که کاربردآن سخت وطولانی ولی متضمن منافع خلق است . . . .

از دیدگاه مکتب اسلام ، تضادهای آشتی ناپذیرطبقاتی که تاامحاء استثمار انسان از انسان وجود خواهد داشت ، چیزی نیست که بدون بازوی مسلح مجاهدین قابل حل‌باشد . بعبارت‌دیگر قهراخلاقی لازمه‌حل تضادهای‌طبقات متخاصم میباشد . درقرآن سیراستفاده ازنیروهای قهرآمیز علی‌آیه‌های زیادی مطرح گردیده است .

"قاتِلُوهُم یُعَذِّبهُمُ اللهُ بِاَیدیکُم وَیُخزِهِم وَیَنصُرکُم عَلَیهِم . . . . (توبه ۱۴) " بکشید آنها را تاخدا بدست شما عذاب کرده وخوارکند . وشما را برآنها پیروزگرداند . . . . .

وَاِن نَکَثُوا اَیمانَهُم مِن بَعدِ عَهدِهِم وَطَعَنُوا فی دینِکُم فَقاتِلُوا اَئِمَّةَ الکُفرِ اِنَّهُم لا اَیمانَ لَهُم لَعَلَّهُم یَنتَهُونَ

" پس چون باکفار (حق‌پوشان) رویرو گشتیدگرد نهایشان رابزنید . . . .

اراین رو آمادگی نظامی دراین مکتب بعنوان مکمل ایمان و عقیده بر هرمسلمان فرض و واجب است

" وَاَعِدّوا لَهُم ما استَطَعتُم مِن قُوَّةٍ وَمِن رِباطِ الخَیلِ تُرهِبُونَ بِهِ عَدوَّ اللهِ وَعَدوَّکُم وَآخَرینَ مِن دونِهِم لا تَعلَمونَهُم اَللهُ یَعلَمُهُم . . . .

" برای آنان تا آنجا که درتوان دارید،نیرو وتجهیزات آماده کنید،تا بدین وسیله دشمن خدا ودشمن خودتان و دشمنی که نمی شناسید بهراسد . . . .

دراین آیه شرط خاصی (مثلاً زمان یا افراد خاص) برای آمادگی نظامی درنظر گرفته نشده است . بلکه آمادگی نظامی وظیفه عامی است که بر عهدهٔ همهٔ مسلمانان گذارده شده ، در اینجا در توضیح بیشتر،به‌علامه‌ای از تشریح آیه فوق در تفسیر المیزان را میآوریم .

وَاَعِدّوا لَهُم . . . امر عامی است به مؤمنی که درقبال کفار به قدر توانائیشان از تدارکات جنگی که بآن احتیاج پیداخواهند کرد ، تهیه کنند . . . دشمن مشترک یک جامعه اسلامی ، دشمن مشترک تمامی افراد است . وسر همه افراد است که قیام نموده ، ودشمن را از خود واز منافع خود دفع دهند . وباید برای چنین روزی نیرو و اسلحه زیر سر داشته باشند ، تا بتوانند منافع خود را از خطر دست برد دشمن نگه دارند . گوایکه پاره‌ای از ذخیره‌های دفاعی هست که تهیهٔ آن جز اعهدهٔ حکومت ها برنمیآید . ولکن پاره‌ای‌دیگر هم هست که مسئول تهیهٔ آن خودافراد ند . چون حکومت هرقدرهم نیرومند ودارای امکانات کافی باشد باز افراد مردم محتاج است . پس مردم‌هم بنوبهٔ خودباید قبلاً "قبون جنگی را آموخته و خود را برای روز مبادا آماده کنند .

پس تکلیف ، "واعدّوا" تکلیف ، . . . همه است . (این آیه بعد از خطاب‌آیاتی به پیغمبر "رهبر" خطاب به عموم است) علت این تکلیف عام درآیه بعد است که میفرماید " ترهبون به عدوّالله وعدوّکم . وآخرین من‌دونهم لاتعلمونهم ، الله یعلمهم . . . .

" دشمنانی که هنوز برای مؤمنین شناخته شده نیستند .

از دیدگاه اسلام ایمان و اسلحه وحدتی درون‌ذات دارند

این مسأله از جانب امام محمد باقر (ع) چنین‌نقل شده‌است (وسایل الشیعه باب ۵۷ کتاب‌الجهاد)

عن ابی‌عبدالله الجعفی قال :

قال لی ابو جعفر محمد بن علی (ع) : کم الرباط عندکم ؟ قلت : اربعة بعون . قال : لکن‌رباطنا رباط‌الدهر،ومن ارتبط فینا دابة کان له وزنها ، و وزن وزنها ما کانت عنده ومن ارتبط فینا سلاحاً کان له وزنه ما کان عنده الحدیث .

" امام از ابی عبدالله الجعفی می پرسد که چه مقدار تجهیزات نظامی داری ؟ او جواب میدهد ۴۰ تا . امام میگوید ، ولی تجهیزات ما تمامی تجهیزات هستی است . وسپس می افزاید : اگر درسایان ما کسی به مرکبی مجهز شده باشد ، این مرکب دارای ارزشی است ،وارزش آن باخودمرد مجهزه میرود . واگردرسایان ما کسی به سلاحی مجهز شد ، ارزش آن سلاح برمبنای ارزش‌خودآن‌فرد مجهزه میگردد .

بنابراین درمکتب اسلام ایمان و اسلحه وحدتی درون ذات دارند . از نظر اجتماعی نیز حاکمیت الله و مستضعفین بدون توسل به اسلحه وسیله میسر نمیشود . هرمسلمان باستی برای مبارزه با ظلم وستم آزادیخواه شرف جامعه ، حداکثر آمادگی نظامی را کسب کند . هرگونه اهمال وسستی در این مورد بمنزلهٔ ضعف عقیدتی وبنفس ایمانی میباشد . سلاح در دست مسلمان نشان رابطهٔ ایمانی است که وضع درمعنی مواره بکار آید ، و درمخاطر دیگر صبر ضروری و ارزشی گذاشتنی باشد . سلاح ضامن شرف وایمان وحافظ بافت مردمی واسلامی جامعه‌است . لذا اساساً "واگر از موضعی اسلامی و مردمی برخوردشود داشتن سلاح حق یک تک افراد است وسیتوان مردم را ازاین بحث که خدا درامحاء انسان قرار داده است،محروم نمود . داشتن سلاح‌توسط‌مردم حق طبیعی است ، که‌درمکتب‌اسلام‌همچون آزادی از دادههای خداوند بوده ، و سلبشان آن را سلب نمود .

اتحاد ازگفتار وفتاربیامبر می آموزیم

گفتار و رفتار پیامبر مفاهیم سر مشقی برای جامعهٔ اسلامی و انقلابی میباشد ، که میخواهد مکتب اسلام را راهنمای حرکت اجتماعی قراردهد .

حضرت محمد (ص) چه قبل وچه بعد از فتح مکه هیچگاه سلاح‌رادرست مردم جمع نکرد . پیامبر میگفت :

" درهای بهشت زیر سایهٔ شمشیرهاست "

" اِنَّ اَبوابَ الجَنَّةِ تَحتَ ظِلالِ السُّیوفِ "

(شماره ۵۷۶ صحیح الصحاصه)

همچنین پیامبر آموزش نظامی را آنچنان بمعنی میدانست که ترک آن کفر محسوب میشد .

مَن تَرَکَ الرَّمیَ بعد ما علمه فانها نعمة کفرها " (شماره ۲۹۲۵ صحیح الصحاصه)

نظرات پیامبر همه‌اراین دیدگاه ناشی میشود که میگوید رهبانیت در اسلام نیست . " لکل مذهب رهبانیة ورهبانیة امتی الجهاد "

" و سلاح را در دست مردم باعث

بقیه‌درصفحه ۱۱

احیاها فکانّما اَحیَاالنّاسَ جمیعاً " (سوره مائده آیه ۳۲) . " هرکس انسانی را بناحق بکشد مثل اینستکه همهٔ مردم را کشته ، وهرکه انسانی را زنده کند گویا تمامی انسانها رازنده کرده‌است . "

درآیات دیگری از قرآن میگوید :

" و بمددکم باموال و بنین (نوح ۱۲) " خدا بوسیله اموال و فرزندان‌به ادامهٔ حیات شما نیرو میدهد " و سیر " و امددناکم باموال و بنین " و ما بواسطهٔ مالها و فرزندان "به ادامهٔ حیات شمانیرو دادیم . " (سوری آیه ۶)

امداد بمعنی نیروی زندگی است بنابراین مال و اولاد که وجوه مشخصه‌ای از قدرت مادی و انسانی انسانها و نیروها واستعدادات و ثروتهاست همگی به اعتبار زندگی انسان معتبر و ارزشمند است و از آن خود انسانهاست .

دراسلام "کار" معیاری ارزش است

قرآن صراحتاً میگوید که نتیجهٔ کوشش وتلاش هر فردی مخصوص خودش میباشد : " و ان لیس للانسان الا ما سعی " یعنی "هیچ چیز متعلق به انسان نیست مگرآنچه‌که‌ازطریق کار و کوشش خود بدست‌میآورد . "

درحدیثی از پیغمبر (ص) آمده است که :

" من‌اجیا ارضاً میته من غیر حق مسلم فهو احق بها " " هرکس زمین بایری را که متعلق به مسلمان دیگری نیست ، احیاءکند ، به آن (برای تصرف آن) سزاوارتراست (کار او آزادی حق را برایش بوجود آورده‌است) .

حضرت علی (ع) درنهج‌البلاغه خطبه ۲۲۳ میگوید : " جباة اَیدیهم لاتکون لغیر افواههم . . . " چیدهٔ دست‌آنها (دسترنج آنها) برای دهان دیگران‌نیست و دهها حدیث و آیهٔ دیگر .

استثمار ومال اندوزی عامل وانگیزهٔ همهٔ مفاسد اجتماعی

اسلام به‌مسأله اقتصاد و روابط آن ، توجه خاصی داشته و نظامی را که در اثر بهره کشی انسان ازانسان و استثمار بوجود آمده غیرانسانی دانسته و عوارض و آثار چنین روابطی را جنایت‌آمیز و خونبار میداند تا آنجا که میگوید :

" الفتنة اشدّ من القتل " (۱۹۱ بقره) " فتنه‌گری سخت‌تر وخطرناکتر از قتل است . " و این مفهوم از آنجا مشخص میشود که در آیات قبلی همین سوره صحبت از مشرکین وکفاری است که اموال مردم رابه باطل خورده و ستمگری و قتل نفس و جنایت‌را به حدی رسانده‌اند که مردم جلای وطن نموده وآواره شده‌اند !!

از سوی دیگر کلمه " فتنه " در آیهٔ ۱ سیستم استثماری حاکم را بیان میکند . البته توضیح مفصل در مورد تفسیر این کلمه از حوصلهٔ بحث فعلی خارج است اما با اشاره به یکی دومطلب‌میتوان‌بمفهوم‌درست‌آن‌نزدیک شد . حضرت علی(ع) از پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) راجع به فتنه و کیفیت‌آن سؤال میکند . پیامبر (ص) جواب میدهد :

" یا علی ان القوم سیفتنون بعدی باموالهم . " ای علی بعد از من مردم بخاطر دارائی شان به فتنه خواهند افتاد ؟ و بعد از چند حدیث اضافه میکند که : بسبب شبهه‌های نادرست و خواهشهای غافل کننده حرام را حلال میگردانند (یستحلون حرام ، پس شراب را با آب انگور و خرما ، و رشوه را با هدیه و ارمغان ، و ربا را با خرید و فروش حلال میشمرند (والربا بالبیع کلام ۱۵۵ ، قرار ۱۳ به بعد)

فتنه‌گری وپیشه‌اش استثمار و ثروت اندوزی است و عوارض و عواقب آن در احتیاج ، فسادی‌است که گوشه‌ای از آن را " پیامبر " بحث‌عنوان حلال کردن حرامها (آرمیس بردن‌مردها وحدها وبی حرمت کردن ارزشها) ، شراب ــ خواری ، رشوه وربا که قبلاً " بامعایش آشنا شدیم ، نشان داده‌است

درجای دیگر حضرت علی می‌فرماید :

" المال مادة الشهوات " دارائی مایه و پایهٔ شهوتها وخواهشهای ضد تکاملی) است . و از سوی دیگر اینهم روشن است‌که بلحاظ فردی (روان ــ شناسانه) ، خواهشها و شهوتها مایه و پایهٔ جنایتها و . . . است . دراثر همین شهوتها و فزون‌طلبی‌ها احتیاجات بشری در طول تاریخ زیر فشار استثمار قدرتمندان و ثروتمندان نابود شده است . آیات ۲۱۲ــ۲۱۶ و ۲۱۷ بقره به سیستمهای بهره کشانه‌ای اشاره دارد که در نهایت بدتنل و آوارگی وبی خانمانی انسانها میانجامد . آنگاه قرآن با بیان " الفتنة اکبر من القتل " دستور مبارزه و جهاد را میدهد . . . .

ازطرف دیگر نتیجهٔ حاکمیت استثمار ، فقر توده‌های عظیمی‌ازمردم است . همان فقری که به گفتهٔ حضرت علی (ع) از مرگ بمراتب بالاتر و بزرگتر است (الفقر اکبر من الموت) بخصوص که این فقر به افراد محدودی خلاصه نمیشود بلکه وجود مختلف‌جامعه و مردم را در بر میگیرد

تاکید قرآن برعدالت وقسط، ومبارزهٔ آن باظلم واستثمار

در سوره الرحمن بعد از بیان ــ های کلی در مورد رحمت خداوند ، تعلیم قرآن ، خلقت جن وانس و . . . انسانها را متوجه‌بدعهای طبیعی از خورشید ، ماه ، حرکتهای مقرونده برای آنها ، به سجده (مطیع بودن) ستاره و درخت اشاره کرده و . . . آنگاه از قرار دادن " میزان " یاد میکند . از در هر قلمروی حد ومیزو سیر و سیلهٔ تشخیص این‌حد ومرزها ، وجود دارد) و بدنبال آن دستورات و رهنمودهائی ارائه میدهد که :

" ای مردم در رعایت میزان (حد و مرزهای اجتماعی و . . .) طغیان و تجاوز نکنید وازجمله "توزین" را بر اساس قسط (۱) برپادارید و باعث کم وکاستی در میزان نشوید .

سپس با این آیات "والارض وضعها للانام،فیها فاکهة و . . . " به مسائل اجتماعی ــ اقتصادی می‌پردازد. (شاید با توجه به آیات اول این سوره طرح‌مسائل اخیر بظاهر بی ربط باشد . لیکن بدلیل‌سنخیت قوانین طبیعی و اجتماعی ، از قضا بیانگر یک نگرش منسجم و واقع گرایانه است .؟

۱ ــ یکی از معانی قسط ، مقدار و سهم و نصیبه عادلانهاست . البته مفهوم قسط عمومی عالیتر و متکاملتر از عدل و برابری مکانیکی است ، نظام قسط (جامعهٔ بی طبقه توحیدی) فازنهائی تکامل جامعه بشری است که بلحاظ روابط اقتصادی ، هرکس در حد استعدادش برای جامعه کار میکند و درحد نیازهایش از امکانات استفاده میبرد . (نامعلم)

در اینجا شورشی در کار نیست، مردی هست که انقلابی میسازد

به بهانه دیدن فیلم "چه‌گوارا"

در شرایط خاص اجتماعی، اگر امکان تماس با توده‌ها، بعلت حاکمیت خفقان، وجود نداشته باشد، عنصر آگاه باید رسالت آغاز عمل را بدوش بکشد

فیلم با مقدمهٔ کوتاه و زیبائی از حرکت یک ماشین درجاده‌های سنگلاخ و پرپیچ و خم جنگلی آغاز میشود. و بیننده از همان آغاز به دنیای پیچیده و راه‌خطرناک و مشکل یک انقلابی وارد میشود. مسافرت ماشین وسیله‌ای است برای سرعت‌بخشیدن به جریان فیلم. که حمله به پادگان نظامی را مقدمه‌چینی میکند. عمل موفقیت آمیز حمله به پادگان آغاز ماجرا است. و در پی خودبسیج نیروهای نظامی ارتش و زاندارمهای بولیوی را که بوسیلهٔ آمریکا مسلح شده‌اند، و توسط مأموران "سیا" رهبری میشوند، بدنبال دارد. حضور مستقیم مأمور "سیا" در رهبری و هدایت کلیهٔ عملیات علیه نیروهای انقلابی و مردم بولیوی در سراسر فیلم کاملاً مشهود است. در آنجا فرماندهٔ واقعی نه‌زندارمها هستند نه کاخ ریاست جمهوری بولیوی و نه پارلمان آن. تعیین کنندهٔ تمام جریانات مأمور "سیا" است که در ارتباط دائمی با واشنگتن می‌باشد.

دوربین به تناوب گاه گروهی نه‌نفره راه‌ماشان میدهد و گاه مسیح نیروهای نظامی را. و کمتر به عکس‌العمل و حضور توده‌ها در متن این درگیری میپردازد. از توده‌ها به آن صورت خبری نیست. و فقط فیلم از جوانانی که در درون ارتش شده‌اند، و با چوپانان و دهاتیهای آن سرزمین، آنهم بصورت کاملاً محدود، تصاویری را نشان میدهد. بطوریکه فیلم را میتوان به جریان یک مسیح امپریالیستی برای از بین بردن یک گروه کوچک نه‌نفری و در نظر گاه آنان منفصل از توده و سایر همرزمانشان تعریف کرد. اولین و ساده‌ترین چیزی که از فیلم بلافاصله بذهن میرسد ماهیت روشنفکری فیلم، و اصولاً خود حرکت "چه‌گوارا" است و شاهد بوده‌ایم که بسیاری از همین موضع به نقد حرکت "روشنفکرانه" چه‌گوارا و مشی چریکی او پرداخته‌اند. اما همانطور که گفتیم این ساده‌ترین تحلیل است، ولی لزوماً صحیح‌ترین آن نمی‌باشد. اتفاقاً "هیچ رگه‌ای مسئله نیروهنین نکته نهفته‌است. اگر بلافاصله در آغاز حرکت ما بدنبال کسب قابل توجه توده‌ها باشیم، صلاً به‌موضعی انفعالی در قبال توده‌ها ساختیم چراکه در شرایط خاص اجتماعی اگر امکان تماس با توده‌ها و تشکیل حزب رهبری‌کننده آنان بدلایل مختلف — که جای بحثشان اینجا نیست — وجود نداشته باشد، بیشتر و مصر آگاه باید رسالت آغاز عمل را بدوش بکیرد، و در جریان عمل انقلابی، و درطی یکروند برفراز و نشیب سیاسی — نظامی توده‌های ناآگاه و کاه منفعل وحتی مأیوس را رفته‌رفته به‌میدان بکشد. بنابراین در آغاز مرحلهٔ عمل انقلابی نباید بدنبال حضور فعال توده‌ها باشیم.

در فیلم عاهدیم که توده‌ها بخوبی گاه منفعل هستند مثل صحنهٔ مصادرهٔ ماشین که همچگونه عکس‌العملی در قبال آن نشان نمیدهند — و گاه‌حتی چریکها را میدهند — مثل دیده‌شدن ۹ نفر توسط چوپان و خبردادن به‌نظامی‌ها — و مدت‌ها اتفاق می‌افتد که حمایت مادی و معنوی کنند. — مانند دختری که به خانه‌اش پناه‌میبرند. البته آرآنجاکه مردم چریکها را در مقابل سیستم حاکمی، می‌بینند، [illegible] ضدخلقیش را درک کرده و عملاً آنها را دوست دارند. و بهمین دلیل اکثراً "علاوه‌بر موضع منفعلی که در قبال ارتش و مقدورالها دارند، در خفا چریکها را تحسین و تائید می‌کنند. ولی این تائید بارهم بمعنی حمایت مادی و شرکت مستقیم آنان نمی‌باشد. بلکه مثلاً "فقط در مقابل ارتش و مأمورین دولتی حرف نمی‌زنند — صحنهٔ اطلاعات خواستن ارتشی‌ها از دهقانان و سکوت آنان —

امپریالیسم در شکار انقلابیون هیچگونه خشنی بخرج نمیدهد

اما همه، و بهتر از همه، امپریالیسم میداند که این نقص نیز جبران شدنی است. بالاخره گلوله‌های چریکها، مظهر مظهر سکوت را خواهد شکست، و دور نخواهد بود آنروزی که رودخانه‌های پرخروش و خشم آلود توده‌ها بنیانی برای آنها نگذارد. بنا براین باید به ریشه مسئله پرداخت. البته میدانیم که از نظر آنها همیشه ریشهٔ مسائل به افراد برمیگردد، نه به شرایط عینی غیرقابل تحملی که نمائی از عملکرد ضد خلقی خودشان است. بنابراین شکار انقلابیون در سرلوحهٔ کارهای آنان قرار میگیرد. و در این راه هیچگونه خستی نیز بخرج نمی‌دهند. بیشترین پولهاو بهترین امکانات و آخرین تجربیات و... آنان فکر میکنند که این "چه‌گوارا" و "چه‌گوارا"ها هستند که آشوبها را دامن میزنند، و بلوا را راه‌می‌اندازند. و بنا براین طبیعی است که اگر آنان نباشند امنیت از نیز برقرار خواهد شد. و ریشهٔ اعتیاق و اعمال فشار و دیکتاتوری‌های وحشیانه در سراسر عالم که توسط سگهای زنجیری آمریکا اعمال می‌شود درهمین‌جا است.

اما مایخواهیم بدانیم و "چه‌گوارا" خود نیز گفته است که هرتفنگی که از دست ما بیافتد صدهاست بلند میشود تا تفنگ را بگیرد. و این دقیقاً "ازوجود شرایط عینی حاکم بر توده‌های محروم و تحت ستم بیرون می‌آید. و اگر چنین نبود، هر لحظه باید منتظر اقول طنین و صدای اعتراض خلقها باشیم. که نیستیم و نخواهیم بود. اما نکتهٔ بسیار مهم و حیاتی‌ای که باید به آن توجه کنیم نقش پیشتاز و عنصر آگاه در این رابطه است. چراکه بخوبی شاهد بودیم و به تجربه دریافته‌ایم که شرایط عینی انقلاب، بعنوان عینای حرکت انقلابی — تنها درصورت وجود و بلوغ شرایط ذهنی، عامل هدایت کننده و آگاهی دهنده و پیشتاز، بعنوان شرط حرکت — میتواند مؤثر واقع شده، و بنابسیل انقلابی را ارقوه به فعل درآورد. بهمین دلیل درکشوری مثل بولیوی "چه‌گوارا" تنها یک فرد نیست. آنهم فردی که حرکتهای جدا از توده‌هایش چندان خطری برای امپریالیسم ندارد.

بلکه همانطور که مأمور "سیا" در فیلم میگوید "اینجا شورشی در کار نیست اینجا مردی هست که انقلابی میسازد"!

بعبارت روشن‌تر، مردی که جریان انقلابی نهفته را در توده‌ها بخروش درمیآورد. مردی که عشق به آزادی و خلق آزاد رهبری ساخته تا طنین خنده‌هایش لرزه براندام هر مزدور اندازد. بی جهت نیست که دفترک ساده، روستائی در ذهن خود او را با "مسیح" مشابه می‌بیند. بی‌جهت نیست که خانه‌های دهاتیها را آتش می‌زنند و آنها صبورانه تحمل می‌کنند — پدر دفترک — گلوله‌های او را در اعماق جنگل تنها مزدوران را به خاک نمی‌اندازد، بلکه صفیر هرگلوله اغریتری است به‌قلب شیب‌دهشتناک سکوت توده‌ها، و از این دیدگاه باید به تشخیص بجای "مأمور سیا غبطه‌خورد — هروقت چریکی به خون می‌غلطد بلافاصله و بدنبال "چه‌گوارا" است. "مردی که انقلابی میسازد". — صحنه‌هایی که "مأمور سیا" به دنبال زخم صورت واثر انگشت او می‌گردد.

"سیا" بدنبال عناصر جریان ساز در هر حرکت انقلابی است

ظریف ترین نکتهٔ فیلم درهمین قسمت است. بسیج آنهمه امکانات مالی، وانسانی و... برای از بین بردن ۹ نفر نیست. در درجه اول برای "چه‌گوارا" است. برای قلب تپنده یک راه جدید است. "برای اینکه ازاو ازمشی وراه و هدف او وارهمه مهمتر ازاینکه او میتواند جریان ساز باشد وحشت دارند.

چه‌گوارا ازاین دست‌بود. او حتی بعداز بزرگترین پیروزی زندگیش ازتکیه برصندلی وزارت اقتصاد کوبا سرباززد. آوارهٔ حرکت‌ورهبرزن شد. تاجریان مبارزه باامپریالیسم درآخرین شکل نوظهور آن بی‌ریزی‌شود. قتل ناجوانمردانه‌اوبعدازاسارت ازیکطرف نشان دهنده ماهیت ضدخلقی وضدبشری کسانی‌است که‌ادعای حقوق بشرشان کوش‌جهانیان راکرکرده‌است. ازسوی دیگر تجربهٔ خونباردیگری بود برای انقلابیون. وبا همین تجربه بود که راه مبارزه" چریک شهری" بازشد. وچه‌گوارا اگرخود نتوانست پیروزی خلق دیگری راببیند ببیند، بامرگ خودبدستی رادرمبارزه ضدامپریالیستی شکست. و امپریالیسم دقیقاً" ازهمین می‌ترسد و بهمین دلیل به دنبالش بود. امپریالیسم از کسانی که بن‌بست مبارزات را می‌شکنند بیش ازهرکس دیگری میترسد. وبنابراین روی آنها حساب می‌کند. یعنی امپریالیسم از یکسو سیاستهای کوتاکونی را بکار میگیرد. تاانقلاب را منحرف سازد وبه‌بن‌بست بکشاند مانند گرفتن وبه‌بندکشیدن انقلابیون، پهن کردن انواع واقسام دامها در مسیر انقلاب، توطئه‌های مختلف وسنعدد برای مخدوش‌کردن چهره‌ها... ازطرف دیگر اعدام ونابودی چهره‌های راستین هر حرکت مردمی وضدامپریالیستی را از اهم وظایف آبادی داخلی خود قرار می‌دهد. آنها زمانی انقلابیون را خرابکارانی شورشی که هدفی جز تخریب نظام موجود ندارند معرفی می‌کنند. زمان دیگر آنها را سرشار ازمقدمه‌های مختلف روانی می‌شناسانند. وزمان دیگر منحرفین‌ویاکاری معرفی میکنند که‌درظاهر وباطن خودتضادی عمیق نهفته دارند. وهرگاه که این سیاستها باشکست روبرو میشود. لحظه‌بلحظه وحشتشان بیشتر میشود، وعطش جنایتی دیگر درنهادشان شعله‌ورمیگردد. بیاد میآوریم که بعداز ضربهٔ پلیسی سال ۵۰ به‌سازمان مجاهدین خلق چگونه تمام سعی‌ساواک در دستگیری شهید حنیف‌نژاد خلاصه شد. وبعداز او شهید احمدرضائی هدف قرار گرفت. وبعد... اصلاحی است که میگوید مار را باید ازسرکوبید، سری که راه را می‌بیند، و دشمن را تشخیص میدهد. سری که فکر می‌کند، سری که‌میتواند بدن را بدنبال خود بکشد. سری که اگر نبیند ونشنود و تشخیص ندهد همهٔ بدن به‌فساد کشیده میشود.

بی‌اختیار یاد نوشتهٔ برادری در خاطر آدمی زنده میشود که در چند شماره پیش مجاهد نوشته‌بود:

میتوان برای خراب کردن یک باغ باغبانش را نابود نمود. بعدازکنار گذاشتن یا سرکوب باغبان دیگر علفهای هرزه سراسر باغ را فراخواهند گرفت وشغالها نیز بهترین قسمت محصول را بخود اختصاص خواهند داد. بهمین دلیل برای خراب کردن یک انقلاب نیز ابتدا باید انقلابیون واقعی آن را که همان نگاهبانان انقلابند سرکوب کرد.

شهید: خفتهٔ نبرده خواب

ای خفته نبرده خواب!
ای فرو نغلتیده درسراب!
ببین!
ببین که ناله‌ماه‌رگلوی ما
به پاوه نعره نشد
وهرچنجره بیهوده سمت باغ‌دانائی
پنجره نشد
"دنیا شنیدورا سانش‌خداهم‌شنفت"

* * *

ای خفته ی نبرده خواب!
ای دلدار دل بیتاب!
بدان!
بدان که شط پدیدآمد، آری‌شط
زپیوندرود سرخ خون تو
باسرخگونه رود گونه‌ما
(وسرخ، آنچنان سرخ که نه‌زسیلی)

آی باتوام! فروشکسته چون‌حباب!
ببین چگونه درکرانه‌شطمان
"غنچه‌دادشقایق وگل‌کردلاله‌وارفوان"
شکفت"

* * *

لیکن آن خفته نبرده خواب
کیدوشنیدهرچه بود، اماندادجواب
صادق وگرم وعمیق‌ونفت
باین نشست تابه مقصدوانگاه
جست‌ورفت
وپیش‌ازآنکه دور زود بسیار،
طلسم ظلمت تاب هستی ما را
بر زمین زدو شکست

مصطفی زمانیان

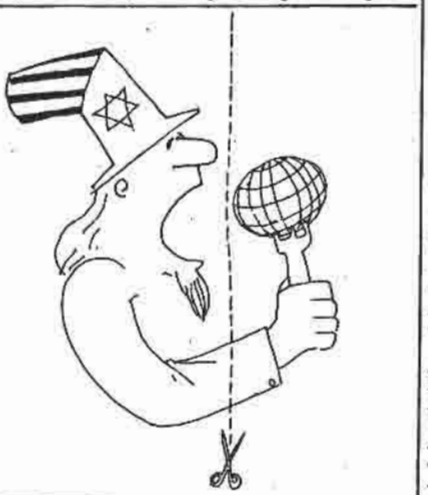

تا استوای همیشه ظهر در کربلا

برمرکب میاجم خون
دلتان،
خروش‌هلین ناصر... "را
ازعمق گدام سینه‌دریابی،
نعره‌میکشید،
که ازهرطنین آن،
فواره‌های‌خون‌جهید
بی شمار و چند!

* * *

ازانحنای محراب
— درسجده‌کوفه،
(بال‌هوای تازه‌صبحش
— درسرخ تابناک فلق—)
تااستوای همیشه ظهردرکربلا،
این شط سرخ شهادت را
با رود جاری "فرت...."
گویی —
از خون پاک شما است بپیوند.

۱۳ / ۷ / ماه‌ماه ۵۸ — تهران

سعید محبی

گذر

احمد حسینی زاده

دردشت برهنه گویری
امروز...
سواری سیاه جامه می‌آید:
"دردستهایش شقاوتی به‌امانت گذارده‌اند"
با آواین سوی
آوازاست:
"هان اینک،
دشنه برگیرید وقلبهای تپنده‌چونان
آشتیرا
به‌ستیرچینی‌خوانید...!"

* * *

وان سوی:
سواری ازتبار رحماء سوخون،
"درفردایی کمترند یکساست..."،
می‌آید...
شولای سبز جنگلی تن
این قامت تکیده‌ست که
می‌آید.....
"قامتی که رنج قرون را
برانحنای هستی خویش،
به دوش گرفته ومی‌آید...."
بآن رسول نامی
اینگونه آوازاست.
کاویاران!
حلقه‌ها ویزچهره‌ستیهانتان
انبوه‌تر"!
"شکوه دوستی تان
افزونتر"!
بآن رسول نامی
ثنای دلهای تپنده، عاشقان همراه‌ماست.

ای برادر: آنان را بگوی

بعدازاینکه او را لحظه‌ای
درتلویزیون دیدم ولی
ناگهان تصویروصدایش
قیچی‌شد.

ای برادر:
بگو که بهار درکویر زندانی نمیشود
و آفتاب را ابر بهند نمیکشد
وشقایق گرفتار علفهای هرز نمیماند
بگوکه‌طوفان‌سپرچین‌هارا خواهد شکست
وبرهای معصوم را —
بمسیزارها — بمیان‌آهوان خواهد برد
بگو که‌پایان زمستان میرسد
و نسیم‌بهار غنچه‌های لاله‌را می‌شکوفاند
و نوبه نبرد بخندان میرود —
وپیروز باز میگردد
تا شالیزار بزرگ ما نیز سرسبز بماند.

* * *

ای برادر آنان را بگوی:
دیوار وسیم‌خاردار سرانجام می‌شکند
اگرنه باسکوت — اگرنه با فریاد —
که‌با سربی گلوله
بگوی: "گودها" پرخواهند شد
اما نه‌با سیلاب زمستان،
که با انبوه ستاره‌ها —
آنهائیکه‌شبها بیاشب نیرو را تیرباران میکنند

* * *

ای برادر آنان را بگوی:
که‌یک‌لاله‌درمیان خارها ناخوشایند است
وبا غبانان خشمگین سرخواهند رسید
وهمه "خارها" را خواهند چید —
تا "لاله" سربرکشد
بگو: که‌یک‌ماهی سیاه‌کوچولو — هرچند تنها
اما هزاران ماهی سرخ‌کوچولو را بدریا میکشاند
آنقدر که‌ازوحشت‌انبوهشان، کوسه‌ها برمند
بگو: کویر سرانجام میزبان خزر خواهد شد
وکودکان معصوم گرسنه
درعزم شکستن فاصله‌ها
برسفرهٔ بزرگ پدر —
گرسنگی وتشنگی‌ونارنجک‌را بشاوی تقسیم خواهند کرد
تا..... "نان" رابشاوی تقسیم کنند
ای برادر آنان را بگوی:
روزی "سوت" کارخانه‌ها فرمان حمله میشود
ودیوارهاشان سنگر —
وبجای "گندم" ازمزارع "تفنگ" میروید
آنوقت: "زمین چمن‌ما نفس‌را رامی میکشد
ودیوارهای دانشکده‌مان سپیدی صلح را باز می‌یابند
و بلندی البرز کناره‌های گرم خلیج‌را —
سلام میگوید، سلام
ای برادر آنان‌را بگوی....

آبانماه ۵۸ — نعمت‌الله فتح‌اللهی

محرم ماه "خون" و "پیام رهایی بخش توحید"

بقیه از صفحه اول

مردم ما خود را در جهت این مکتب "رهایی بخش" و "تاریخ ساز" بسیج می‌کنند

در پرتو چنین انقلابی است که "هاجر" ها — این بردگان و قربانیان تاریخ، و این انسانهای گرفتار در زنجیر اسارت قرون، و این ستمدیده‌ترین رنجبران که‌تحت ستم مضاعف و پیچیده‌ای قرار دارند — به مقام رفیع انسانیت و به "خانهٔ خدا" رسیده و جایگاه واقعی خود را می یابند، و در موضع حقیقی خودکه معبد انسانهای آگاه و مؤمن تاریخ است میرسند. و در پرتو همین مبارزه است که محرومین و مستضعفان حکومت توحید را میگیرند، و به تحقق آرمانهای توده‌ها قیام میکنند. وبدین سان است که راه خدا یعنی همان راه مستضعفین تجسم عینی پیدا میکند.

براستی حماسه آفرینان ماه محرم، پرچمدار چنین مبارزه‌ای بوده‌اند، و پیگار یک امت و رهبری توحیدی آن — امام حسین — را برای همیشه به عنوان یک الگو و سمبل یک انقلاب مکتبی جاودانه ساخته‌اند. خلق قهرمان ضمن تجلیل از فداکاریها و ایثارهای این انقلابیون، وضمن بزرگداشت خاطرهٔ انسانهای طرازتوحید، میکوشد که:

اولاً — با گسترش فرهنگ انقلابی این پویندگان راه خدا، گامی شایسته درجهت هرچه‌شکوفاتر کردن انقلاب راستین رنجبران بردارد.

ثانیاً — خود را درجهت همگام شدن با این مکتب رهایی بخش وتاریخ ساز بسیج کند. وسعی نماید که با رهنمود گرفتن از آن، جامعه خویش را در مبارزهٔ کنونی اش یاری دهد، و انقلاب رهائی بخش و ضد امپریالیستی مردم ایران را عمق بخشد.

برای توده‌های ما، ماه محرم همیشه ماه جوشش و تحرک و ماه قیام بوده.

برای توده‌های ما، ماه محرم همیشه ماه جوشش و تحرک، وماه قیام و مبارزه بوده‌است. کافی است به‌تاریخ گذشتهٔ این خلق بنگرید. زیاد دور نرویم و سال گذشته را بیاد آوریم. در آن هنگامه دیدیم کچگونه خلق ما در همین ماه از تمام شیوه‌های مبارزه برای نابودی نظام دیکتاتوری بهره گرفت، وقیام خونین خود را اوج نازهای بخشید.

مردم ما بخوبی حوادث خونین ماه‌محرم سال گذشته را بیاد دارند، که سرآغاز آن "فاجعهٔ جانکاه مزجمعه" در طلیعهٔ این ماه بود. مردم ما هرگز روش ابتکاری خود را در مبارزه با حکومت چکمه پوشان و نظامیان آریامهری فراموش نخواهند کرد. آن موقع که مبارزه را در شبها بروی بامها کشاندند، و سپس هرخانه وکاشانه‌ای را در ساعت حکومت نظامی، وسکوت و تاریکی به سنگر اعتراض و مبارزه تبدیل نمودند. و درهمین روزها بود که ضمن نادیده گرفتن حکومت نظامی رامپیمائی های پرشکوه و چند میلیونی "تاسوعا" و "عاشورا" را برگزار کردند. تظاهراتی که هریک نسبت به تظاهرات گذشته خود بزرگترین و با شکوه‌ترین بود.

حقیقتاً که ماه محرم در سال گذشته محتوای عمیقی داشت.

و درسال جاری و در طلیعهٔ ماه محرم بار دیگر شاهدیم که تداوم مبارزه خلق ما، در مسیر انقلاب رهائی بخش خود بعد جدی یافته است. در آغاز ماه محرم است که خلق ما بار دیگر پرچم انقلاب را به اهتزاز درآورده، و میرود که با بهره‌گیری از مکتب همیشه انقلابی اسلام، در ایران معاصر پرچمدار مبارزهٔ ضد امپریالیستی دراین نقطه از جهان شود.

ما همزمانی ماه محرم را با اوج‌گیری مجدد مبارزه، رهائی بخش خلقمان تجلی نیکوی این اندیشه دانسته (کل یوم عاشورا، و کل ارض کربلا)، و آرزو میکنیم که عاشورای امسال برای مردم ما پیام "حریت و رهایی" داشته باشد. و نوید دهندهٔ مرحلهٔ نوینی شود که طی آن تماهندهای اسارت و وابستگی اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی جامعه ما قطع گردد، و دست بیگانگان جهانخوار و درراس آنها امپریالیزم آمریکا قطع شود.

جگونه یک غول سر برمیدارد (۲)

ویتنام جهرهٔ واقعی امپریالیسم درنده خوی آمریکارا آنجنان که هست به جهانیان نمایاند

بقیه از صفحه ۷

میکنیم، به آن امید که به شناخت ما- هیت امپریالیسم آمریکا آشنا شویم. آمریکا دراین جنگ قاتلانه از انواع سلاحها و ازهمه نیروی عظیم تکنیکی خود بجز سلاحهای هسته‌ای استفاده کرد. نباید پنداشت که عدم استفاده از اسلحه‌ای به ملاحظات انسانی دولت آمریکا مربوط میشود. امپریالیسم دشمن انسان وانسانیت است. تنها در این مورد محظورات سیاسی را باید دخیل دانست وبس. چنانچه هنگام درگیری استعمارگران فرانسوی درویتنام و وقتی آثار شکست در فرانسویان ظاهر شد، " فاستر دالس " وزیرخارجه آمریکا استفاده از بمبهای اتمی آمریکارا به دولت فرانسه پیشنهاد کرد که البته استعمارگران فرانسوی باز بملاحظات سیاسی این پیشنهاد را نپذیرفتند.

مقدار بمبی که آمریکا بر ویتنام فروریخت از مجموع بمبهائی که در جنگ دوم جهانی، دول متخاصم استفاده کردند بیشتر است. این بمبها از پیشرفته‌ترین ومخرب‌ترین بمبها بودند، از بمب ناپالم گرفته (که ماده ای شیمیائی است وپیوسته میسوزد و نمی- شود آن را خاموش کرد) تا بمب های شیمیائی مثل ترکیبات ارسنیک ومواد‌ی که در داخل گوشت بدن مشتعل میشوند و گوشت را میخورند. و از بمبهای خو- شه‌ای گرفته تا بمبهای ناخیری و... ازصدها نوع بمب هرچه‌توانستند بر روی مردم ویتنام باریدند.

و باپهای این باران آتش از هوا، به کمک رژیم منحط و دست نشاندهٔ به اصطلاح ویتنامی، ۴۰۰،۰۰۰ نفر را به وحشیانه‌ترین شکل به بند کشیدند و شکنجه کردند. که دهها هزار نفر زیر این شکنجه‌ها مردند و صدها هزارناقص العضو یا فلج شدند.

دهکده‌های استراتژیکی درویتنام کبیهٔ اردوگاههای نازی

آمریکاتیها جمعیتهای روستائی‌را به منظور قطع رابطه با نیروهای انقلابیون به درون اردوگاههائی بنام " دهکده‌های استراتژیکی " راندند. این به اصطلاح دهکده‌ها دارای همهٔ خصوصیات اردوگاههای نازیها بودند، و با میله‌های نوک تیز، سیمهای خار- دار و خندق احاطه شده بودند، و به وسیلهٔ نگهبانانی که به سگ‌مجهزبودند پاسداری میشدند. در اواسط سال ۱۹۶۳ قریب ۸ میلیون نفر از جمعیت روستائی دراین اردوگاهها برمیبردند. بنقول روستائی خارج‌ازاین دهکده‌ها به وحشیانه‌ترین‌شکلی از زمین‌وهوا حمله میکردند. بطوریکه صدای آمریکا در سال ۱۹۶۳ اعتراف کرده، نیروی هوائی آمریکا، طی سال ۶۲ روزی منا- طق روستائی خارج از این دهکده‌ها ۵۰ هزار حمله انجام داده‌است.

قتل عامهای دهشتناکی نظیر یک نمونه دهکدهٔ " مای لای " کافتاد شد، در همین رابطه و برای ازمیان‌برداشتن " دشمن " مورد پیگرد. این دشمن عبارت‌بود از همهٔ اهالی دهکده که شامل کودکان، نوزادان، زنان، پیران و... همهٔ همه بود.

"لطف امپریالیستی!"

البته هملاقدامات آمریکائیان در ویتنام از این قبیل نبود، آنها گاهی لطف هم میکردند. بطوریکه روزنامهٔ تایمز گزارش داده است: " در ۱۰ سپتامبر، روز جشن کودک درویتنام شمالی، هواپیماهای آمریکائی دهها‌زار بسته اسباب بازی، وسایل مدرسه و حلوا بون را روی پنج شهر ویتنام شمالی فرو ریختند. ابتکار پخش بسته ها از کارشناسان زوانی " سیا " بود. وهزینهٔ آن را دولت ویتنام جنوبی میپرداخت، اما یک اشکال کوچک در کاربود، منطقه‌ای که بسته‌ها روی آن فروریختند، قبلا " بوسیله هواپیماهای آمریکا بمباران شده بود. بسته‌های گرانبها روی کودکانی افتاد که بعضی از آنها به سبب بمبارانهای پیشین نه چشمی داشتند که ببینند ونه دستی که آنها را بگیرند! اگر نقشهٔ جهان را پیش خود بگسترانیم، درواقع هیچ نقطه‌ای از کرهٔ زمین را نمی‌یابیم که امپریالیسم بویژه امپریالیسم آمریکا آن را به فساد و تباهی و خونریزجنایت نیالوده باشد. برتراندراسل فیلسوف ملحدوست انگلیسی میگوید: " سرچشمهٔ جنگ و رنج، درهرجنگ، جهان، درکنار امپریالیسم ایالات متحده قرار دارد. هرجا که گرسنگی هست، هرجا که استبداد استثمارگر حکمرواست، هرجا که‌مردم شکنجه میشوند وتوده‌ها زیر بار بیماری و گرسنگی میپوسند، نیرویی که مردم‌را به اطاعت وامیدارد، ازواداشتن سرچشمه میگیرد. نظامی که بر مردم جهان ستم میکند، بین‌المللی، فعال- هنگ ونیرومند است. اما نفرت آور و بیدادگر میباشد. و مردم جهان بسه راههای گوناگون در برابرش مقاومت میکنند. در برابر چنین تسلطی باید مقاومتی‌متحد و هماهنگ ایجاد شود. مبارزهٔ همگانی مردم ستمدیده! بیائید برای مقاومت در برابرامپریالیسم امریکا بهم بپیوندیم!"

ردیابی سیاست امپریالیزم درقبال موج جدید ضدامپریالیستی خلق

کارتر در ابتداء از آمریکائیها خواست که امنیت هموطنان خود را در تهران برهرچیز مقدم بدارند

بعداز اشغال قهرمانانه لانهٔ جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام که برای بسیاری از محافل ونیروها غیر قابل پیش‌بینی بود، یکی‌ازعمده‌ترین‌سؤالاتی که به ذهن خطور میکرد، سیاست وموضعگیری آمریکا درقبال این موج جدیداست. برای درک این سیاست لزوماً باید به این نکته توجه اساسی کنیم‌که هر سیاستی که آمریکا درپیش گیرد براساس تجربیات ضدانقلابی وتحلیلی‌ست که ازجریان مبارزهٔ ضددیکتاتوری، درایران بدست آورده است، بهمین دلیل از عمق و پیچیدگی و ظرافت بیشتری برخوردارخواهدبود.

این سیاست وتاکتیکهای خاص آن ابتداء با سکوت ومشاورهٔ کارتر- برژینسکی وهیئت ویژه وزارت امور خارجه به‌ریاست هارولد ساندرز- معاون وزارت امورخارجه- آغازمیشود. منابع وزارت امورخارجه دراین‌مرحله فقط به اظهارات کاملا" دیپلماتیک ازقبیل اظهار "نگرانی‌وتشویش" و "امیدواری" درحل مسئله و قدردانی از زحمات دولت و... کفایت‌می‌کنند. وسیاست "صبروحوصله" را در این مورد پیش میگیرند. اما با اوج‌گرفتن جریان و جدی تر شدن آن فعل و انفعالات سیاسی تندتر‌میشوداظهارنظر های جناح‌های مخالف و رقیب انعکاسی از این حاد شدن جریاناتست. جان‌کانالی‌که یکی ازنامزدهای ریاست جمهوری‌ازحزب‌جمهوری‌خواه‌است‌دراینا میگوید‌اگرونیس جمهور بود از آیت‌الله خمینی می‌خواست که برای نجات گروگانهای آمریکائی دخالت کند. اما همینکه امام هرگونه مذاکره یامقامات آمریکائی را رد- می‌کندوسفاب آن هیئت‌آمریکائی برپاست (رمزی‌کلارک) - همان کسی که درپاریس با امام ملاقات کرد- ازنیمه راه برگشت داده میشودلحن جان‌کانالی عوض شده و ضمن متهم کردن کارتر به عدم‌قاطعیت میگوید " اگرتسلیم وسازش نومی هنر بود درآنصورت دولت فعلی آمریکا (راسراند) زمان‌بود". درواقع اینگونه اظهار نظرها راستوان خارج ازکود بودن واظهارات مقامات غیرمسئول تلقی‌کرد. افتخاریه رمزی‌کلارک برای سفر به ایران باتوجه‌به‌نقشی که در دیپلماسی مکوتت امام در آنجا داشت. خودنشان‌دهنده‌ٔ اینست که مقامات‌کاخ سفید نمی‌خواهند، قضیه راحادتر ازآنچه هست بکنند. و باصطلاح آشنائی قدیمی فرستاده‌اند. اما با بالا گرفتن احساسات ضد آمریکائی امکان هر گونه اقدام دیپلماتیک مستقیم از بین میرود- سکهای زنجیری آمریکا دست بکار میشوند. آمریکا ازپاکستان وعربستان می‌خواهد که‌در کشمکش آن‌کشوربا‌ایران وساطت کنند. چادارد سؤال کنیم چرا "ضیا الحق" و"ملک‌خالد" انتخاب میشوند؟ علت این مسئله همانست که درابتداء اشاره کردیم. آمریکا در جریان سازرات ضددیکتاتوری‌به‌مفهوم و نقشی که مذهب درتوده‌های مردم و رهبران آن دار د توجه کرده است، بخصوص اصرار مقامات بر اسلامی‌بودن کشورو اقدامات مشابهی که بعضی از مقامات ایرانی در رابطه با پیاده‌کردن قوانین "اسلامی" ا ا آنچه که ضیاءالحق وملک‌خالد بنام "اسلام" انجام‌داده‌ومیدهند، درکرده‌وبنابر این دوباستمدار بظاهر مسلمان را واسطه قرار میدهد. کسانی که همگی از میزان وابستگی‌شان‌خبرها داریم.

کارتربعدازناامیدشدن‌ازاقدامات پاکستان وعربستان ازپاپ کمک گرفت

اما این وساطت نیزمیدانی برای عمل پیدانمی‌کند. بنا بر این اسقف‌هانیبال‌مرکنیمی‌باناماه‌ای‌ازپاپ، برای امام خمینی وارد تهران میشود تا برای آزادی گروگانهای سفارت آمریکا درتهران تلاش کند. اما موضع قاطع امام‌خمینی‌این‌دسیسه‌هارا‌نیزنقش برآب می‌کند. امام‌خمینی درملاقات با نمایندهٔپاپ می‌گوید: "مامیل داشتیم که گوش ما رابک وقت هم نفسهٔ امثال آقای پاپ‌نوازش بدهدواستفسار کندکه این ملت چرا با این وضع بسرمیبرد؟" امام‌خمینی‌باتواضعی توده‌ای اظهار می‌کند "آقای‌پاپ ایرانیاندکه مسئله مسئله‌ای نیست که من بتوانم به شخصه حلش‌کنم "درهمین‌ملاقات بودکه امام خطاب به کارتر میگوید " با۳۵ ملیون جمعیت‌داریم.... با این ۳۸ملیون بمیدان میرویم، بعدکه همه شهید شدیم خودتان با ایران هرکاری که می‌خواهید بکنید. ما از این نمیترسیم مامردجنگی هستیم.... آقای کارترما را زمباره نترساند "حالت است که به یاد آوریم درسال گذشته همزمان باورود امام خمینی به ایران پاپ به آمریکای لاتین مسافرت کرد ومورد استقبال شدید مردم قرار گرفت. پیام پاپ. درهمان سفر به توده‌های میلیونی مستقبل خودجدائی دین ازسیاست بود... واینجاست که هشداری‌امام کاتولیک" " قریب "استفاده" عوام فریبانه ازاحساسات مذهبی توسط‌این مزدوران، وسوپاپ‌های اطمینان امپریالیسم را نقش بر آب می‌کند. و مبارزه را بکبار دیگر اوجی‌تازه‌میبخشد.

همراه با این سرسختی اظهار نظر مقامات مختلف آمریکانیزدقت میباید

سناتور جان‌تاوربکی ازاعضاء برجسته‌کمیته امورنظامی اشغال‌سفارت‌را نشانه‌ای از ضعف موجود در دستگاه کارتر- میدانستند، و سؤال می‌کند اگرماموضع اینگونه تهدیدهای بین‌المللی قرار بگیریم چگونه خواهیم توانست به استقلال انرژیک‌برسیم؟ سناتوری ازحزب دمکرات خواهان قطع روابط دیپلماتیک، منع فروش اسلحه‌به ایران، وبازگرداندن تمام دانشجویان ایرانی، که تظاهرات می‌کنندمیشود. دانیل‌کریس‌می‌گوید که کارتر... نباید گروگان‌گیری را تحمل کند وباید تاو هواپیماربرآمریکا را به خلیج فارس بفرستد. بابلیونیستن نظرمخالفی دارد او به کارتر اصرار کرده است که هیچ عمل نظامی نکند لیکن‌دانشجویان ایرانی رابه ایران بازگرداند، وتمام روابط تجاریش را با ایران قطع کند، سناتور فرانک چرچ میگوید: تحویل شاه مخلوع بی‌احترامی به ایران است. ومانباید باچسبیل بمکسی بدهیم.

کیسینجر: باید خونسردی خودرا حفظ کنیم وازاقدام کسانی که مسئولیت امور کشوررادردست دارند پشتیبانی کنیم.

اماباظهار نظر کی‌سینجر ازهمه جالبتر است او میگوید: "باید خونسردی خودرا حفظ کنیم واقدام کسانی که مسئولیت امور کشور را در دست‌دارند پشتیبانی‌کنیم. ویقتی همه چیز تمام شد آن موقع باید کوشش کنیم کشف کنیم چه‌چیزی رهبران خارجی راوادار می‌کند چنین رفتاری با آمریکا داشته باشند." عمق سیاست‌مزورانهٔ‌امپریالیسم باکمی‌دقت دراظهارات کی‌سینجرروشن میشود. بنیان‌گزار سیاست ضدخلقی "قدرتهای‌منطقه‌ای" یکی که در قدرتندکردن شاه عاش نقش بسزائی داشت، حامی وموثق همیشگی سیاستهای ضدخلقی شاه، کسیکه تا آخرین لحظات ازپشتیبانی شاه وباند جنایتکارش قدمی بعقب نشست، منتقد سیاست باصطلاح حقوق بشری کارتر، حالا صحبت‌ازپشتیبانی‌کسانی‌میکند که مسئولیت امور را در دست دارند. اکنون صحبت از حفظ "خونسردی" می‌کند اکنون‌انتظار "وقتی‌همه‌چیزتمام شد" رامی‌کشد. براستی چشم امید اوبه چه‌کسانی‌است! کی‌سینجر که همواره سخنگوی جناح بازهای آمریکا بوده‌است بخوبی ازتجربیات مبارزاتی خلق در دورهٔ ضددیکتاتوری پندگرفته است. او میداندازهرگونه اقدام تندروانه‌ای که منجر به جریحه دارکردن احساسات توده مردم شود باید خودداری کرد. اودرسر "روبای فروکش کردن این موج ضدامپریالیستی رادارد. وبهمین دلیل با کارتر نیز در این مورد به وحدت میرسد. سیاست امپریالیستها در این دوره "عدم‌تحریک" است. دقیقا" درهمین رابطه کارتر طی‌پیامی ازآمریکائی‌ها می‌خواهد که از هر اقدامی که ممکنست امنیت ۶۰ گروگان رابه خطر بیاندازد خودداری کنند. او از همهٔ آمریکائیها ! میخواهد که امنیت هموطنان خود رادر تهران بر هر چیز مقدم‌بدارند و" خویشتن داری کامل از خودنشان دهند"! روش است که این خویشتن داری درواقع نه برای حفظ جان گروگانها که برای جلوگیری‌از دامن‌زدن‌به‌مبارزهٔ‌ضدامپریالیستی‌ست.

بعدازپی‌فایده‌شدن‌سیاست "صبرو حوصله" همپای باخروش خلق‌آمریکا چهره‌کریه‌وزشت‌خودراعریان ساخت

اماوقتی در همین مورد تیرشان به سنگ میخورد ووقتی خروش مردم را می‌بینند، دست به حربهٔ جدیدتری که هرچه بیشتر ماهیت ریاکارانه‌اش را برملا می‌کند میزند. موضع مظلوم گرفتن، تبلیغ وسیع وهمه‌جانبه برای بسیج افکار عمومی، وغیرقانونی نشان دادن تسخیرلانهٔ‌جاسوسی، و ازهمین موضع اعلام تحریم خرید نفتی وبستن حساب ذخایر ارزی ایران درآمریکا و کلیهٔ شعب بانکهای آمریکائی درسراسر جهان و... همهای این‌سیاست تهدید، چاره‌جوئی برای ازبن‌بست درآمدن و پیداکردن راه حلی برای شاه است. اینماست که سگ جدید امپریالیسم در منطقه - سادات - به کمک ارباب‌میآید وضمن محکوم کردن گروگان گیری و خواستن استرداد شاه، بعنوان اقدامی عدالتطلبانه!! ازشاه دعوت می‌کندکه به مصرب‌رود.

نکتهٔ بسیار مهم وحساس‌در اینجا طرز برخورد ما میتواندباشد با این تبلیغات زهرآگین وسمی. اهمال وعدم قاطعیت درحل انقلابی مسئله گروگانها فرصت تبلیغ هرچه بیشتر رابه امپریالیسم داده‌واو موفق به‌بسیج هرچه بیشتر افکار عمومی جهان‌میگردد شورای انقلاب‌که درمقطع کنونی مسئولیت‌تمام‌کارها را دارا می‌باشد، وظیفه خطیر وحساس انقلابی مسئله را هم بعهده‌دارد، که تنها باقطع روابط ضد انسانی والغاء قراردادهای نظامی، اقتصادی وافشای عناصر مزدور و شبکه‌های جاسوسی امپریالیسم امکانپذیر است،وهمراه باآن بایمان حقوق حقه و مسلم خود درجهت استرداد شاه‌خائن وبازپس گرفتن کلیهٔ اموالی که از این میهن بسرقت برده است اقدام وبا کمک گرفتن ازسازمانهاوارگانهای‌انقلابی ومترقی وآزاده‌بجوان جهانی تبلیغات زهرآگین وعوام‌فریبانه امپریالیستها راخنثی سازیم.

گزارشی ازمراسم بیست‌وششمین سالگرد شهید نهضت ملی ایران دکتر حسین فاطمی

برمزاراو و مرقدشهدای سی تیر

درمراسمی‌که برای بزرگداشت خاطرهٔ شهید نهضت ملی ایران در روز جمعه ۵۸/۸/۱۸ برگزار شده‌بود، از "دکتر حسین فاطمی" تجلیل گردید. دراینداء مراسم با تلاوت‌آیاتی از قرآن مجید شروع شد. آنگاه سخنان زنده‌یاد شهید فاطمی پخش گردید. به راستی دراین سخنان دکتر فاطمی بود که از نهضت ملی ایران، لزوم اتحاد و همبستگی مردم در مقابل استعمار، نقش مطبوعات، و لزوم آزادی آنها سخن میگفت، بیانات او چنان‌بود که گوئی مسایل امروز جامعه ما را بازگو میکند.

سپس‌مرادرمجاهد "موسی‌خیابانی" ضمن تجلیل از مبارزات " شهید دکتر فاطمی "، اورا از سنگ بناهای مبارزه ملت ایران در راه بدست‌آوردن‌آزادی و مبارزه علنیه امپریالیسم معرفی کرد، و بحق او را یک ستاره درخشان در آسمان انقلاب ایران و در دوران نهضت ملی به رهبری " دکترمصدق " دانست. موسی خیابانی ادامه داد: " رژیم شاه و امپریالیستها در طول این سالیان دراز کوشش داشتند که خاطره و نام او را از اذهان بزدایند و مانع شناخته شدن او بشوند. اما مگر میشود خورشید را برای همیشه در پس ابرهای تیره نگاهداشت. خلق وپیش- تازان مبارزش، درطول این سالیان دراز یاد او را زنده داشتند، و راهش را ادامه دادند. " چرا که او آموخته بود که هیچگونه رابطه مسالمت آمیز بین خلقها و استعمار وجود ندارد. سازمان مجاهدین خلق ایران کوشیده است تا راه ضد آمپریالیستی‌اوهمچنان ادامه یابد.

آنگاه دکتر عبدالکریم لاهیجی درباره شهید سیاسی دکتر فاطمی سخن گفت‌و افزود: " دکتر فاطمی، مثبت بکرنگ، و متعهد بود... سپس از طرف جامعه ورزشکاران ملی و سایر نیروها از " شهید نهضت ملی ایران " تجلیل شد.

بعد از اتمام سخنرانی شرکت‌کنندگان برمزارشهید فاطمی فاتحه خواندند و از عکس برادران مجاهدودکتر لاهیجی برمزارآویخته‌می- شوند) آنگاه‌برادران‌مجاهد وهمراهان‌برمزار میسر راه‌ه مشقی رفتند.

دربارهٔ خلع سلاح

صرف نگهداری سلاح هیچگونه عقوبتی ندارد

بقیه از صفحه ۲

قوام و ثبات جامعه میدانست. و از آنجا که داشتن سلاح را حق مردم می- شمرد برای آنکه این حق برای مسلمین محفوظ بماند حتی مخالفین وضدانقلا- بیونی را که پس از فتح مکه‌تسلیم‌شدند خلع سلاح‌نکرد. علاوه برآن موقعی که از مشرکی اسلحه خواست، باو گفت که به صورت امانت آن را میگیرد. اصولا" درجامعهٔ انقلابی صدر اسلام مسایل و اختلافات سیاسی وایدئولوژیکی را تنا رمانی که تبدیل به دشمن اصلی‌نمیشد توسط اسلحه حل وفصل نمی کردند. ضرورت وجود سلاح در دست مردم فراتر از اختلاف بود. مثلا" می‌بینیم که امام علی (ع) با غلطا بیعت نکرد، ولی تاکید مینمود که خود قصدبرداشتن زی آنها راندارد. دراین مورد نیز جوّ فکری جامعه اقتضا نکرد که علی (ع) را از داشتن سلاح منع کنند. از پیغمبر اسلام عبارتی دراین موردنقل‌میکنیم: " علیکم بالرمی فانه من خیر سهمکم " " تیر اندازی کنید که از بهترین کوششهای شماست " (صفحه ۴۱۷ نهج الفصاحه).

" علموا بنیکم الرمی فانه نکایة العدو " : " فرزندان خویش را تیر- اندازی آموزید که سرشکستگی دشمن است " (ص ۴۱۴)

"السلیو فی الثلاث، تادیب فرسک و رمیک بقوسک و ... " بازی درسه چیز روا است: اسبت را تربیت کنی، و باکمان تیراندازی‌نمایی و ... " (ص ۱۵۱)

" حق الولد علی الوالد ان یعلمه الکتابة و السباحة والرمایة ... "

" حق پسر برپدر آنست که نوشتن و شناکردن وتیراندختن را به او بیاموزد " (ص ۲۹۳)

در متون فقهی نیز هیچگونه ممانعتی برای نگهداری و داشتن سلاح برای مردم بچشم نمیخورد. ذیلا" چند نکته دراین رابطه ذکر میکنیم.

درکتاب جهاد (ص۲۹۸) تأکید براین مطلب دارد که تمام شرکت‌کنندگان در کارزار باید از اسلحه‌سهم ببرند، و غنیمت تسلیحاتی بدست آمده باید بطور مساوی میان جهاد کنندگان‌توزیع شود. و هیچکس به علت علم و زهد و تقوایش این حق را ندارد که سهم بیشتری از غنائم بدست آورد.

درکتاب تحریرالوسیله (آیت‌الله خمینی) آخر کتاب خمس بحث انفال آمده‌است:

" از جمله انفال غنائم مرغوب مانند مرکب خود، و پارچه های بلندو شمشیر نیکو و تیز است و زره فاخر"

مساله "ظاهر آنست که جمیع انفال در زمان‌غیبت مال شیعیان است بصورت ملک شیعی آنها چواه محتاج باشند وخواه بی‌نیاز".

درمورد نگهداری سلاح اریکی از مراجع طراز اول نیز سؤال شده‌است. ایشان فرموده‌اند که در فقه اسلامی، صرف نگهداری سلاح هیچگونه عقوبتی ندارد، لیکن چنانچه‌آن‌بعنوان (اخافه) ترساندن مردم استفاده شود، کیفر آن (نفی بلد) تبعید بوده، واگرقتلی صورت گیرد مجرم به مجازات قتل‌مورد محاکمه قرار میگیرد.

حالاباید دید مساله خلع سلاح ازکی وکجا وارد تاریخ جامعه باشده، و ریشهٔ این تفکر در چیست؟

ادامه‌دارد

توده‌ها هرگونه سازش با امپریالیزم را محکوم‌کردند

بقیه از صفحه ۲ و

طبیعی است‌که امپریالیستهای جهانخوار و کرکصفت نیز به این سادگیها دست از سر مردم محروم و ستم‌کشیده ما بر نداشته و با انواع دسیسه ها و توطئه ها در بی‌لوث‌کردن و منحرف نمودن خلق بهاخاسته ما در مسیرهای انحرافی باشند.

همانطور که این روزها در مورد گروگانها تبلیغات جهانی شدیدی بر علیه امام و مردم ما به راه انداخته است. در اینجا چیزی که بسیار قابل تأمل و توجه هست و همه را در ابهام فرو برده است.، اینست که: با وجود چنین آمادگیهایی در مردم، وباوجود اصرار مکرر امام در مورد مبارزه برعلیه آمریکای جنایتکار، و خلاصه با وجود اینکه همهوهمه میگویند و میگویم که آمریکا دشمن اصلی ماست، اما چرا و به چه دلیل تا کنون از طرف مقامات مسئول و مشخصا" شورای انقلاب که مسئول مستقیم حفظ خون شهدا و دستاوردهای انقلاب و تداوم آنست، تاکنون عملی انجام‌نداده و هنوز در قطع روابط با آمریکا تعلل میورزد.

ما نمیدانیم چگونه و با چه‌بیانی باید از شورای انقلاب خواست تا دلیل طفره رفتن خود را در قطع رابطه با آمریکا برای مردم توضیح دهد؟

ما نمیدانیم چرا سخنان امام که در موارد متعدد آمریکا را دشمن اصلی ما دانسته و رابطه با او را غیر لازم دانسته اند، توسط شورای انقلاب دنبال نمیشود؟

ما نمیدانیم آیا شورای انقلاب این مطلب را در نظر دارند که‌احتمال میرود حرکت ضد امریکائی خلق ما به انحراف کشیده شود وامپریالیزم یاماری سیا و سایر عوامل نزدورش و پایگاه داخلیش "ارتجاع" این خروش مقدس را لوث کند!

مقبلیا که در شرایط کنونی مسئو- لیت بسیار بزرگی برد‌وش اولیای‌امور سنگینی میکند که‌در انجامش در پیشگاه خدا ودر مقابل خلق مسئولند.

ما انجمنهای دانشجویان مسلمان دانشگاهها، اینک که همراه با سایر مردم مسلمان و مبارزمان پس ازپنج روز، روزه، افطار میکنیم، ضمن هشدار به اعضای محترم شورای انقلاب و نه‌تمام خلق قهرمان ایران در مورد امکان توـ طئه‌ها ودسیسه‌های امپریالیزم آمریکا و انحراف این حرکت مقدس، معتقدیم که برای پاسداری این خروش خلق میبایستی اقدامات زیر انجام شود:

۱ ـ افشاء و لغو کلیهٔ‌قراردادهای ایران وآمریکا، بویژه قراردادهای نظامی و نفتی.

۲ ـ افشاء کلیه مأمورین، شبکه‌ها، روابط سازمان سیا در ایران.

۳ ـ مصادره کردن کلیهٔ سرمایه- های مختلف امپریالیستها در ایران.

۴ ـ قطع کامل روابط ایران‌وآمریکا تاتحویل شاه خائن به ایران.

۵ـ "قطع کامل وابستگیهای اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی با امریکا.

انجمنهای دانشجویان مسلمان دانشگاههای: تهران، صنعتی شریف، علم وصنعت، علی، پلی تکنیک، تربیت معلم، کارو مدارس عالی: کامپیوتر، پارس تکنیکوم، مهدی رضائی، و سایر دانشگاهها و مدارس عالی

نامه‌ای از برادران و خواهران بیدخت

آنجا که دستهای ظریف کودک روستایی از ستم تارهای قالی فریاد می‌کشد.

نامهٔ زیر را برادران وخواهران ما ازبیدخت گناباد همراه با ده‌هزارتومان پول برای ما ارسال داشتند . بخوبی میدانیم که جمع‌آوری این مبلغ درآنجا باچه مشکلاتی همراه بوده است . آرزو داریم که خدا ما راشایسته این همه محبت گرداند .

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران

سازمان مجاهدین خلق ایران

دوره‌های گرمان را ازجنوب خراسان از کویر مخوفناک تقدیم میکنیم . همانها که سالها حاکمیت غارتگران برچهرهٔ سوختهٔ دهقان چروک نشانده است آنجاکه دستهای ظریف کودک‌روستائی ازصدم تارهای قالـــی فریاد می کشـــد .

دهقانان وکودکانی که‌به مشقتان سلسلهایتان به فرش درآمده‌به میرثان شکنجه‌های‌وحشیانه تا تحمل کردید،وجز خدا وخلق به هیچ چیز دل نبستید . میدانیم درهمان حال که زیر شکنجه فریاد الله اکبرتان بلند بودیاخون شهیدان این سازمان سنگفرش خیابانها را رنگین میکرد، مرتجعین کنج عافیت گزیده بودند،و آیه " و لاتلقوا بایدیکم الی التهلکه " را می سرودندو باز میدانیم امروز که برمرغزه انقلاب روی خون هفتاد هزار شهید نشسته اند می خرمانه ترین تهمتها وبرچسبها را به شما میزنند.خانه تان را میگیرندوکمان می برند شما را آواره‌کرده‌اند، غافل از اینکه قلب خلق محنت کشیده ایـــران جایگاه شماست وقلبهای همه ما به شما تعلق دارد . خانه را گرفتند باقلبها چه میتوانند بکنند. ما تاجان داریم از شما و آرمانتان‌که همان آرمان مستضعفان است دفاع خواهیم کرد .

این نامه را ازیک ده بنام بیدخت در ده کیلومتری گناباد مینویسیم . مبلغ بسیار ناچیزی که مابه عیالات ماست وارز کردیم که فیش آن‌پیوست است . میدانیم که با آن‌هیچ دردی دوا نمیشود، و امیدتان دراین راه فقط به خداست،و بدانید دراین راه طولانی تا برپائی جامعه بی‌طبقه‌توحیدی خلق شما را تنها نخواهد گذاشت . پیروز باشید .

انجمن جوانان مسلمان بیدخت

نامهٔ نشریهٔ مجاهد به انجمن جوانان مسلمان بیدخت

خواهران وبرادران :

درهنگامی که برای درج نامه پر ازمحبت شما در نشریه "مجاهد" آماده شده بودیم،خبر دردناک فاجعه زلزله در منطقه "قائنات"ونواحی اطراف منتشر شد . ما به پیروی از فرمان امام خمینی مبنی بر بسیج همهٔ امکانات مردمی برای مقابله با این مصیبت ، ضمن تسلیت به تمامی مردم،بویژه هواداران خود در انجمن جوانان مسلمان بیدخت، مبلغ فوق را باضافه ۱۰ هزار تومان دیگر دراختیارتان قرار میدهیم،تا در راه خلق وبازسازی منطقه بکار گرفته شود .

ازطرف نشریه مجاهد

ترور "تصادفی"!! رئیس جمهورکره

ازنظرتوده‌های جهان سوم، هیچ مانوری نمیتواند چهرهٔ کریه امپریالیزم راتغییر دهد

توطئهٔ جدیدی که‌طرفداران حقوق بشربرای مردم کره جنوبی چیده‌اند

با ترور رئیس جمهورکرهٔ جنوبی پروندهٔ ننگین یکی دیگرازدیکتاتورهای سگای معاصر به زباله‌دانی تاریخ انداخته شد . "پرزیدنت‌پارک" همچون همپالکی‌های دیگرش "وان‌شو" و "شاه" و "سوموزا" و . . . . سالهای سال‌قدرت وزور حکومت کرد . اودرخلال ۱۹ سال زمامداریش تمامی آنچه راکه درتوان داشت بکاربرد . تا درحفظ منافع اربابانش بر دیگران پیشی گیرد . خشونت‌هائی‌که "پرزیدنت‌پارک" در سرکوب آزادیخواهان وعناصرمخالف ازخودنشان میداده همواره زبانزد خاص وعام بود . هرچند وقت یکبار افتتاح یک تجارت بزرگ‌یاچاق ، یک رسوائی جنسی ، یک تقلب‌انتخاباتی ، یک محاکمه‌فرمایشی،یک سرکوب‌خونین اسم اورابرسرزبانها میانداخت .

امپریالیسم آمریکاهم ازهیچ‌کمکی‌به اوخودداری نمیکرد . چراکه شرایط خاص کره ایجاب میکردازمروسکهای سیاسی خودبه خالیترین وجهی حمایت نماید . درشرایط فعلی درست درزمانی که تظاهرات مخالفان میرفت تاکره را بایک بحران دیگرسیاسی روبرو کند ، ترور "پارک" بدست رئیس سازمان امنیت کشورانجام‌گرفت . ومتعاقب آن حکومت نظامی در سرتاسر کره اعلام گردید . مقامات مسئول ابتداءاعلام کردند که این ترورکاملا "تصادفی"بوده است . اما حمایت بلافاصله‌امپریالیسم آمریکاازحاکمان جدید ، ماهیت این ترور باصطلاح "تصادفی" !! را روشن کرد . ترور مرموک شبیه سازیهای آمریکا شکل پیچیده‌ای‌ازاعمال‌سیاست جدید آمریکا درصحنه‌بین‌المللی‌است . ورئیس‌جمهور مقتول قربانی جدید آن می‌باشد . نگاه‌گذرائی بوقایع چندماهه اخیر کره‌مسائل زیادی راروشن‌میکند .

کره درچند ماه گذشته

آنچه که ازگزارشات مطبوعات برمیآید اینست که چندماه پیش رهبر حزب مخالف ازپارلمان اخراج شد . ومتعاقب آن ۶۹ نماینده‌ٔ جناح اقلیت درپارلمان استعفا کرد . درچندماه اخیرفشار و خفقان شدت بیشتری‌یافت . وبااینکه تعدادی ازروشنفکران سیاسی کره تحت فشار کارتر آزاد شدند . ولی موج دستگیری های جدیدتعدادزیادتری از روشنفکران ، استادان، ودانشجویان را به زندان بازگرداند . وجالب است که دستگیرشدگان نماز "کمونیست‌های‌عامل کره‌شمالی!!" ـ اصطلاحی که همیشه پارک درمورد مخالفینش بکارمی برد ـ بلکه ازحزب قانونی ا ولی‌مخالف دولت ا بودند .

آمریکا بهمین علت سفیر خود رابه واشنگتن احضار کرده ،اعلام نمود که اخراج مخالفین‌برخلاف‌اصول حکومت‌های دموکراتیک است . ودراین رابطه قویا" به پارک اعتراض کرد . پس ازتماسهائی بامخالفین ، "هارولدبراون" وزیردفاع آمریکا بهمراه سفیرآمریکا به کره‌جنوبی رفته ، وبه‌مذاکره‌با‌پارک می‌پردازد . در این‌مذاکرات" براون "شدیدا" به "پارک" درمورد سیاست اختناق آمیز کشور "هشدار" میدهد . درچنین شرایطی‌که نارضایتی‌آمریکا ازسیاست‌های خشن و غیر "حقوق‌بشری" پارک روشن می‌شود تروز او توسط‌رئیس سازمان امنیت‌کشور اتفاق می‌افتد . مطابق گفته‌های منابع کره‌ای‌رئیس سازمان امنیت کشور در ماههای اخیر به خاطر "قضاوتهای نادرست درمورد تظاهرات اخیر کشور وعکس‌العمل‌های نابجاست درمقابل نیروهای ، سیاسی" مغضوب‌بوده‌است. دولت کره اعلام می‌کند که علت "ترور" بیم ازبرکناری‌وسلب اعتمادپارک از وی بوده است . عکس‌العمل‌موضعگیری آمریکا نیز گوشهٔ دیگری ازماهیت جریانات راروشن می کند . بلافاصله‌بعد ازواقعه ، کارترباپزشکی ، هارولدبراون فرماندهان نیروهای سه‌گانه‌نظامی ، کریستوفر معاون وزارت امورخارجه و نمایندهٔ سیاسی‌اقدامات کرده ،وتندیدا" به کره‌شمالی اخطاری‌کندکه مسئله یک امر "داخلی" است . وقویا "در مقابل‌هر گونه سوء استفاده‌ای‌واکنش نشان‌خواهد داد . وبرای اطمینان خاطربه۳۸هزار تفنگدارخود در کره آماده‌باش‌میدهد . وازسوی دیگر به کفیل‌ریاست جمهوری اعلام میدهدکه به تعهدات خود در آن کشور بشدت پای‌بند است ، وموضع محکم خودرادرکره حفظ خواهدکرد . مطابق قانون اساسی نخست وزیر بعنوان ریاست جمهوری برگزیده‌میشود، تا درخلال سه‌ماه آینده مقدمات انتخابات ریاست جمهوری رافراهم‌کند. هرچند که بنابگفتهٔ یک منبع مطلع در این مرحله بسیار مشکل است که بگوئیم قدرت راچه کسی بدست خواهدگرفت، لیکن شمای ازعضوهیات‌رهبران‌جدید جلب نظرمی‌کند . دونفری که درحال حاضر قدرت را درکره دردست دارند ازرهبران نظامی "معتدل" به حساب می‌آیند . رئیس جمهورجدید هرچندکه ازسالهاقبل همکارنزدیک پارک بوده است ، ولی مردی "میانه‌رو" و "نرم‌خو" است . وبیشتربه عنوان یک‌دیپلماتشناخته شده است تا یک ستاسمدار . یکی از ناراضیان گفته است رهبرجدیدهمواره خواستار " رشداقتصادی‌کشوری افزایش آزادیهای‌سیاسی‌و "احترام‌به‌حقوق‌بشر" بوده است .

تروریارک وعمق سیاستهای ضدخلقی آمریکا

ازمجموع اطلاعات بدست آمده به راحتی میتوان شکل جدیدی ازپیاده شدن سیاست ضدخلقی آمریکارا دریافت . این سیاست که طبیعی از تز برژینسکی "متاورامنیتی" کارخراست دارای اصول از پیش تعیین شده‌ای است . بر اساس تحلیلی برژینسکی تجربیات انقلابات نشان داده‌است که وقتی جنبش درکشورهای وابسته آغاز شود وجرقه حمایت آمریکا از دیکتاتورهادوام یابد ،انقلاب عمق بیشتری یافته ورهبری‌جریان ازکنترل عناصرمحافظه کار ولیبرال ومترجع ، که بهرحال از نظرتاریخی درمقابل امپریالیسم به سازش میرسند ،خارج شده وبدست عناصر مترقی تر وبا سازمانهای‌رادیکال‌می‌افتد .

عقب نشینی تاریخی آمریکاوپی‌آمدهای آن در ایران وتجربه نیکاراگوئه‌نشان دادکه چنانچه آمریکا دیر بجنبد محتوای ضدامپریالیستی این مبارزات که درآغازضدتا"ضددیکتاتوری است . غنای بیشتری می‌یابد .

کارتراز ابتدای زمامداری‌اش درکنار تضادخاصی متناسب باشرایط ویژه‌کره بود ، چرا که از یکطرف خاءای ضدامپریالیست‌درکره‌جنوبی وکره‌شمالی قرارداشتند ،وبهمین دلیل نمیتوانست تمام‌تفنگداران‌ونیروهای‌نظامی‌خودرا از آنجا خارج کند . واز سوی دیگروضعیت خاص جهانی و خط جدید حاکم بر سیاست خارجی آمریکا ایجاب میکردکه مانند گذشته عمل نکند .بهمین دلیل سیاست آمریکا در آغاز با یک تردید مواجه بود . وعاقبت هم با کم کردن نیروهادرآنجا مشکل ،بشکلی فیصله یافت . وبه سازش با "پارک" رسید لیکن بعدازحرباتات‌اخیروموضعگیریهای "پارک" وتجربیات جدیدی که آمریکا در ایران ونیکاراگوئه به دست آورد ، دست‌بیک عمل‌بازدارندوموضعانگیزه‌ای زد .آمریکا یکی ازمروسکهای‌قدیمی خود را قربانی کرد تاجلوی‌هرچیزمرموشوب رابگیرد . زیرا ازچهرهٔ"منفور پرریزه‌ت "پارک" در کره ماهها وسالها بود که پرده برداشته بود . درآغاز یکبحران سیاسی، ازبیشترتعیین‌شده‌عمل‌بازدارنده آمریکابازدیگرعمق‌سیاست‌های‌ضدخلقی او را برملا می‌کند .سیاستی‌که‌کشته‌شدن دیکتاتوربه‌معنی‌نفی‌حاکمیت‌امپریالیسم نیست . بلکه یک رنگ‌موفی‌کردن‌موزائیه است ، تاخلق‌کره بطرح‌مسائل‌اساسی‌اش اقدام نکند ، ودرواقع یک شیوهٔ استثماری امپریالیستی جای‌خودراستحکم پیچیده‌تر و الزاما" در شرایط آنجا به‌چندان ترمتردبدهد .

***

درجریان راهپیمائی روزجمعه :

توده‌ها، هرگونه سازش باامپریالیزم رامحکوم کردند

توطئه‌های آمریکاخلق مارادرمبارزه‌باومصمم‌ترساخت

بدنبال اشغال جاسوسخانهٔ آمریکا درتهران ، و کشف اسناد توطئه‌گرانه این امپریالیسم درایران ، موج حمایت توده‌های‌مردم از اقدام جسورانه دانشجویان خط امام هر روز بالاتر گرفت، و تئور انقلابی و ضدامپریالیستی‌توده‌ها اوج پیدا کرد . بالاگرفتن این روحیهٔ امپریالیسم آمریکا را مجبور نمود که راههای ضدبشری جدیدی علیه خلق قهرمان ایران پیش گیرد . از جمله تهدید به دخالت نظامی و تحریم اقتصادی مردم ا ا !

این توطئه‌ها خلق ما را مصمم‌تر ساخت ، تا بخاطر دفاع از تمامیت و استقلال و آزادی و شرف خود ، و نیز برای دفاع از انقلاب رهائی بخش خویش بیاخیزند ، و پاسخ قاطعی به جهانخواران به اصطلاح طرفدار حقوق بشر بدهند .

روزهٔ سیاسی پنج روزه‌ای که از طرف دانشجویان خط امام مطرح شد، بسرعت مورد استقبال عموم قرار گرفت در خلال این ۵ روز ، ما شاهد تظاهرات شبانه روزی مردم در محکوم کردن امپریالیزم آمریکا و توطئه‌های جنایت آمیز آن بودیم . چه شبها که تظاهرات تا صبح ادامه داشت . این جریان باعث شد که خط مبارزه ضد امپریالیستی و ضرورت آن برای خلق و کمرگیری از تفرقه وجدائی کاملا" لمس‌شود و توده‌ها هرگونه سازش و تسلیم را در برابر استعمارگران محکوم نمایند . در آخرین روز ، مردم ما پس از ادای نماز جمعه ، به سمت جاسوسخانهٔ آمریکا راه پیمائی کردند ، و نفرت خود را از مواضع ضد خلقی آمریکای جنایتکار اعلام نمودند .

دانشجویان مستقر درجاسوسخانهٔ آمریکا خواستهای خود را در زمینه‌های اقتصادی ـ نظامی ـ سیاسی و فرهنگی طی تقاضاهای مطرح و از شورای انقلاب خواستند که دیگر در تحقق این خواستها کوتاهی صورت نگیرد، و تصریح کردند که تا رسیدن به خواستها، تن به هیچگونه سازشی نمیدهیم ، و تنها مرجع تصمیم گیرنده در مورد کروکاتها و جاسوسخانه آمریکا مردم و امام می‌باشند .

درهنگامی که مردم برای انجام مراسم افطار ضد امپریالیستی خود در جلوی سفارت آماده میشدند ، راهپیمائی انجمن های دانشجویان مسلمان دانشگاهها و مدارس عالی به اینهای سر خود سفارت آمریکا ـ رسید، و قطعنامه‌این راهپیمائی از بلند گوی سفارت قرائت شدکه ذیلاً"آورده‌شود.

در این روز راهپیمائی سایر نیروهای سیاسی نیز به سمت سفارت آمریکا صورت گرفت . وآنها از عمل ضد امپریالیستی دانشجویان خط امام حمایت کرده ، و خواستار تداوم انقلاب خلق علیه امپریالیسم آمریکا شدند .

قطعنامه راهپیمایی انجمنهای دانشجویان مسلمان دانشگاهها ومدارس عالی

درشانگاه افطارپایانی ۵ روزه، روزه‌سیاسی ضدامپریالیستی

بنام خدا و بنام خلق‌قهرمان ایران

انقلاب خلق قهرمان ما پس از طی پیروزمندانه اولین مرحله، نفسی سافط کردن دیکتاتوری شاه خائن‌بانک وارد قوانین و مالیات ضد امپریالیستی شده که در حقیقت جوهر و مضمون کلیهٔ مبارزات خونبار خلق ما در طی پنجاه سال سلطنت ننگین‌پهلوی بوده است .

امروز خلق ما مستقیماً در مقابل مسبب اصلی کلیهٔ بدبختیها ، رنجها ، شکنجه‌ها و زندانها ، قاتل واقعی هزاران هزار شهید کلگون کفن به خون غلتانده و خلاصه در مقابل‌دشمن‌اصلی خویش یعنی امپریالیسم آمریکا قرار گرفته است . و میرود تا به پیام شهیدانش که‌گفته بودند" بعد از شاه نوبت آمریکاست " و به انتظار خون آنها که منتظر جوانند ، پاسخ مناسب دهد . وچه خوب خلق قهرمان ما به پیروی از امام سازش ناپذیرش در طی این چند روزه نشان داده‌اند که دراین راه‌مصمم و قاطع آماده مبارزه تا محو کامل سلطه آمریکای جنایتکار هستند .

اشغال لانهٔ جاسوسی آمریکا توسط برادران دانشجوی پیرو امام و متعاقب آن حمایت وسیع و گستردهٔ کلیهٔ اقشار و طبقات مردمی و جوش و خروشی که در این چند روزه در میان مردم ما به‌چشم میخورد و بالاخره پنج روز روزهٔ سیاسی در مقابل تهدید آمریکای جنایتکار منفی بر تحریم اقتصادی ، دلیل بارز و آشکار حضور این آمادگی است .

بقیه‌درصفحه ۱۱

از عاملان دادن تقاضا می‌شود که کمکهای مالی خود برای سازمان مجاهدین خلق ایران را به حساب جاری شماره "۱۳۰۰" بانک ملت در تهران به نام علی دوستان واریز نمایند و حواله آن را بصندوق پستی "تهران ۱۶ ـ شماره ۶۳/۹۱۸" یا "تهران ۱۶ ـ شماره ۱۳/۱۳۴۵ ارسال دارید .

هفته‌نامه "مجاهد"
نشریه مجاهدین خلق ایران
سال اول ـ یکشماره ۱۵ ریال
آدرس تهران ۱۶ ـ صندوق پستی شماره ۶۳/۹۱۸ و یا تهران ۱۶ ـ صندوق پستی ۱۳/۱۳۴۵

انقلاب چیست وانقلابی کیست؟ (۳)

شیوهٔ برخورد باجریانهای انحرافی درون خلقی

بقیه‌ازصفحه ۲

های اجتماعی (ازجمله موضعگیری مبتنی بر قسط وعدالت وترقیخواهی‌در قبال سایر نیروها) وقاطعیت درمبارزهٔ برعلیه امپریالیزم وارتجاع ، واساسی تر ازهمه ، جهاد در راه محو هرگونه استثمار انسان ازانسان به اتکاءتوده‌ها و با حاکمیت مستضعفین (کارگران)که نهایتا" به استقرار جامعهٔ بی‌طبقهٔ توحیدی می‌انجامد ، امکان پذیراست.

درچنین سیری است که گام به‌گام حقانیت مکتب ما آشکار شده ، وبتدریج مکاتب دیگر رنگ وآب خود را ازدست خواهند داد .

درغیر اینصورت با هیچ نیرو و قدرتی نمیتوان از گسترش و نفوذ اندیشه‌های دیگر جلوگیری‌کرد .گواینکه با تحریک احساسات یا توسل به زور و خشونت ممکنست برای مدتی خفقان سیاسی و عقیدتی ایجاد کرد ، وبدین وسیله دیگران را تحت فشار قرار داد . اما مالا" به رشد آنها کمک خواهد کرد، زیرا مظلومیت غالبا" سند حقانیت محسوب میشود . حداقل برای کسانی‌که به این شیوه (دیکتاتوری‌واختناق) متوسل میشوند درتحلیل نهائی‌پیروزی و حقانیتی ببار نمی‌آید !!

مفهوم قاطعیت انقلابی وتفاوت آن با خشونت‌کور

اگر نخواهیم وارد یک بحث‌صرفا لفظی بشویم ، میتوانیم با یکی دومثال توضیحات روشنی دراینمورد بدهیم :

یک سیستم یا جریان انقلابی در برخورد با مسائل بطور انقلابی و با قاطعیت عمل میکند . مثلا" بدون هیچ تردید و سازشی ارگانها ، عناصر و مناسبات ضدانقلابی را متلاشی و نابود میکند . ازجمله مزدوران و خرسپردگان جنایتکار رژیم ضدخلقی‌راعدام‌میکند. اینگونه اقدامات و مظاهر قاطعیت انقلابی است . اما موضوع به اینجا ختم‌نمیشود . چرا که باید توجه‌داشت که :

اولا" ـ راه حل همهٔ مسائلی که انقلاب با آن مواجه میشود این نیست

ثانیا" ـ هرخشونت وفشاری عنوان قاطعیت انقلابی ندارد ، اگرچه بدست نیروهای مدافع انقلاب به صورت گیرد . زیرا همیشه شکل یا نمود یک پدیده (دراینجا یک عمل) بهتنهائی نمیتواند معرف تمام عیار محتوا یا ماهیت (دراینجا حقانیت وبطلان) آن باشد . چرا که در مواردی ممکنست‌شکل یانمود پدیده‌های ماهیتا" متفاوت ،مشابه باشند . بدون‌توجه‌به این حقیقت به سادگی امور متضاد مشتبه خواهند شد . یک مثال ساده و شاید مبتذل ، شباهت ظاهری یعنی اعدامهای انقلابی (که‌نوع بعضی‌رژیمهای‌خلقی صورت میگیرد) با اعدامهای فاشیستی دیکتاتورهاست . چه بسا در هردومورد حفظ رژیم حاکم انگیزهٔ این اعدامها باشد . اما اگر مضمون ، جهت ، محتوا و بالاخره ماهیت هریک ازاینده اقدام توجه نکنیم ، و بعبارت دیگر مشخص نکنیم کدهریک بخاطر چه کسی ودر رابطه با چه جریانی وبرای حل چه مساله ای صورت گرفته ، و صرفا" نمود یکسان این دوعمل را معیار قراردهیم، هیچ دلیلی وجود ندارد که بهردو مورد عنوان‌واحد (مثلا" قاطعیت انقلابی) ندهیم !!!

مثال دیگر :

میدانیم درکشورهای عقب مانده که مناسبات فئودالی حاکم است ، یکی از اساسی ترین هدفها واقدامات انقلابی اصلاحات ارضی ، ودرهم ریختن نظام‌فئودالی و پایان دادن به این شکل از بهره کشی است .

ازسوی دیگر ما شاهد بودیم که‌رژیم مزدور و ضد انقلابی شاه اقدام به اصلاحات ارضی ، و مشخصاازبین‌بردن روابط فئودالی در ایران کرد . آیا اصلاحات ارضی شاه هم‌مضمون انقلابی داشت . واصولا" میتوان به آن عنوان انقلابی داد ؟

" تعدادی از مارکسیست های دگم وقشری ، براساس این گفتهٔ مائو که "در کشورهای تحت سلطه ، هرنوع مبارزهٔ ضدفئودالی مضمون وجوهر ضد امپریالیستی دارد" (۱) به حمایت از اصلاحات ارضی برخاسته ، وآن را یک تحول انقلابی درجامعه نامیدند . بدون‌اینکه به جوهر اصلی گفتهٔ مائو (مضمون ضدامپریالیستی حرکت ضد فئودالی) توجه کنند . این شعارصرفا در رابطه با کشورهای " نیمه فئودال" و نیمه مستعمره ، مثل چین صادق است نه درمورد کشورهائی مثل ایران با بافت اقتصادی (بورژوا ـ ملاک) که درجهت حاکمیت بورژوازی وابسته نیز حرکت میکند . لذا اصلاحات ارضی شاه درایران دقیقا" جوهر امپریالیستی دارد . زیرا به حاکمیت امپریالیسم و پایگاه طبقاتی اش بورژوازی‌میانجامد .

برای روشن‌ترشدن مساله بهتراست اشاره مجددی به تعریف خود انقلاب بکنیم .

موقعی که از انقلاب اجتماعی صحبت میکنیم ، منظور اینست که تحول بنیادی در جامعه صورت گرفته و طبقهٔ محکوم جای طبقهٔ حاکم را اشغال کند ، بقول امام علی (ع)

" حتی یعود الحق الی اهله و اقامه‌الحق اعلامه

. . . . . .

حال اصلاحات ارضی را ازاین دید مورد بررسی قرار می‌دهیم . در زمان شروع اصلاحات ارضی ، طبقات و نیروهای محکوم عبارتند از : بورژوازی‌ملی خرده بورژوازی ، دهقانان وکارگران و طبقهٔ حاکم را فئودالیسم و بخشی از بورژوازی که‌وابسته است تشکیل می‌دهد . درجریان این تحول تنها تغییریکه بلحاظ اجتماعی صورت می‌گیرد ، اینست که بافت دوگانه و التقاطی طبقهٔ حاکم (بورژوازی‌ـ ملاک) یگانه شده ، و بورژوازی‌وابسته بطور کامل مسلط میگردد . دراین تحول فئودالهای سابق به سرمایه‌دار بدل میشوند) ولی هیچیک ازطبقات‌محکوم در قدرت سهیم نمیگردند .

اگر این تحول یک تحول انقلابی می‌بود ، دیگر به این مساله نیازی نبود که از بوروکراسی و ارتش بعنوان یک عامل استفاده شود ، تا بهر وسیله از بروز پتانسیل انقلابی روستاها جلوگیری بعمل آید (۱) .

مرزبین قاطعیت انقلابی بابرخوردهای مکانیستی

باتوجه به این قبیل مثالهای عینی بهتر میتوان مرز بین اصلاحات ضد انگیزه‌ای (مثلا" اصلاحات ارضی شاه) را با اقدامات اصیل انقلابی ، و نیز فرق رفرمیسم (پاسازش) را با انعطاف تاکتیکی (که مبتنی بر اصل تغییرات کمی است) ، وبالاخره تفاوت قاطعیت انقلابی‌رابا برخوردهای مکانیکی ، و فاشیستی تشخیص داد .

ازجمله در برخورد با تضادها واختلافات درون خلقی ، ازآنجائی که این مسایل به نسبت تضادا صلی (امپریالیزم) فرعی و غیر متعارض هستند ، اساسا" به شکل مسالمت آمیز و درگاه در اصول دمکراتیک قابل حلند .

حال اگر یک جریان ازروی‌ناآگاهی یابخاطر حفظ موقعیت وانحصارطلبی به شیوهٔ قهرآمیز و نظامی (سرکوب ، حبس ، اعدام و . . .) متوسل شود ، این خشونت‌وشدت‌عمل‌بهیچوردانمی‌توان عنوان " قاطعیت انقلابی " داد . همچنین دربرخورد بامقایسه اخلاقی و انحرافاتی که عمدتا زائیده و معلول نظام پوسیده‌و منحط هستند (نظیر فحشاء ، اعتیاد به‌مواد مخدر یا مشروبات الکلی و . . .) ، راه حل انقلابی این است که‌باید‌ریشه‌ها وعلل اجتماعی وجبری آنها (فقر ، محرومیت ، وبخورکلی استثمار و تبعیض و نیز فرهنگ طبقاتی فاسد را از بین برد ، و درعین حال به اصلاح و باز آموزی قربانیان این‌مفاسد پرداخت. والا اگر عوامل اصلی ، دست نخورده باقی بمانند ، با اعدام ونشکنجه مسالهٔ فحشاء و . . . حل‌نخواهد شد . لذا این گونه برخوردهارا هم " قاطعیت‌انقلابی " نمی گویند . نتیجه بگیریم :

(قاطعیت انقلابی یعنی درجهت حل تضاد ها و بویژه تضاد اصلی به گونه‌ای پیگیر ومستمر و منطبق با شیوه حل هر تضاد گام‌زدن، واز مشکلات نهراسیدن .

۱ ـ نقل از کتاب زمامداری کارتر . . . انتشارات سازمان مجاهدین‌خلق ایران .